

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درباره ترجمه

- 
- 
- 
- 

❦ ❦ ❦ ❦

- 
- 
- 
- 

درباره ترجمه

www.vccans.ir:( pdf )

about-translation.blogspot.com :

AboutTranslation@gmail.com :

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۹۵۷۵-۴۶۳

تلفن ارتباط با نشریه: ۱۶۸۷ ۲۲۷ - ۹۱۲ -

.....  
.....  
..... :

.....  
.....  
..... تنگناهای تحقیق در ترجمه فیلم / خورخه دیاز سینتاز / فاطمه جبارزاده .....  
..... استاد شیشه‌جان / حسن هاشمی میناباد و مرجانه حاجی حسینی .....  
..... نگاهی به تجربه‌های عملی پیک مترجم شفاهی / رمضانعلی واشقانی فراهانی .....  
..... ترجمه، پایه‌پای فناوری / محمد مهدی زارع .....  
..... / حسن هاشمی میناباد .....  
..... / فاطمه مهدی‌برزی .....  
.....

.....  
..... / امید احمدی .....  
..... :  
..... ( ) .....  
..... / حسین حیدری تبریزی .....  
.....

.....  
.....  
..... / بهروز کروی .....  
.....  
.....  
.....  
..... زبان معماری و فرهنگ درست نویسی (متن سخنرانی دکتر حسن انوری) .....  
..... زبان علمی فارسی سخت جان نیست / رضا منصوری .....  
..... تأکید استادان دانشگاه تهران بر ضرورت صیانت از خط فارسی .....  
..... / علی اکبر عابدیان .....  
.....

از استادان بزرگوار این رشته، خانم دکتر فرزانه فرحزاد، آقای دکتر غلامرضا تجویدی، آقای دکتر حسین ملانظر، آقای دکتر کامبیز محمودزاده و آقای حسن هاشمی میناباد به دلیل پشتگرمیها و راهنماییهای ارزنده‌شان در انتشار این مجله قدردانی می‌شود.

❦ ❦ ❦ ❦

از سروران عزیزی که نامشان در زیر می‌آید و در تهیه و تنظیم مطالب این شماره با ما همراه بوده‌اند سپاسگزاری می‌شود: دانشجویان کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی: آقای مهدی مشایخی و خانم پرینا قمی؛ دانشجویان کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز علوم و تحقیقات: آقایان بهروز ابراهیمی و حمید امینی و خانم فرح مدنی. این نشریه همچنین مراتب امتنان خود را از آقایان دکتر کامران تاجیک، محمد جعفریگی و حسین داوری به دلیل همکاری و ارائه نظرات سودمند اعلام می‌دارد.

# یادداشت

دوره شماره ۱۴۰۱

)

(

(

)

«

»

:

•

•

•

)

(About-Translation.blogspot.com)

(

# مصاحبه با استادان ترجمه

## این شماره: دکتر علی خزاعی فر

سید حسین حیدریان

درباره ترجمه

نام او در میان مترجمان، دانشجویان رشته‌های ترجمه و ادبیات انگلیسی و علاقه‌مندان به ترجمه آشناست. همه او را با نام ترجمه ادبی و فصلنامه پربار مترجم می‌شناسند. استاد توانایی به‌غایت سربه‌زیر که مدتی است عصر روزهای چهارشنبه دو بار در ماه به دعوت مرکز نشر دانشگاهی از شهر زادگاهش خود را به خیابان خالد اسلامبولی تهران می‌رساند و تا غروب با صدایی گرفته و محبوب به مشتاقان ترجمه و ویرایش ادبی، آموزش می‌دهد.

دکتر علی خزاعی فر متولد شهر مقدس مشهد است. او در سال ۱۳۵۴ در رشته ریاضی دیپلم گرفت و همان سال در رشته آمار و کامپیوتر دانشگاه فردوسی پذیرفته شد. دو سال بعد، به دلیل عشق و علاقه‌ای که به ادبیات انگلیسی پیدا کرده بود، تغییر رشته داد و پس از اخذ مدرک کارشناسی ادبیات انگلیسی، در دوره کارشناسی ارشد آموزش زبان در دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته و در سال ۱۳۶۷ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شد. چند سال بعد به دانشگاه یومیسٹ (UMIST) منچستر در انگلستان رفت و در آنجا در سال ۱۳۷۷ پایان‌نامه دوره دکتری خود را با عنوان *Contributions of Linguistics to the Practice of Translation* به انجام رسانید. او علاوه بر تألیف کتاب با ارزش دانشگاهی با نام *ترجمه متون ادبی*، صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر دیرینه‌ترین نشریه ترجمه در ایران است.

فصلنامه مترجم تنها مجله فرهنگی در کشور است که هفده سال دوام یافته و مفاهیم نظری و عملی ترجمه را برای مخاطبان پرشمارش عرضه کرده است. اردیبهشت ماه امسال فصلنامه بخارا، طی مراسمی از این استاد مسلم که وجود او غنیمتی انکارناپذیر برای آموزش و رشد ترجمه در ایران است قدردانی کرد. (خبر مربوط به این مراسم در بخش نشریه‌ها و خبرها آمده است.)

[khazaeefar@yahoo.com](mailto:khazaeefar@yahoo.com)

جناب دکتر، باتشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید، لطفاً در ابتدا برای خوانندگان ما از تحصیلات علمی خود بگویید. رشته‌های دانشگاهی من چندان مرتبط نبوده است. ادبیات انگلیسی، آموزش زبان، و زبانشناسی آموزشهای رسمی بوده که من در سه مقطع کارشناسی تا دکتری دیده‌ام. در چند حوزه دیگر از جمله سینما، ترجمه، فرهنگ‌نویسی و ادبیات فارسی به‌صورت غیررسمی و خودآموز تفتن می‌کنم. در واقع، شاید مشکل اصلی من همین کثرت علایق باشد که مانع از تمرکز من بر یک حوزه خاص می‌شود. در دنیای حرفه‌ای امروز این کثرت علایق را به کسی توصیه نمی‌کنم. می‌دانم دیگر عصر تفتن به‌پایان رسیده است. با این حال، از دیدگاهی شخصی - و نه حرفه‌ای - این تفتن را لذت‌بخش و حتی رهایی‌بخش می‌دانم. البته منظور من از تفتن این نیست که به این کارهای تفتنی علاقه کمی دارم. برعکس، این کارهای تفتنی را بسیار دوست دارم و تا حد امکان برایشان وقت می‌گذارم. کثرت این کارهای به‌اصطلاح تفتنی است که مانع از تمرکز بر کاری واحد می‌شود.

- چطور شد که به ترجمه علاقه‌مند شدید؟



وقتی که دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان بودم، مثل همه دانشجویان مدتی قبل از اتمام واحدهای درسی به فکر پایان‌نامه افتادم. دوست داشتم درباره موضوعی تحقیق کنم که به آن علاقه‌مند باشم. من اساساً به رشته آموزش زبان علاقه‌ای نداشتم و درسهای این رشته برایم اصلاً جالب نبود. احساس می‌کردم به این رشته پرتاب شده‌ام. آن موقع یعنی سال ۶۱ که من در این رشته قبول شدم، فقط همین رشته در مقطع کارشناسی ارشد دایر بود. البته طرفداران دانشگاهی این رشته طبعاً برای اینکه رشته خود را مهم جلوه بدهند آن را به رشته شناخته‌شده زبانشناسی منتسب می‌کردند و عنوان رشته را زبانشناسی کاربردی می‌نامیدند که اسم دهن‌پرکنی است. برای اینکه نشان بدهند این رشته چقدر مهم است، مجموعه‌ای از فعالیتهای نظری و عملی مرتبط با زبان را شاخه‌هایی از این رشته به حساب می‌آوردند. در بین این شاخه‌ها، شاخه‌ای بود که خیلی نظرم را جلب کرد و آن شاخه ترجمه بود. اگر

به نقشه‌ای که طرفداران دانشگاهی رشته آموزش زبان در دهه ۸۰ از رشته خود کشیده بودند مراجعه کنید نام ترجمه را هم در این نقشه می‌بینید.

البته هنوز هم بسیاری از دپارتمانهای آموزش زبان، پایان‌نامه‌های مرتبط با ترجمه را در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری هدایت می‌کنند. اما آن موقع هنوز رسماً خبری از رشته مطالعات ترجمه نبود. بحث بر سر این بود که ترجمه علم است یا هنر. هولمز تازه نقشه مطالعات ترجمه را کشیده بود و داشت زمینه استقلال آن را فراهم می‌کرد. در حال، آن موقع ترجمه هنوز ارباب‌جمعی رشته آموزش زبان یا به قولی زبانشناسی کاربردی بود و من شاید اولین نفر در ایران هستم که رساله فوق‌لیسانس خود را به بحث نظری درباره ترجمه اختصاص داده است. حالا که به آن پایان‌نامه نگاه می‌کنم، می‌بینم که فقط عشق و علاقه به ترجمه محرک آن پایان‌نامه بود، چون آن موقع نه خود من اطلاعات چندانی در این زمینه داشتم نه بجز کتابهای کت‌فورد و نایدا و نیومارک اساساً اطلاعات مفیدی در این زمینه وجود داشت. اگر هم وجود داشت در دسترس من نبود و یا تهیه آن بسیار دشوار بود.

- گفتید به رشته آموزش زبان علاقه‌مند نبودید. ممکن است دلیل آن را بفرمائید؟ این رشته یکی از رشته‌های جاافتاده و پرطرفدار دانشگاهی است.

بی‌علاقگی من به این رشته تا حد زیادی دلیل شخصی و ذوقی دارد. من با پیشینه‌ای از ادبیات انگلیسی نمی‌توانستم با دروس این رشته ارتباط برقرار کنم. از طرف دیگر، متوجه شدم که بین روشهایی که در آموزش و پرورش برای آموزش زبان خارجی به کار گرفته می‌شود و روشهایی که ما در کلاس می‌خواندیم بسیار فاصله است؛ و این فاصله گویا ابدی است. چون کسانی که به ما روش تدریس زبان می‌آموختند، همانهایی بودند که برای آموزش و پرورش کتاب می‌نوشتند و سیاست‌گذاری می‌کردند. الان بعد از گذشت حدود بیست سال از آن موقع، گویا وضع بر همان منوال است و در بر همان پاشنه می‌چرخد.

- چطور شد که به کار عملی ترجمه علاقه‌مند شدید؟

علاقه من به کار عملی ترجمه برمی‌گردد به خاطره‌ای در حدود ۲۰ سال پیش. یکی از همکارانم مقاله‌ای در زمینه علوم انسانی ترجمه کرده بود و از من خواست که به آن نگاهی بیندازم. مقاله را خواندم و به ایشان گفتم مقاله خوبی است. به چیز خاصی برخورددم. همکارم اصرار کرد که به چشم دقیق‌تری به مقاله نگاه کنم و چیزهایی را که به ذهنم می‌رسد پیشنهاد کنم. دفعه دوم که مطلب را دقیق‌تر خواندم، دیدم تقریباً هیچ جمله‌ای سالم نیست. زبان مقاله رنگ و بوی ترجمه داشت و پر از ترکیبات غریب، جملات بلند و دیرپاب و گاه مبهم و غیرمنطقی بود. انتقال از جمله‌ای به جمله دیگر روان صورت نگرفته بود. وقتی که داشتم تک‌تک جملات را برای همکارم توضیح می‌دادم که چه اشکالی دارد، لذت و غروری در خودم احساس می‌کردم. تعجب می‌کردم که چطور همکار فاضلم در نوشتن متنی به زبان مادری مرتکب چنین خطاهای آشکاری شده و از اینکه من توانسته بودم این اشکالات را بیابم احساس غرور می‌کردم. خلاصه آنجا بود که فهمیدم ترجمه هم مثل نوشتن کاری خلاق و لذت‌بخش است. ترجمه شاید حتی بیش از تألیف، دانش زبانی و خلاقیت و فکر منطقی می‌طلبد. بعد از آن، کار عملی ترجمه برایم نوعی تفریح بود. ترجمه برایم بازی شیرین و چالش‌برانگیز جستجو در ذخایر واژگانی و معنایی زبان فارسی و قالب‌ریزی کلمات نویسنده در زبان فارسی بود. متأسفانه یا

به نظر من زبانشناسی کمکی به ترجمه نمی‌کند، یا کمک چندانی نمی‌کند. زبانشناسی به مطالعات ترجمه کمک می‌کند. در واقع، زبانشناسی نقطه شروع مطالعات ترجمه است. محقق ترجمه هم از شیوه زبانشناسان در تحقیق خود کمک می‌گیرد، هم از مفاهیم زبانشناسی.

خوشبختانه به همین مقدار لذت اکتفا کردم. انبوه کارها مانع از آن شد که به صورت حرفه‌ای به ترجمه بپردازم. همین مقدار ترجمه ذوقی و تفننی که می‌کنم خوراک تفکر درباره ترجمه را فراهم می‌کند.

- فصلنامه مترجم که هفدهمین سال انتشار خود را جشن گرفته است، به صورت منبعی شناخته شده برای مترجمان و محققان حوزه ترجمه درآمده است. کار فصلنامه را چگونه شروع کردید؟

اولین شماره مجله مترجم در بهار ۱۳۷۰ منتشر شد. به جز چهار شماره اول که معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی آن را منتشر کرد، بقیه شماره‌ها با هزینه شخصی منتشر شده است و لذا کم و کیف مترجم در هفده سال گذشته را می‌توان تا حدی متأثر از این نکته دانست. در مورد مجله مترجم، گفتنی‌ها را در شماره چهل و پنج که به مناسبت آغاز هفدهمین سال انتشار مجله منتشر می‌شود گفته‌ایم. با این حال برای اینکه سؤال شما بی‌جواب نباشد به یک نکته اشاره می‌کنم و آن اینکه ده دوازده سال پیش به صرافت اقدام مجله را در قالب پژوهشی یا ترویجی منتشر کنم که خوشبختانه وزارت علوم آن را واجد شرایط ندانست؛ و من امروز از این بابت بسیار خوشحالم چون اگر مجله را در قالب پژوهشی منتشر می‌کردم، قطعاً از هدف مجله دور می‌شدم. مجله مترجم، چنانکه از نامش پیداست در خدمت کار عملی ترجمه و مترجمان است و البته با مباحث نظری ترجمه هم بیگانه نیست، اما فقط به آن دسته از مباحث نظری توجه دارد که در عمل ممکن است به نوعی به کار مترجم بیاید. احساس می‌کنم مترجم رفته‌رفته به پایگاهی نظری برای مترجمان تازه‌کار و دانشجویان ترجمه تبدیل شده است. ما در مترجم روشی را توصیه می‌کنیم که قبل از هر چیز برخوردار از آن مهم‌تر بر زبان فارسی تأکید می‌کند و از لفظ‌گرایی به دور است. این شیوه مورد قبول مترجمان حرفه‌ای هم قرار گرفته است. در واقع، مترجم کوشیده خلاقانه‌تری موجود در عرصه ترجمه را پر کند. نظریه‌ای که آن را برای کار عملی ترجمه توصیه می‌کند نظریه‌ای است مبتنی بر درک درست و واقع‌گرایانه از ماهیت ترجمه، کار مترجمان حرفه‌ای و اهمیت زبان فارسی. هدف ما این است که بتوانیم با لفظ‌گرایی در صورتهای ناپسند آن مبارزه کنیم و روش فارسی‌گرا را بر عرصه ترجمه در ایران غالب گردانیم.

- شما رابطه زبانشناسی و ترجمه را چگونه می‌بینید؟ آیا زبانشناسی می‌تواند در کار عملی ترجمه به مترجم کمک کند؟

به نظر من زبانشناسی کمکی به ترجمه نمی‌کند، یا کمک چندانی نمی‌کند. زبانشناسی به مطالعات ترجمه کمک می‌کند. در واقع، زبانشناسی نقطه شروع مطالعات ترجمه است. محقق ترجمه هم از شیوه زبانشناسان در تحقیق خود کمک می‌گیرد، هم از مفاهیم زبانشناسی. متأسفانه در مورد اینکه چه می‌تواند به مترجم کمک کند قدری سوء تفاهم وجود دارد. برخی می‌گویند زبانشناسی می‌تواند کمک کند، ولی مشخصاً موردی ذکر نمی‌کنند که زبانشناسی چگونه می‌تواند به مترجم کمک کند. آشنایی با آراء و نظریه‌های زبانشناسان که غالباً پیچیده و متناقض نیز هست بینش مترجم نسبت به زبان را ممکن است عوض کند. ولی به او نمی‌گوید چگونه ترجمه کند. مطالعات ترجمه هم همین‌طور است. اصلاً زبانشناسی و مطالعات ترجمه ادعای کمک به مترجم را ندارند. کار آنها از یکدیگر جدا است. یکی توصیف می‌کند. یکی عمل می‌کند.

من در سرمقاله‌ای با عنوان «گروه سوم در ترجمه»، گفته‌ام آنکه می‌تواند به مترجم کمک کند کسی است که هم زبانشناس و ترجمه‌شناس است و هم مترجم و فارسی‌دان. چنین کسی هم مشکلات ترجمه را می‌داند هم باتوجه به دانش زبان‌شناختی و ترجمه‌شناختی خود راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌کند. این گروه سوم دیگر خجالت نمی‌کشند از این که به مترجم بگویند چگونه باید ترجمه کند. ترجمه کار عملی است و در آموزش کار عملی باید و نباید اجتناب‌ناپذیر است. ما در مجله مترجم به تحقیق برای تحقیق علاقه‌مند نیستیم. هر حرفی که می‌زنیم، در واقع، بیان یک مشکلی در کار عملی ترجمه و ارائه نظر است و حرف ما بی‌ربط با کار عملی مترجمان حرفه‌ای نیست، بلکه متأثر از کار آنهاست. به نظر من بعید است مترجمی حرف این گروه سوم را بشنود و بگوید ما در

## پیشرفت واقعی وقتی صورت می‌گیرد که تحقیقات علمی همکاران ما در این حوزه و نیز پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشجویان دربارهٔ مسائل نظری و عملی ترجمه در ایران باشد.

ترجمه از این گروه هم بی‌نیازیم. ما در مجلهٔ مترجم روی سخنان با محققان ترجمه و اساتید دانشگاه نیست. مخاطب ما مترجمان هستند و اسم مجله هم گواه این مطلب است.

- در یکی از مقالات اخیر مترجم به نظریه‌ای تازه در باب ترجمه اشاره کرده‌اید که سؤالات و بحثهایی را به دنبال داشته است. در مورد این نظریه بیشتر توضیح دهید.

من در خلال چند سال آموزش و کار عملی ترجمه به نظریه‌ای در باب ترجمه رسیده‌ام که بزودی آن را به صورت کتاب منتشر می‌کنم. این نظریه که منحصر به متون ادبی نیست بلکه هر نوع ترجمه به زبان فارسی را شامل می‌شود، براساس درکی واقع‌گرایانه از کار عملی ترجمه و با ملاحظهٔ جایگاه زبان و ادب فارسی و نیز خوانندهٔ ایرانی تدوین شده است. در این مجال اندک، فرصت نیست این نظریه را توضیح بدهم. فقط همین را بگویم که این نظریه در مقابل نظریهٔ لفظ‌گرایی قرار دارد و اگر بخواهیم اسمی برای آن بگذاریم، شاید بتوان گفت «نظریهٔ فارسی‌گرا». نظریهٔ لفظ‌گرا هنوز کم و بیش بر عرصهٔ ترجمه در ایران حاکم است. من کارم را با نقد ترجمه‌های موجود آغاز کردم و دریافتم که ما ترجمه را با لفظ‌گرایی آغاز کرده و همچنان ادامه می‌دهیم. نظریهٔ فارسی‌گرا به مترجم مبانی نظری و جسارت لازم را برای خروج از تنگناهای کلمه می‌دهد و ترجمه را به سطح تألیف ارتقا می‌دهد و اصالت فارسی را حفظ می‌کند و باعث می‌شود خواننده شیرینی زبان و معنی کلام را بهتر درک کند.

- آقای دکتر! شما در یکی از شماره‌های اخیر فصلنامهٔ مترجم همچنین برنامه‌ای را برای تربیت مترجم ادبی پیشنهاد کرده‌اید. این برنامه اکنون تا چه مرحله‌ای پیش رفته است؟

من این برنامه را به گروه ادبیات فارسی دانشگاه مشهد پیشنهاد کردم تا آن را به صورت یکی از گرایشهای مقطع کارشناسی ارشد رشتهٔ ادبیات فارسی ارائه کنند. پس از اینکه گروه ادبیات فارسی آن را پذیرفت، برنامه را تدوین کردیم و شرح دروس را هم نوشتیم. اگر اشکالی پیش نیاید، از سال آینده در این رشته دانشجو می‌گیریم. این برنامه، برخلاف رشتهٔ مطالعات ترجمه، بیشتر به کار عملی ترجمه نظر دارد و دانشجویانی که در این رشته پذیرفته می‌شوند قاعدتاً فارغ‌التحصیلان رشتهٔ ادبیات فارسی هستند، هرچند که دانشجویان رشته‌های دیگر هم می‌توانند شرکت کنند. شرط قبولی به‌غیر از امتحان ورودی، مصاحبه نیز هست. کسانی که تألیف یا ترجمه دارند یا به‌نحوی در کار نوشتن سابقه دارند و نیز کسانی که تسلط بیشتری به زبان انگلیسی دارند از اولویت برخوردارند. در این برنامه برخی اشکالات برنامه‌های تربیت مترجم رفع شده و تا حدی می‌توان به موفقیت آن امیدوار بود، ولی درعین حال این برنامه هم از آفات برنامه‌های دیگر در امان نخواهد بود. در اینجا هم هیچ تضمینی نیست که کسی که به این رشته وارد می‌شود واقعاً به ترجمه علاقه‌مند باشد. بعید نیست افرادی با انگیزه‌های دیگر به این رشته بیایند. باید دید و بعد قضاوت کرد.

- به نظر من مترجم در شماره‌های اخیر به بررسیهای نظری بیشتری پرداخته است. این سؤالی است که من معمولاً در مورد رشتهٔ مطالعات ترجمه پرسیده‌ام. شما پیشرفت مطالعات ترجمه در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حوزهٔ مطالعات ترجمه به‌عنوان حوزه‌ای مستقل هم در غرب هم در ایران حوزهٔ تحقیقاتی نوپایی است. در ایران این حوزه به‌همت تنی چند از اساتید فاضل و علاقه‌مند و حول برنامهٔ کارشناسی ارشد مترجمی چند سال است که در دانشگاه علامه طباطبایی دایر شده و مجلهٔ مطالعات ترجمه هم نویدبخش رونق هرچه بیشتر این حوزهٔ تحقیقاتی است. باین حال، دوستان عزیز ما در دانشگاه علامه طباطبایی هنوز کارهایی بسیار جدی پیش‌رو دارند. شاید اولین کار این باشد که نام رشته را از مترجمی زبان انگلیسی به مطالعات ترجمه تغییر بدهند در اینجا نام اهمیت دارد، زیرا از سوءتفاهم‌های بسیاری جلوگیری می‌کند. آنچه در این رشته در مقطع کارشناسی ارشد ارائه می‌شود، هیچ‌ربطی به تربیت مترجم ندارد و این نکته باید برای همه روشن باشد. و اگر واقعاً برای همه روشن است، در این صورت چه دلیلی دارد که نام این رشته مترجمی باشد.

برای مقطع کارشناسی ارشد شاید اولین کار این باشد که نام رشته را از مترجمی زبان انگلیسی به مطالعات ترجمه تغییر بدهند. آنچه در این رشته ارائه می‌شود هیچ ربطی به تربیت مترجم ندارد. در این صورت چه دلیلی دارد که نام رشته مترجمی باشد.

از نام که بگذریم، به نظر من پیشرفت واقعی وقتی صورت می‌گیرد که تحقیقات علمی همکاران ما در این حوزه و نیز پایان‌نامه‌های دانشجویان درباره مسایل نظری و عملی ترجمه در ایران باشد.

ایران کشوری است که در آن ترجمه از دیرباز اهمیت بسیاری داشته و دارد. یافته‌های مطالعات ترجمه به‌عنوان حوزه تحقیقات نظری ترجمه باید در خدمت کار عملی ترجمه در ایران باشد و تنها در این صورت است که حوزه مطالعات ترجمه، هم پیشرفت می‌کند، هم اعتبار می‌یابد و هم تحقیقات انجام‌شده ارزش پیدا می‌کند. مطالعات ترجمه این توان را دارد که از محدوده دانشگاه فراتر برود. من اعتقاد دارم که کار عملی ترجمه، لااقل در شرایط فعلی ایران، بدون پشتوانه نظری معتبر با بن‌بست‌ها و خلأهایی جدی روبروست. اساساً این آشفتگی که در کار دیده می‌شود تا حد زیادی به این دلیل است که ترجمه ما پشتوانه نظری محکمی ندارد. اگر در کلاسهای نظری ترجمه به نقل آرای این یا آن نظریه پرداز اکتفا کنیم و اگر پایان‌نامه‌ها به تحقیق درباره مباحث مرتبط با کار عملی ترجمه در ایران نپردازد، در این صورت، این حوزه تحقیقات در حد دانشگاه متوقف می‌ماند و فایده آن چیزی نخواهد بود جز ارتقای مدرک تعدادی دانشجو و ارتقای مرتبه تعدادی استاد. در واقع، ما که متولگی این حوزه تحقیقاتی هستیم با کار مفید و مرتبط به این حوزه اعتبار می‌بخشیم.

- مجله شما راهی را برای هم‌فکری و آشنایی بین مترجمان باز کرده است. امروز در ایران فاصله بسیاری بین ارکان ترجمه احساس می‌شود. بین کسانی که در حوزه ترجمه فعالیت می‌کنند و افراد دانشگاهی و نیز بین خود افراد دانشگاه‌های مختلف شکاف وجود دارد. به نظر شما چگونه می‌توان در این میان یک آشتی برقرار کرد؟

ترجمه فعالیتی است که محققان حوزه‌های مختلف درباره آن اظهار نظر می‌کنند: جامعه‌شناسان، فرهنگ‌شناسان، فلاسفه، ادبا و اخیراً هم زبان‌شناسان و ترجمه‌شناسان. این وضعیت صرفاً بیانگر این واقعیت است که ترجمه فعالیتی پیچیده است که از عوامل مختلف زبانی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی متأثر شده و در فرهنگ و اجتماع و زبان و ادبیات یک ملت اثر می‌گذارد. این حوزه ارباب‌جمعی هیچ گروهی نیست. هر کس از منظر رشته خود می‌تواند درباره آن اظهار نظر کند. این اظهار نظرهای فلسفی، ادبی، فرهنگی و جامعه‌شناختی درباره ترجمه به درک بهتر ما از مفهوم و کارکرد ترجمه کمک می‌کند. بنابراین، در پاسخ به سؤال شما باید گفت که درک و قبول ماهیت بین رشته‌ای ترجمه، زمینه آشتی میان گروه‌های مختلف علاقه‌مند به ترجمه را فراهم می‌کند. البته هستند کسانی که خیال می‌کنند حرف آنها درباره ترجمه معنایی عینی و علمی دارد و حرف دیگران مبنایی ذهنی دارد و لذا اعتباری ندارد. وقتی درباره ترجمه صحبت می‌کنیم، جدا کردن قلمرو عین از ذهن آن قدر که برخی گمان می‌کنند ساده نیست. این مطلب را در جایی دیگر به تفصیل بحث کرده‌ام. در اینجا فقط به اختصار بگویم که هر چه حرف ما برخاسته از تجربه ما یا دیگران در کار ترجمه باشد، اعتبار و فایده بیشتری دارد. حرفی که برخاسته از عمل ترجمه نیست یا با کار ترجمه نمی‌توان آن را محک زد، در قلمرو نظر باقی می‌ماند.

- ویرایش چه نقشی در بهبود ترجمه دارد؟ اصولاً کار ویرایش را در بهبود وضعیت نشر در ایران چگونه می‌بینید؟

چنانکه می‌دانید، ویرایش ترجمه به شکلی که در ایران متداول است در غرب وجود ندارد. در اینجا متن ترجمه شده را معمولاً با متن اصلی مقابله و آن را از جهت محتوا و درستی زبان ترجمه، ویرایش می‌کنند. اگر ویرایش در ایران چنین روندی پیدا کرده، علت آن به طور قطع بی‌ارتباط با وضعیت ترجمه نیست. یعنی ترجمه در ایران به شکلی انجام می‌شده و می‌شود که این شکل ویرایش ضرورت پیدا می‌کند. در مورد سؤال شما باید بگویم که اگرچه در وضعیت مطلوب، ویرایش نباید ویرایش محتوایی و زبانی باشد، ولی در حال حاضر امری ضروری است و اگر ترجمه‌ای بدون ویرایش یا با ویرایش حداقل به چاپ برسد، جای نگرانی دارد.

- چرا می‌گوئید ویرایش نباید ویرایش محتوایی یا زبانی باشد. مگر در غرب روال ویرایش ترجمه چگونه است؟



اگر مترجم صلاحیت ترجمه متنی را ندارد، نباید به او اعتماد کرد، زیرا یک ترجمه غیرقابل اعتماد را نمی‌توان با ویرایش زبانی و ادبی به متنی یکدست تبدیل کرد؛ مگر اینکه ویراستار تک‌تک جملات را دوباره بنویسد. بنابراین در ترجمه‌هایی که ویراستار زیاد دست می‌برد، یکدستی سبکی به هم می‌خورد. در ایران به جای اینکه سطح کار مترجمان را بالا ببریم، به تربیت ویراستار پرداخته‌ایم.

ببینید اگر مترجم صلاحیت ترجمه متنی را دارد، باید به او اعتماد کرد و کار او را با همان ویژگی‌های فردی یا سبکی‌اش پذیرفت و به چاپ رساند. می‌ماند بعضی خطاها و سهوها و جافتادگی‌ها که اگر کسی دیگر ترجمه را بخواند، احتمالاً بهتر متوجه آنها می‌شود. این چشم دوّم همان ویراستار است که اصلاحات پیشنهادی او به حداقل می‌رسد. ظاهراً این همان شیوه‌ای است که در غرب متداول است. اگر مترجم صلاحیت ترجمه متنی را ندارد، نباید به او اعتماد کرد، زیرا یک ترجمه غیرقابل اعتماد را نمی‌توان با ویرایش زبانی و ادبی به متنی یکدست تبدیل کرد، مگر این که ویراستار تک‌تک جملات را دوباره بنویسد. بنابراین در ترجمه‌هایی که ویراستار زیاد دست می‌برد، یکدستی سبکی به هم می‌خورد. در ایران بجای این که سطح کار مترجمان را بالا ببریم، به تربیت ویراستار پرداخته‌ایم. البته گفتم که تا سطح کار مترجمان بالا نرود، تربیت ویراستار و ویرایش ترجمه امری ضروری است؛ وگرنه وضع از این که هست هم بدتر می‌شود.

- به نظر شما سطح کیفی کار مترجمان را چگونه می‌توانیم بالا ببریم؟

سؤال خوبی است ولی پاسخ به این سؤال چندان ساده نیست، چون عوامل بسیاری در این امر دخیلند. به طور کلی بهبود وضعیت ترجمه به بهبود خیلی از فعالیتهای فرهنگی و ادبی دیگر وابسته است. از آن گذشته، باید فضایی ایجاد کرد که فقط کسانی که صلاحیت ترجمه دارند به این حرفه روی بیاورند نه کسانی که علاقه دارند ولی صلاحیت لازم را ندارند. بالابردن کیفیت آموزش در رشته تربیت مترجم هم بی‌تأثیر نیست.

ببینید من به آموزش ترجمه و تربیت مترجم اعتقاد دارم، ولی واقعاً تصور نمی‌کنم برنامه چهارساله تربیت مترجم بتواند مترجم ادبی تربیت کند. هیچ کس از جمله خود دانشجویان این رشته نباید اساساً به ترجمه ادبی به عنوان یک درس فراگرفتنی فکر کنند. ترجمه ادبی از سنخ نگارش خلاق است و نگارش خلاق قابل آموزش نیست. برنامه موجود آموزشی تربیت مترجم از دوسو به طرز غیرمنصفانه موردانتقاد واقع شده. از یک‌سو، برخی دانشجویان این رشته انتظار دارند مترجم ادبی بشوند یا اینکه عملاً سراغ کارهای ادبی می‌روند. این درست نیست. از سوی دیگر، بعضی‌ها گمان می‌کنند چون این برنامه نمی‌تواند مترجم ادبی درست کند، پس به درد نمی‌خورد. درست است که این برنامه نمی‌تواند مترجم ادبی درست کند. ولی کارهای مفید دیگری می‌تواند انجام دهد. ما می‌توانیم تعداد زیادی نیازهای حرفه‌ای در بازار کار را مشخص و تعریف کنیم و با دادن آموزشهای لازم افرادی را تربیت کنیم که جوابگوی آن نیازها باشند. من بین دوسطح از مهارت ترجمه تفاوت قایل هستم: سطح حداکثر و سطح حداقل. سطح حداکثر قابل آموزش نیست، ولی سطح حداقل قابل آموزش است. این سطح حداقل را می‌توان و باید به صورت کمی تعریف و مشخص کرد. گمان می‌کنم برنامه‌های تربیت مترجم در کشورهای غربی نیز نظر به سطح حداقل دارند \_ سطحی که جوابگوی نیازهای غیرادبی بازار کار ترجمه است.

- بازار کار ترجمه را چگونه توصیف می‌کنید؟

تصور می‌کنم برای فارغ‌التحصیلان ترجمه، درمقایسه با فارغ‌التحصیلان گرایشها و رشته‌های دیگر، بازار کار بهتری وجود دارد، ولی اولاً، چون در ایران معمولاً پذیرش دانشجو متناسب با نیازهای جامعه صورت نمی‌گیرد، معلوم نیست تک‌تک فارغ‌التحصیلان بتوانند کاری مرتبط با رشته تحصیلی خود پیدا کنند. ثانیاً، نکته‌ای که من همیشه به دانشجویانم می‌گویم این است که حرفه‌ای بیندیشند. دانشگاه دبیرستان نیست. دبیرستان آموزش عمومی می‌دهد؛ ولی دانشگاه آموزش تخصصی می‌دهد یا باید بدهد. دانشجوی دوره کارشناسی باید تخصص لازم برای انجام کار در آینده را پیدا کند. اگر دانشگاه به دلیل ضعف برنامه یا ضعف مدیریت یا ضعف آموزش یا به هر دلیل دیگر قادر نیست آموزش تخصصی لازم را به دانشجو بدهد، این را باید به حساب بدشانسی دانشجو گذاشت ولی این از مسئولیت دانشجو کم نمی‌کند. دانشجوی رشته ترجمه باید بداند در بازار کار از او چه انتظاری دارند و خود را در سطح آن انتظارات آماده کند. گناه را به گردن دانشگاه انداختن هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، هرچند که دانشگاهیان هم به نوبه خود وظیفه دارند که مشکلات برنامه را حل کنند. این است که می‌گویم دانشجو باید حرفه‌ای فکر کند و حرفه‌ای عمل کند. دانشجو باید در دوره کارشناسی حداقل تخصص لازم را پیدا کند. باید، مثلاً، بتواند متن انگلیسی بدون غلط بنویسد، باید بتواند متون انگلیسی را در

دانشجوی رشته ترجمه باید بداند در بازار کار از او چه انتظاری دارند و خود را در سطح آن انتظارات آماده کند. دانشجوی باید در دوره کارشناسی حداقل تخصص لازم را پیدا کند. باید، مثلاً، بتواند متن انگلیسی بدون غلط بنویسد، باید بتواند متون انگلیسی را در سطحی قابل قبول به فارسی ترجمه کند... اگر فارغ التحصیلی دارای چنین مهارتهایی باشد، مطمئن باشید بیکار نمی ماند.

سطحی قابل قبول به فارسی ترجمه کند، باید قادر به ترجمه حضوری باشد. اگر فارغ التحصیلی دارای چنین مهارتهایی باشد، مطمئن باشید بیکار نمی ماند. ما امروز در مقایسه با مثلاً بیست سال، سی سال پیش افراد بسیاری داریم که با زبان انگلیسی آشنا هستند ولی غالب این افراد در یک سطح معینی، یعنی سطح غیر حرفه‌ای یا سطح غیر مفید، انگلیسی می دانند. به عنوان مثال، یکی از کارهایی که فارغ التحصیلان ترجمه می توانند انجام بدهند، ترجمه مقالاتی است که اساتید دانشگاه برای مجلات ISI می فرستند. در حال حاضر چند فارغ التحصیل رشته ترجمه قادرند مقالات فارسی به انگلیسی در سطح قابل قبول مجلات ISI ترجمه کنند؟ درست است که برنامه ایرادهایی دارد، اما دانشجوی رشته ترجمه هم باید احساس مسئولیت کند و خودش هم تلاش کند تا کیفیت کارش را بالا ببرد.

- بله. یکی از اهداف مجله ما بررسی دوره های ترجمه در ایران است. آیا ممکن است به طور مشخص نظراتان را در مورد

اشکالات اصلی برنامه فعلی توضیح دهید؟

بدیهی است هر برنامه آموزشی نیاز به بررسی و تجدیدنظر مداوم دارد، خصوصاً برنامه هایی که دانشجویان را برای مهارتهایی تربیت می کنند که مدام در حال تغییرند. البته در سالهای اخیر به دانشگاهها اختیاراتی داده اند که تغییراتی در برنامه بدهند، ولی اولاً این تغییرات جزئی است. ثانیاً در برخی رشته ها مثل رشته تربیت مترجم لازم است برخی تصمیمات در سطح کلان اتخاذ شود. یکی از مشکلات برنامه موجود، ورودیهای ضعیف این رشته است. شاید کلمه ضعیف کلمه درستی نباشد. بهتر است بگویم نامناسب. در جشن هفدهمین سال انتشار مجله مترجم، خانم گلی امامی از خانم دکتر فرحزاد سؤالی در مورد آموزش ترجمه و تربیت مترجم در دانشگاه پرسید. این سؤال را که یک مترجم حرفه ای از یک مدرس ترجمه می پرسید سؤالی بود از سر کنجکاوی و ناباوری. مترجم حرفه ای می داند که کار ترجمه حتی در ساده ترین سطح آن چه مایه استعداد و دانش و علاقه می خواهد. آن کدام برنامه آموزشی ای است که قادر است از دیپلمه های معمولی مترجم بسازد؟ بنابراین، شاید بزرگترین مشکل برنامه موجود این است که بر اساس تصور نادرستی از ماهیت کار عملی ترجمه تدوین شده است. گویا تصور این بوده که هر کس با مقداری آموزش می تواند مترجم بشود. به نظر من، ما باید اولاً نیازهای بازار کار را مشخص کنیم و برای فارغ التحصیلان رشته ترجمه یک سطح دانش و مهارت تعریف کنیم و سپس برنامه ای تدوین کنیم که دانشجویان را به آن سطح برساند.

- باتوجه به اینکه شما خودتان مترجم رسمی هم هستید، آیا درس ترجمه مکاتبات و اسناد را تدریس کرده اید؟ قرار دادن این

درس را در دوره چهار ساله مترجمی چگونه می بینید؟

این درس را من دوسه بار تدریس کرده ام. به نظرم می رسد دانشجویان، این درس را چندان دوست ندارند. بنابراین، من هم دیگر دوست ندارم آن را تدریس کنم. مشکل اصلی ما در این درس این بود که دانشجویان در ترجمه اسناد ساده مثل مدارک تحصیلی و سند ازدواج و امثال آن مشکل نداشتند، اما وقتی سراغ متنها و اسناد جدی مثل قراردادهای و متون حقوقی می رفتیم، همگی جا می زدند. نه علاقه داشتند نه انگیزه و نه معنی متون حقوقی را کاملاً درک می کردند. به نظر من این درس باید در برنامه باشد. باید دید مشکلات چیست و آنها را حل کرد.

- در مورد دروسهای ترجمه شفاهی و ترجمه مطبوعاتی چه نظری دارید؟

به نظر من چون در بازار کار فعالیتهای مرتبط با ترجمه بسیار متنوع است و چون فارغ التحصیلان ترجمه باید از حداقل مهارتهای لازم برای ورود به بازار حرفه ای کار برخوردار باشد، لازم است که دانشجویان در سال آخر از بین چند گرایش یکی را حسب علاقه انتخاب کنند و بین بیست تا سی واحد در آن گرایش بگذرانند. ترجمه متون مطبوعاتی، ترجمه شفاهی، ترجمه فیلم و امثال اینها را باید به شکل گرایش آموزش داد نه در حد یک یا دو درس. چطور می توان با گذراندن یک یا دو درس ترجمه فیلم، به تمام رموز کار وقوف یافت؟ البته هر برنامه آموزشی ای طبعاً محدودیتهایی دارد، ولی می توان در حضور جمعی از متخصصان آموزشی ترجمه، راهکارهای مناسبی برای تبدیل این فکر به عمل پیدا کرد. من معتقد نیستم ترجمه را نمی توان آموزش داد. ترجمه را می توان و باید آموزش داد. اما باید متوجه بود که ترجمه با سایر رشته ها چه تفاوتی دارد و باید در پی آن باشیم که برای آموزش مفید و مؤثر ترجمه چه راهکارهایی لازم است انتخاب کنیم.

# مقالات

## تنگناهای تحقیق در ترجمه فیلم

نوشته: خورخه دیاز سینتاز (Jorge Diaz Cintas)

مترجم: فاطمه جبارزاده<sup>۱</sup>

دانش آموخته کارشناسی ارشد مترجمی انگلیسی، دانشگاه تربیت معلم

**سخن مترجم:** مقاله حاضر ترجمه گزیده‌ای است از مقاله ۱۸ صفحه‌ای به قلم دکتر دیاز سینتاز. برای مطالعه اصل مقاله می‌توانید به آدرس [http://www.jostrans.org/issue01/issue01\\_toc.php](http://www.jostrans.org/issue01/issue01_toc.php) مراجعه نمایید. در ترجمه این مقاله واژه «ترجمه فیلم» به عنوان برابر نهاد واژه audiovisual translation انتخاب شده که در برگزیده ترجمه انواع تولیدات دیداری شنیداری از جمله فیلم سینمایی، داستانی، خبر، تفسیرخبر، برنامه‌های ورزشی و تیزرهای تبلیغاتی است.

تا چند سال اخیر، ترجمه فیلم در پژوهش‌های علمی و نظری حوزه ترجمه جایگاهی نداشت. در رویکردهای جدید نسبت به پدیده ترجمه فیلم و تولیدات دیداری-شنیداری، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، توجه به تأثیر عمده سینما و فیلم بر فرهنگ ملتها و ایجاد ارتباط بین ملل مختلف است. در عصر حاضر، ترجمه فیلم مهم‌ترین گونه ترجمه به شمار می‌آید و دلیل این اهمیت، ویژگیهای خاص تولیدات دیداری-شنیداری است از جمله:

- تعداد افرادی که این تولیدات پوشش می‌دهند.<sup>۲</sup>
- مقادیر فراوانی از تولیدات دیداری-شنیداری که همه روزه وارد بازار کشورها می‌شود.
- در دسترس بودن و قابلیت نقل و انتقال آسان از طریق شبکه‌های تلویزیونی، سینما، ماهواره، لوح فشرده و دی.وی.دی.

در موقعیت کنونی جهان و در عصر ارتباطات، بشر امروز بیش از پیش نیازمند آشنایی با ملل و فرهنگهای دیگر بوده و ترجمه فیلم می‌تواند نقش به‌سزایی در ایجاد این ارتباط داشته باشد.

### موانع تحقیق در ترجمه فیلم

نو بودن پدیده فیلم همواره بسیاری از نظریه پردازان را از توجه به این حوزه بازداشته است؛ چنانچه آنان ترجمه فیلم را خارج از حیطه نظریه‌های ترجمه می‌دانند. نظریه پردازانی چون ویت من لینسن<sup>۳</sup> تلاش بسیاری نموده‌اند تا دیدگاههای نادرست و پیش‌داوریه‌های بی‌اساس در مورد ترجمه رسانه را تا حدی تغییر دهند. از نظر او «مترجمان ادبی که فیلم و مشکلات آن را با دیده اغماض می‌نگرند می‌بایست در دیدگاه‌های خود تجدید نظر کنند.»

<sup>۱</sup> fj1354@gmail.com

تقریباً بیشتر افراد امروزه به تلویزیون و رادیو به عنوان ابتدایی‌ترین وسایل ارتباط جمعی دسترسی دارند. - م.

<sup>۳</sup> Whitman Linsen

بسیاری از نظریه‌های ترجمه که در طول زمان و بر اساس ترجمه متنی شکل گرفته‌اند، در حیطه ترجمه فیلم عملاً کارایی ندارند؛ همین مسئله باعث شده تا پژوهشگران به تحقیق در حوزه‌هایی تکیه کنند که پشتوانه نظری نیز داشته باشند.

بسیاری از نظریه‌های ترجمه که در طول زمان و بر اساس ترجمه متنی شکل گرفته‌اند، در حیطه ترجمه فیلم عملاً کارایی ندارند؛ همین مسئله باعث شده تا پژوهشگران به تحقیق در حوزه‌هایی تکیه کنند که پشتوانه نظری نیز داشته باشند. آنان تمایل چندانی به بازننگری و کاربردی نمودن نظریه‌های موجود یا پرداختن به دیدگاه‌های جدید و ویژه ترجمه فیلم ندارند. کم توجهی پژوهشگران و نظریه پردازان، دلیل اصلی به حاشیه رفتن ترجمه فیلم در مقایسه با ترجمه‌های ادبی و ترجمه متون کهنی چون انجیل بوده است. علی‌رغم این که در طول زمان ترجمه نقش به‌سزایی در تبادلات فرهنگی داشته است، نظریه‌های مربوط به این حوزه قدمت چندانی ندارند. حتی در اوج شکوفایی علمی و فرهنگی در غرب، مبحث ترجمه جایگاهی در مباحث جدی محافل علمی نداشته است. بنابراین هیچ جای شگفتی نیست که مطالعات مربوط به مبحث ترجمه فیلم کاملاً مورد بی‌توجهی واقع شده باشد.

از دیگر موانع تحقیق در ترجمه فیلم، ماهیت چندگانگی<sup>۱</sup> تولیدات دیداری-شنیداری است. ترجمه فیلم صرفاً رویارویی دو متن مبدا و مقصد نیست بلکه در آن مترجم با متن گفتگوها (دیالوگ‌ها)، ادوات سمعی و بصری چون تلویزیون، لوح فشرده و دی.وی.دی سر و کار دارد؛ هم‌چنین یافتن فیلم مناسب برای تحقیق نیز از دیگر سختی‌های فعالیت در این حوزه است. معمولاً نسخه متن گفتگوها که به دست مترجم می‌رسد، قبل از تدوین نهایی فیلم تنظیم شده و در بسیاری از موارد با اصل دیالوگ‌های فیلم ناهماهنگ است. از اولین وظایف پژوهشگر و مترجم فیلم مقابله متن فیلم با دیالوگ‌هاست تا از هماهنگی آنها مطمئن شود. در صورت وجود هرگونه تفاوت، تمام گفتگوها می‌بایست از متن فیلم استخراج و نوشته شوند که مسلماً امری وقت‌گیر و خسته‌کننده است. ایده‌آل‌ترین حالت این است که تحقیق یا ترجمه فیلم با متن گفتگوها که پس از تدوین نهایی ارائه شده و عیناً تکرار جمله‌های نسخه نهایی است، آغاز شود. البته بسیاری از تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان فیلم تمایلی به ارائه این متون ندارند. در بسیاری از موارد این متون قابل خرید و فروش نیستند. در صورتی که پژوهشگری بخواهد در مورد فیلم‌های زیرنویس شده تحقیق کند، مسلماً علاوه بر متن گفتگوها به متن زیرنویس هم نیاز دارد. نسخه نوشتاری زیرنویس معمولاً غیر قابل فروش است، مگر اینکه فرد با مؤسسه زیرنویس کننده فیلم وارد مذاکره شده و نسخه نوشتاری آن را تهیه کند. مترجمان فیلم معمولاً از ارائه زیرنویس گفتگوها سر باز می‌زنند زیرا مسئولیت اصلی آنها برگردان گفتگوهاست و افزودن جملات بر نماها بر عهده فرد دیگری است که دارای مهارت‌های فنی و تولیدی فیلم است. در برخی موارد مترجم، حقوق معنوی ترجمه را به شرکت یا مؤسسه زیرنویس کننده واگذار کرده و عملاً دسترسی و کنترلی بر متون ترجمه شده ندارد. در مواقعی پژوهشگر صرفاً با هدف نقد و البته بیشتر عیب جویی از متن ترجمه شده به مقابله اصل و ترجمه پرداخته و معادلهایی که از دیدگاه خود او مناسب است پیشنهاد می‌کند، بدون شک این امر خود رنجشهایی در روابط مترجم و پژوهشگر ترجمه ایجاد می‌کند، این هم یکی دیگر از دلایل عدم تمایل مترجم فیلم برای ارائه متن نوشتاری زیرنویس است. زیرنویس کردن فیلم فعالیتی گروهی است و مسئولیت آن مسلماً برعهده تمام افراد گروه است، اما

<sup>1</sup> Polymorphic

معمولاً مترجم فیلم بعنوان مقصّر اصلی کاستی‌های ترجمه زیر سؤال

سالهای اوج ترجمه فیلم دهه ۹۰ است که انقلابی در این حوزه روی می‌دهد، مهمترین رویداد در این دهه تغییر زبان دوبله فیلمها از فرانسه به انگلیسی است.

می‌رود در حالی که افراد مختلفی در مراحل زیرنویس کردن فیلم اعمال سلیقه می‌کنند. یکی از مواردی که برای تحقیق پیشنهاد می‌شود مقابله نسخه نوشتاری زیرنویس و فیلم زیرنویس شده برای یافتن تفاوتها و شباهتهاست، این نوع تحقیق‌ها می‌تواند روابط پشت پرده مراحل زیرنویس و نقش هر کدام از عوامل را آشکار سازد.

در مواردی که هدف از پژوهش، مقابله و مقایسه فیلم دوبله شده و فیلم زیرنویس باشد، روش تحقیق تا اندازه‌ای پیچیده می‌شود بدین ترتیب که فیلمها را باید در آن واحد تماشا کرد و یا اینکه نسخه زیرنویس را از تلویزیون مشاهده کرده و نسخه دوبله را از ضبط شنید تا بتوان همزمان دو نسخه را مقابله نمود. تمام این سختی‌ها و محدودیت‌ها باعث شده تا بسیاری از پژوهشگران از وارد شدن به حیطه تحقیق در ترجمه خودداری کنند. مانع اصلی بر سر راه تحقیق در ترجمه فیلم ماهیت دوگانگی رسانه‌های<sup>۱</sup> تصویری است که مفهوم و محتوا به صورت دیداری-شنیداری منتقل می‌شود. برای انتقال درست پیام، مترجم نه تنها باید از آنچه در فیلم گفته می‌شود اطلاعات کافی داشته باشد، بلکه باید به آنچه در فیلم روایت می‌شود و اتفاقاتی که می‌افتد اشراف داشته باشد. از دیر باز نظریه پردازان ترجمه بر تسلط مترجم بر بافت برون زبانی<sup>۲</sup> و درون زبانی<sup>۳</sup> متن در ارزیابی ترجمه تاکید داشته‌اند.

تاکنون با وجود تمام مشکلات و تنگناها؛ پژوهشهایی در زمینه ترجمه تولیدات دیداری-شنیداری انجام شده و خواهد شد. اهمیت روزافزون رسانه‌های دیداری بسیاری از محققان و دانشجویان را به سمت و سوی تحقیق و پژوهش در حیطه ترجمه رسانه‌ای هدایت خواهد کرد.

### کمیود منابع

هر پژوهشگری در جستجو برای یافتن منابع تحقیق در ترجمه تولیدات دیداری-شنیداری درمی‌یابد که کتابها و مقالات چندانی در دسترس نیست. بسیاری از مقالات یا مختصر و کوتاه هستند یا به مباحث تکراری چون تفاوت دوبله و زیرنویس پرداخته‌اند؛ تعدادی مطلب پراکنده هم در مجلات مختص ترجمه و سینما یا روزنامه‌ها و مجلات هفتگی می‌توان یافت که بیشتر برای اطلاعات عمومی مفید هستند و نمی‌توان آنها را به عنوان منابع پژوهش تخصصی به حساب آورد، فقط در تعداد کمی از کتابخانه‌ها در دنیا بخشی مختص متون مربوط به تولیدات دیداری-شنیداری وجود دارد؛ بعنوان مثال مؤسسه بین‌المللی رسانه<sup>۴</sup> در دوسلدورف از سال ۱۹۹۰ بخشی از کتابخانه خود را به منابع دیداری-شنیداری اختصاص داده است که البته اکنون جمع‌آوری آثار منتشره در این حوزه را متوقف کرده است؛ به جز این مرکز هیچ مؤسسه دیگری در دنیا وجود ندارد که به جمع‌آوری منابع مبادرت کرده باشد. پراکندگی مطالب و عدم تمرکز منابع سبب سردرگمی پژوهشگران شده و همچنین پژوهشگران را در دستیابی به اطلاعات در زمینه پژوهشهای پیشین در این حوزه دچار مشکل کرده است.

<sup>1</sup> Duality of media

<sup>2</sup> Context

<sup>3</sup> Co-text

<sup>4</sup> European Institute for Media (EIM)

دائرةالمعارفهای فیلم و کتابهای مربوط به سینما عموماً یا ترجمه فیلم را کاملاً نامرتب با سینما می‌دانند یا آن را پدیده‌ای فرعی به حساب می‌آورند. در سمینارهای مربوط به فیلم و سینما هم به‌ندرت به مسائل ترجمه فیلم پرداخته می‌شود در حالی که ترجمه فیلم به زبانهای مختلف مسلماً تضمینی برای فروش آن به کشورهای دیگر خواهد بود. بدون شک ایجاد ارتباط بین سینما و ترجمه فیلم تأثیر متقابلی بر رشد و شکوفایی این دو پدیده خواهد داشت. چام<sup>۱</sup> و رمائل<sup>۲</sup> از پژوهشگرانی هستند که در این زمینه فعالیتهایی انجام داده‌اند. چام در نوشته‌هایش به مواردی چون ابعاد آموزشی ترجمه فیلم، ترجمه فیلم به عنوان یک شغل، ارزش نشانه‌ای تصویر و کارکرد زبان رسانه‌ای پرداخته است. متاسفانه در مجامع علمی متخصصان سینما و ترجمه از هم فاصله می‌گیرند، تلاش چام بیشتر در جهت نزدیک‌تر نمودن این دو گروه به یکدیگر بوده است و این تلاش او در آثارش بین سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۰ کاملاً مشهود است.

### تاریخچه تحقیقات انجام شده

نخستین مقالات علمی و تخصصی مربوط به ترجمه فیلم و تولیدات دیداری- شنیداری در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در مجله *Babel* به چاپ رسید. دهه‌های ۷۰ و ۱۹۶۰ اوج شکوفایی تحقیق در «زیرنویسی» و به تبع آن دوبله بود. در سال ۱۹۷۴ دالراب<sup>۳</sup> در اولین مقاله تخصصی خود در حوزه زیرنویسی به اشتباهات فاحشی که در زیرنویسی برنامه‌های تلویزیونی از انگلیسی به دانمارکی صورت گرفته بود پرداخت؛ او همچنین در قسمتی از مقاله خود به نقش آموزشی زیرنویسی در یادگیری زبان خارجی اشاره کرده است. افراد دیگری چون دانون<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) و کائیمی<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) به نقش زیرنویسی در آموزش زبان پرداخته‌اند.

از غنی‌ترین مقالاتی که در زمینه ترجمه فیلم و تولیدات دیداری- شنیداری نوشته شده است اثر مارلیو<sup>۶</sup> (۱۹۸۲) است؛ او در مقاله‌اش ابتدا به سیر تاریخی استفاده از میان‌نویس‌ها در فیلم پرداخته و مشکلات ترجمه فیلم و زیرنویسی را به چهار گروه تقسیم می‌کند: مشکلات تکنیکی، روانشناختی، هنری، زیبایی‌شناختی و زبانشناختی. از منظر مطالعات توصیفی ترجمه<sup>۷</sup> دلاباستیتا<sup>۸</sup> (۱۹۸۹) در مقاله‌ای به نام «ترجمه و وسایل ارتباط جمعی»<sup>۹</sup> بر توجه بیشتر به علائم و نشانه‌هایی که جزء ساختار فیلم است تأکید می‌کند. او همچنان سؤالاتی را طراحی کرده که هر محقق و مترجمی می‌بایست در زمان پژوهش و یا ترجمه فیلم آنها را مد نظر داشته باشد.

سالهای اوج ترجمه فیلم دهه ۹۰ است که انقلابی در این حوزه روی می‌دهد، مهمترین رویداد در این دهه تغییر زبان دوبله فیلمها از فرانسه به انگلیسی است. در پایان این دهه دو کتاب مهم همزمان منتشر شد یکی از آنها به همت لویکن<sup>۱۰</sup> و با همکاری چهار نفر از متخصصان این حوزه از کشورهای مختلف اروپا با نام «غلبه بر زبان در تلویزیون» به چاپ رسید. یک سال بعد در سال ۱۹۹۲ اولین کتاب مختص زیرنویسی به نام «زیرنویسی رسانه‌های دیداری» توسط

<sup>1</sup> Chaum

<sup>2</sup> Remael

<sup>3</sup> Dollerup

<sup>4</sup> Danon

<sup>5</sup> Caimi

<sup>6</sup> Marleau

<sup>7</sup> Descriptive translation studies (DTS)

<sup>8</sup> Delabastita

<sup>۹</sup> چاپ شده در شماره ۳۵ تبیل - م.

<sup>10</sup> Loyken

ایوارسون<sup>۱</sup> از زبان سوئدی به انگلیسی برگردانده شد. او در این کتاب به مسائل فنی زیرنویسی و همچنین زیرنویسی برای ناشنویان و کم‌شنوایان پرداخته است. گاتلیب<sup>۲</sup> بعنوان یکی از فعالان این رشته تحقیق و پژوهش خود را در این حوزه از دهه ۹۰ آغاز کرده است. فعالیت او بیشتر در زمینه کاربرد نظریه‌های زبانشناسی در ترجمه فیلم، ترجمه اصطلاحات، تربیت مترجم فیلم، آموزش ترجمه فیلم و زیرنویسی بوده است. کرامیتروغلو<sup>۳</sup> از جوان‌ترین چهره‌های این حوزه است که در سال ۲۰۰۰ رساله دکتری خود را با عنوان «هنجار و ترجمه فیلم» ارائه کرده است. گمبیر<sup>۴</sup> نیز به‌عنوان یکی از چهره‌های فعال در زمینه ترجمه به دفعات ریاست انجمنهای ترجمه فیلم را به عهده داشته است. در حال حاضر در سطح بین‌المللی، ترجمه فیلم مخصوصاً زیرنویسی از وضعیت خوبی برخوردار است. سمینارهای بسیاری با تاکید بر زیرنویسی برگزار شده و می‌شوند، بسیاری از پژوهشگران این حوزه در کشورهای اروپای شمالی، که گرایش بیشتری به زیرنویسی دارند، فعالیت می‌کنند.

### سخن پایانی

پيامد فعاليتهاي پژوهشگران و فعالان اين حوزه برگزارى سمینارها و گردهمایی‌هایی با هدف گسترش ترجمه فیلم و تولیدات دیداری- شنیداری بوده است.

- یکی از این سمینارها در سال ۱۹۹۹ و با هدف پژوهش، آموزش و ابعاد تخصصی ترجمه فیلم برگزار شد آدرس این سمینار [www.vives.org/setam](http://www.vives.org/setam).
- در سال ۲۰۰۰ یک گروه اینترنتی توسط کاسترو رویگ<sup>۵</sup> تشکیل شد که افراد با عضویت در آن می‌توانند برای یافتن شغل مناسب و دسترسی به منابع مرتبط با علاقه و تخصصشان با یکدیگر به تبادل اطلاعات پردازند. آدرس این گروه [www.xcastro.com/trag](http://www.xcastro.com/trag).
- در سال ۱۹۸۷ به کوشش اتحادیه خبر پراکتی اروپا<sup>۶</sup> همایشی با موضوع دوبله و زیرنویسی در استکهلم برگزار شد. یکی از موضوعات مطرح شده در این گردهمایی تسهیل خرید و فروش محصولات زیرنویس شده، بود. این گردهمایی مقدمه‌ای شد برای سمینارها و کنگره‌های دیگر در سالهای بعد. در همان سال فدراسیون مترجمان فیلم، همزمان با کنگره جهانی ماستریخت، با هدف گردهم‌آوری مترجمان فیلم و مترجمان همزمان فعالیت خود را آغاز نمود. آدرس این فدراسیون [www.fit-fit.org/media](http://www.fit-fit.org/media) است.
- انجمن اروپایی مطالعات ترجمه فیلم<sup>۷</sup> در سال ۱۹۵۵ با هدف گسترش پژوهش در ترجمه فیلم تأسیس گردید. اگرچه نام آن بر «اروپایی بودن» اعضا دلالت دارد، اما اعضای آن مترجمانی از آمریکا، آسیا و استرالیا هستند. یکی از اقدامات جالب این انجمن اجرای پروژه بین‌المللی زیرنویسی بوده است، بدین ترتیب که سه‌نما از فیلمهایی با ژانرهای مختلف بین موسسات و شرکتهای زیرنویس کننده در سراسر دنیا توزیع شد و سپس تمامی نمونه‌ها مورد بررسی قرار گرفت؛ هدف از انجام این پروژه یافتن تفاوتها و شباهتها در زیرنویس کردن فیلمها بوده است. ۵۰ شرکت و مؤسسه از بیش از ۲۰ کشور به ۱۸ زبان مختلف در این طرح شرکت داشتند. آدرس این انجمن <http://www.esist.org> است.

<sup>1</sup> Ivarsson

<sup>2</sup> Gotlieb

<sup>3</sup> Karamitroglou

<sup>4</sup> Gambier

<sup>5</sup> Castro Roig

<sup>6</sup> European Broadcasting Union

<sup>7</sup> European Association for studies in Screen Translation(ESIST)

## استاد شیشه‌جان

میگل دسروانتس. *استاد شیشه‌ای*. ترجمه عبدالله کوثری. انتشارات تجربه، تهران: ۱۳۷۸.

حسن هاشمی میناباد و مرجانه حاجی حسینی

سؤالی که معمولاً از استادان ترجمه می‌پرسند این است که «بهترین یا بزرگ‌ترین مترجم ایران کیست؟» که سؤال درستی هم نیست باید پرسید: «چه کسانی بهترین یا بزرگ‌ترین مترجمان زمان هستند؟» از جمله نامهایی که می‌آورند نام عبدالله کوثری است. ما هم به اعتبار این سخنان این نکته را باور کردیم؛ اما تنها زمانی به عظمت کار او به درستی پی بردیم که *استاد شیشه‌ای* نوشته میگل دسروانتس نویسنده اسپانیایی خالق اثر جاودانه *دون کیشوت* را به ترجمه عبدالله کوثری خواندیم.

گزیده‌ای از آثار مهم سروانتس به ترجمه انگلیسی ساموئل پوتنام پیدا کردیم و این ترجمه را با آن مقایسه کردیم. با نگاهی به شناسنامه کتاب *استاد شیشه‌ای* دریافتیم که مترجمان انگلیسی متفاوت‌اند. با وجود این، با مقابله ترجمه انگلیسی پوتنام با ترجمه فارسی عبدالله کوثری به قدرت شگرف مترجم فارسی در زبان کلاسیک و ادبی و به ترجمه‌شناسی‌اش پی بردیم. مطالبی که در پی می‌آید یا چند پیشنهاد ساده است یا توضیحاتی که برای هر چه بهتر شدن ترجمه، بر اساس تعلیقات پوتنام و با استناد به منابع دیگر مطرح شده است.

مترجم متن مبنای آقای کوثری عنوان داستان را *The Glass Graduate* ترجمه کرده و ساموئل پوتنام به *Man of Glass*. عنوان اصلی آن *El Licenciado Vidreiera* است. با توجه به این شعر مولوی «تاجر ترسنده طبع شیشه‌جان / در سفر نی سود بیند نی زبان» معادل «شیشه‌جان» را پیشنهاد می‌دهیم. به گفته دهخدا «شیشه‌جان کسی است که بسیار احتیاط سلامت و جان خویش کند». به استناد به انتخاب آقای کوثری، شاید عنوان «استاد شیشه‌جان» هم بهتر باشد.

در اهمیت شرح و توضیح متون کهن تردیدی نیست؛ حال اگر این متن کهن خارجی هم باشد، نیاز به حاشیه و توضیح بیشتر هم می‌شود. ساموئل پوتنام برای این داستان تمثیلی کوتاه ۵۵ توضیح آورده و بسیاری از مشکلات آن را حل کرده است. این تعداد شرح برای خواننده انگلیسی‌زبان است که مشترکات فرهنگی و زبانی زیادی با اسپانیایی‌ها و ایتالیایی‌ها دارد. مترجم فارسی تنها به ۱۶ مورد اکتفا کرده که به نظر نگارندگان با توجه به مطالبی که در پی می‌آید کافی نیست. شاید این توضیحات در نسخه مبنای آقای کوثری بوده، اما با دانش و بینشی که در ایشان سراغ داریم انتظار تعلیقات بیشتری داریم. ظاهراً ایشان علاقه چندانی به دادن پانویس یا پی‌نوشت ندارند و سلیقه‌شان این است. با موارد مهمی که از متن نقل کرده و با استناد به شروح پوتنام و دیگر منابع رفع ابهام کرده‌ایم، بخوبی نیاز به تعلیقات بیشتر اثبات می‌شود.

نام قهرمان داستان «توماس روداخوا» است. وقتی که او شفای عقل خود را باز می‌یابد «از آن پس به جای روداخوا خود را استاد روئدا» می‌نامد (ص ۳۹). این تغییر نام برای خواننده فارسی‌زبان هیچ معنایی ندارد تا اینکه به او گفته شود روداخوا یعنی «چرخ کوچک» و «روئدا» یعنی چرخ و زمانی که قهرمان ما فرد بزرگی می‌شود نشانه تصغیر را از اسم خود می‌زداید. توضیحاتی که از این به بعد آمده به ترتیب مطالب کتاب و صفحات آن است.

(ص ۱۱) گاریلاسو [دولا وگا] (۱۵۰۳-۱۵۳۶) شاعر معروف اسپانیایی است که آثارش الگو و سرمشق سروانتس بوده.

(ص ۱۲) «در آنجا انواع شرابه‌های ایتالیایی از ارزان تا گران و از کم‌مایه تا مردافکن چشیدند.» در متن ما (p. 767) نام

انواع شراب آمده که به نظر می‌رسد مترجم فارسی در اینجا به صنعت حسن تعبیر پناه برده است.



(ص ۱۳). «... تپه‌ها [ی] محدوده شهر ... کالیوس، کویرنالیس و واتیکان و چهار تپه دیگر که نامهایشان شاهدهی است بر عظمت و شکوه رم.» مترجم فارسی در پانوش همان صفحه نامهای دیگر تپه‌ها را آورده است. بر خواننده فارسی معلوم نیست که چرا صرف این نامها «شاهدهی است بر عظمت و شکوه رم». متن ما هم در این مورد کمکی نمی‌کند. احتمالاً یا این اسمها معانی باشکوهی دارند یا عظمتشان در تاریخ رم برای ما نهفته است.

(ص ۱۶). «از آن داروهایی که مردم معجون عشق می‌خواندند و در نوعی به تولدویی تعبیه شده بود به توماس داد با این امید که این دارو مهر او را در دل توماس می‌نشانند.» باز مطالب اصلی برای خواننده ایرانی مفهوم نیست. میوه به نزد یونانیان و رومیان میوه مقدس ونوس، الهه عشق، بود که دلدادگان به همدیگر هدیه می‌دادند. به همان نقشی را در فرهنگ اروپایی دارد که سیب در میان عشاق ایرانی.

(ص ۱۹) «مگر من کوه تستا چیوی رم هستم که این همه گلدان و آجر برایم پرت می‌کنید.» این کوه نزدیک دروازه پولس قدیس، محل انباشت ظروف و اشیای شکسته بوده است.

(ص ۲۰) «پسرم به یاد داشته باش که تنبیه پدر مایه سرفرازی فرزند است.» ترجمه انگلیسی متن ما چنین است:

“Remember, my child, that the lashes that fathers give their sons are honor.” (767)

مثلی نظیر این مفهوم در فارسی فراوان است که با اندک دستکاری در آنها می‌توان معادل مناسب‌تری برای گفته سروانتس پیدا کرد؛ از قبیل چوب شوهر گل است هر زنی نخورد خُل است؛ چوب معلم از بهشت آمده؛ سیلی معلم نبود از آزار. معادل پیشنهادی ما این است: «چوب پدر گل است».

(ص ۲۰) «روزی [توماس شیشه‌جان] بر در کلیسایی ایستاده بود که دید مردی از آن روستاییان که پیوسته لاف از ایمان خود می‌زند به کلیسا می‌رود و پشت سرش مردی دیگر را دید که از شهرت اولی بی‌نصیب بود. استاد خطاب به روستایی فریاد زد: آهای دومینگو، صبر کن تا سبت قدیمی بگذرد.» مترجم فارسی توضیح داده: «sabt در لغت به معنی (استراحت)؛ روز تعطیل یهودیان (شنبه) و مسیحیان (یک‌شنبه)؛ اینجا بی‌شک منظور مورد مسیحی است؛ گاه نیز به معنی نیمه‌شب است که شیطان با ساحرگان ملاقات دارد.» ترجمه ساموئل پوتنام چنین است: “Wait, Domingo, Until Sabado has passed.” و توضیحش اینک: «دومینگو یعنی یک‌شنبه [روز تعطیل مسیحیان] و Sabado یعنی شنبه [روز تعطیل یهودیان]. اشاره ضمنی به این است که مرد دوم یهودی بوده است.» حالا ما کدام یک از این تأویل‌ها را برگزینیم؟

(ص ۲۰) «زیرا این هنر [شعر] همه علوم و هنرهای دیگر را دربرمی‌گیرد. شعر از همه آن علوم سود می‌جوید و آنها نیز این هنر را زیوری هستند و از این آمیزه اثری پدید می‌آید که منافع بسیار دارد و مایه شگفتی جهانیان است.» این گفته شباهت زیادی با بخشی از مقاله دوم نظامی عروضی در چهارمقاله در باب شعر دارد: «زیرا چنان که شعر در هر علمی به کار همی شود، هر علمی در شعر به کار همی شود.»<sup>۲</sup>

در این کتاب شعری از اووید شاعر باستانی آمده که به نظر ما آقای کوثری ترجمه زیبایی از آن به دست داده است. متأسفانه مترجم فارسی دو سطر شعر دیگر از اووید را چندان خوب ترجمه نکرده و در برگردان آنها هنرنمایی نکرده است.

“There is a god in us; he stirs and we grow warm” (p. 852)

(ص ۲۳) «خدایی در درون ماست. آن‌گاه که ما را برمی‌انگیزد، آتشی در جان ما سر می‌کشد.»

“And yet we speak of poets as divine, the beloved of the goods.” (p.852)

(ص ۲۳) «ما شاعران پیامبران خوانده می‌شویم و محبوب خدایانیم.»

۱ ابراهیم شکورزاده، ۱۳۷۲. ده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آنها. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۲ نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۶۹. چهارمقاله. به اهتمام محمد معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.

مترجم فارسی با توانایی‌هایی که دارد می‌توانست در اینجا به آرایش سخن پردازد و قطعه زیبایی خلق کند. حال این دو قطعه را با این بخش بسنجید و ببینید که کوثری، در اینجا چه شعر زیبایی سروده است:

“Poets were once upon a time the concerns of the kings and leades and choruses of old won for them large prizes; holy was the respect shown to bards and venerable their name and great wealth frequently was heaped upon them.” (p. 852)

(ص ۲۲) شاعران روزی چراغ محفل شاهان بند

همسرایان در خور پاداش بی‌پایان بند

شاعران را قدر و حرمت هر کجا بسیار بود

بخت‌شان خوش، خانه‌شان پر، کیسه‌شان سرشار بود

(ص ۲۴) «آن بانوان ... موهاشان از زر است ... لبان‌شان مرجان ...» در فارسی تعبیر «لب لعل» رایج است نه لب مرجان.

(ص ۲۴) «نقاش خوب از طبیعت تقلید می‌کند اما نقاش بد طبیعت را قی می‌کند.» در اینجا سروانتس با imitar (تقلید کردن) و vomitar (قی کردن) بازی زبانی کرده و جناسی پدید آورده است که در ترجمه قابل انتقال نیست. مترجم فارسی این نقصان را در جایی دیگر (ص ۲۱) دانسته یا ندانسته جبران کرده است آنجا که می‌نویسد: «نص من با مغز من همخوانی ندارد.» این روش را در ترجمه پژوهی اصل جبران (Compensation) می‌گویند که در آن مترجم برای جبران نقصان یا کمبودهایی که در کلیت اثر رخ داده، در جایی دیگر بدون اینکه نویسنده به صنعتی بدیعی پرداخته باشد، سخن آرایبی می‌کند و ضعفها را در کلیت اثر برطرف می‌سازد.

(ص ۲۶) پانویس «آپوکریف» apocrypha «ملحقات کتاب مقدس است و آثار ناموثق و مشکوک.» معادل نزدیک‌تر آن در اینجا اسفار مجعوله است. این اسفار عهد عتیق را یهودیان نپذیرفته و پروتستان‌ها آنان را در کتاب مقدس خود نگنجانده‌اند؛ اما کلیسای کاتولیک رم آنها را پذیرفته است. این اسفار در حدود سال ۳۰۰ پیش از میلاد و ۱۰۰ پس از میلاد نوشته شده و از این نظر مهم‌اند که بازتاب اعتقادات دوره‌ای هستند که مسیحیت هنوز کاملاً از یهودیت جدا نشده بود. اینکه آقای کوثری عمدی در استفاده از این واژه فرهنگی داشته یا از آن اتفاقاً استفاده کرده‌اند، بر ما معلوم نیست.

(ص ۳۱) «گروهی از مردم جنوا جمع بودند ... یکی از آنها صدایش زد و گفت: جناب شیشه‌ای بیا اینجا برامان قصه‌ای تعریف کن.

و او پاسخ داد: «نه نمی‌آیم. می‌ترسم شما در عوض قصه حواله‌ای برای جنوا به من بدهید.»

مطلب روشن نیست. با مراجعه به توضیحات ساموئل پوتنام در می‌یابیم که: (۱) cuento هم به معنی قصه است و هم به معنی «یک میلیون» که این بازی زبانی نه به فارسی ترجمه‌پذیر است و نه به انگلیسی و (۲) مردم جنوا به گول زدن و سرکیسه کردن اسپانیایی‌ها معروف بوده‌اند. در متن ما بخش دوم چنین ترجمه شده است:

“No” was the answer, “I don’t care to do so [to tell a story]; I’m afraid you will take my million back to Genoa with you.” (p. 787)

جوابش این بود: نه برایتان قصه نمی‌گویم؛ چون می‌ترسم ثروتم را بالا بکشید و با خود به جنوا بیاورید.

(ص ۳۶) «آن مرد گفت: ... کدام جایی بهتر است، والیاذولید یا مادرید؟

و او پاسخ داد: مادرید بالاترین و پایین‌ترین‌اش و والیاذولید بخش‌های میانی‌اش؟

پرسنده گفت: من که چیزی نفهمیدم.

و او پاسخ داد: در مادرید سروته در والیاذولید وسط.»

موضوع برای ما هم همچنان مبهم است. ساموئل پوتنام می‌گوید والیادولید به خاطر گل‌خیابان‌ها و هوای مه‌آلودش معروف بوده. نمی‌دانیم مترجم انگلیسی مأخذ آقای کوثری بخش آخر را چگونه انتقال داده؛ پوتنام چنین نوشته است:

“In Madrid, the sky and earth; in Valladolid the Mezzanines.” (p. 792)

مادرید هوا و زمینش؛ والیادولید بینابینش.

شایان ذکر است که والیادولید (Valladolid)، شهری در شمال مرکزی اسپانیا، در منابع اسلامی به ولید یا وادی‌الولید معروف است.

(ص ۷-۳۶) «استاد شیشه‌ای شنید که مردی به دیگری می‌گفت چندان که پایشان به والیادولید رسیده همسرش بیمار شده چون آب و هوای آنجا با مزاجش سازگار نبوده. استاد در جواب آن مرد گفت: اگر زنت اهل حسادت است، همان بهتر که همانجا کارش ساخته می‌شد.»

Tierra هم به معنی منطقه و ناحیه و دیار است و هم به معنی خاک = Earth. سروانتس در اینجا به بازی زبانی دست زده است. ترجمه پوتنام را عیناً نقل می‌کنیم:

“... As the region [tierra] did not agree with her, glasscase spoke up and said “It would have been better for her if she had eaten earth [tierra] in case she is of a jealous disposition.” ” (p. 794)

یکی از معانی خاک در فرهنگ فارسی/امروز<sup>۱۳۷۳</sup> «کشور و سرزمین» است. بنابراین، می‌توان با این واژه و در خاک رفتن به مفهوم مردن بازی زبانی کرد: ... همسرش بیمار شده، چون خاک آنجا با مزاجش سازگار نبوده. استاد در جواب آن مرد گفت: اگر زنت اهل حسادت است، همان بهتر که در خاک شود.

(ص ۳۷) «روزی کشیشی فربه از جایی می‌گذشت. یکی از افراد حاضر گفت: این پدر طفلک آنقدر ضعیف است که نمی‌تواند راه برود.»

استاد شیشه‌ای به پرخاش گفت: یادتان باشد که روح‌القدس فرموده: «Nolite tangere chiston meso»

مترجم فارسی در پانویس آورده: «مسح کرده مرا لمس نکنید. (مزامیر داوود)»؛ اما هنوز موضوع روشن نیست. این نکته، به اشاره پوتنام در کتاب اول تواریخ ایام (۱۶:۲۲) است که در دنباله آن آمده است: بر انبیای من دست ستم دراز نکنید. که این اطلاع، از موضوع ابهام‌زدایی می‌کند.

باری نکاتی که در اینجا اشاره شد به قصد روشن‌تر کردن متن برای خواننده ایرانی بود. عبدالله کوثری با ترجمه‌هایش برگردن زبان فارسی و فارسی‌زبانان حق بزرگی دارد و ما مدیون ذوق زبانی و حسن سلیقه‌اش هستیم. پایمردی‌اش مستدام باد.

\* غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی و نسترن حکمی ۱۳۷۳. فرهنگ فارسی/امروز. تهران: انتشارات کلمه.

## نگاهی به تجربه‌های عملی یک مترجم شفاهی



رمضانعلی واشقانی فراهانی\*

دانشجوی ترم آخر دکتری زبان و ادبیات فرانسه، سردبیر و مجری برنامه‌های زنده تلویزیونی و اخبار در شبکه جهانی سحر، سیمای فرانسه و مترجم همزمان همایشها و نشستهای بین‌الملل

### مقدمه

بیش از ده سال حضور دائم در جلسات دیدارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی فیما بین مقامات ایرانی و هم‌تایان خارجی و همچنین حضور در همایشهای بین‌المللی که در برخی موارد از هشت ساعت در روز هم فراتر می‌رفت و در ضمن خستگی طاقت‌فرسا توأم با تجربیات آموزنده‌ای برای نگارنده این نوشتار بود؛ وی را بر آن داشت که به نگارش این تجربیات و انتقال آنها به علاقه‌مندان ترجمه شفاهی پردازد.

البته مقالات و نوشتارهای مربوط به اصول و فن ترجمه نوشتاری فراوان هستند ولی حداقل نگارنده با این مورد مواجه نشده است که مترجمان شفاهی تجربه‌های خود را به رشته تحریر درآورند. نگارنده امید دارد با این کار دیگران را هم تشویق کند تا آنها هم به نوبه خود به این کار مبادرت نمایند. امروزه «ترجمه شفاهی» یک حرفه کاملاً تخصصی و علمی محسوب می‌شود و همچون سایر «علوم دانشگاهی» دارای اصول و راهکارهای خاص خود است که تحقیق و مباحثه و رویکرد علمی با آن به مرور زمان باعث رشد و اعتلای ترجمه همزمان خواهد شد.

با وجود پیشرفتهای گسترده و کاربردهای بسیار رایانه و دستگاههای ترجمه ماشینی در کشورهای صنعتی که برگردان متون از زبانهای اروپایی به یکدیگر را تا حدودی تسهیل نموده است؛ موضوع ترجمه شفاهی همچنان در ابتدای راه خود قرار دارد و حتی در کشورهای توسعه‌یافته هم که در زمان برگزاری همایشها و نشستهای بین‌المللی از مترجمان همزمان استفاده وسیعی به عمل می‌آید؛ این کار در ردیف دشوارترین وظایف و در عین حال از جمله پردرآمدترین حرفه‌ها محسوب می‌شود. امروزه ترجمه ماشینی متون در میان زبانهای اروپایی کاربردی گسترده یافته است و برنامه‌های بسیاری هم برای آن تهیه و تدوین شده است ولی در رویکرد به زبان فارسی؛ این کار به دلایل متعدد بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

غنا و انعطاف پذیری بی حد و حصر زبان فارسی، هم در گفتار هم و نوشتار، تاکنون اجازه پیشرفت در استفاده از ترجمه ماشینی در زبان فارسی را نداده است و باعث شده است که تلاشها در این مسیر هنوز در ابتدای راه خود باشد و این کار مستلزم برنامه‌ریزی‌های رایانه‌ای بسیار گسترده و پیچیده‌ای است که در عین حال نکات فراوان و گوناگون زبان فارسی را هم پوشش دهد. انعطاف پذیری زبان فارسی که گاه با یک پسوند و یا پیشوند ساده واژه‌های متعدد با معانی عمیق و گسترده را به وجود می‌آورد کار را تا حد زیادی دشوار خواهد کرد و در صورت تدوین برنامه‌های رایانه‌ای و ماشینی برای برگردان ماشینی زبان فارسی؛ بی‌تردید این کار بی‌نیاز از ویراستاری‌های بعدی نخواهد بود چرا که حوزه معانی در زبان فارسی آنقدر گسترده است که اگر بخواهیم این منظور در ترجمه حاصل شود می‌بایست سعی وافر در این حوزه صورت گیرد و در آخر امر هم حتماً لازم است که افراد خبره، متون برگردان شده را یک بار دیگر ویرایش و به قالبهای مرسوم کاربردی در زبان امروز بریزند.

\* ralivasheghani@yahoo.com

با وجود پیشرفت‌های گسترده و کاربردهای بسیار رایانه و دستگاه‌های ترجمه ماشینی در کشورهای صنعتی موضوع ترجمه شفاهی همچنان در ابتدای راه خود قرار دارد و حتی در کشورهای توسعه یافته این کار در ردیف دشوارترین وظایف و در عین حال از جمله پردرآمدترین حرفه‌ها محسوب می‌شود.

بنابر این، به نظر می‌رسد که برای تحقق این امر خطیر، بهتر آن باشد که مترجمان زبر دستی در امر ترجمه شفاهی تربیت شوند تا با تسلط لازم این کار را انجام دهند و در مقابل، ترجمه هم بوی یک کار ماشینی و بدون احساس را ندهد. این را هم باید اضافه کرد که شور و احساس و قریحه هنری مترجم در کاربرد کلمات زیبا و عبارتهای دلنشین می‌تواند بر تأثیرگذاری کلام در هنگام ترجمه، اثری عمیق داشته باشد که این کار در برگردانهای ماشینی تمام و کمال صورت نخواهد گرفت. در این نوشتار، به ذکر مطالبی چند از افقهای بی حد و حصر کار ترجمه شفاهی که یک ضرورت مهم دنیای معاصر محسوب می‌شود و دنیای پر از ارتباطات امروز بدان نیاز مبرم دارد خواهیم پرداخت.

### اصولی از ترجمه همزمان

مترجم برای موفقیت در ترجمه همزمان، به آمادگی‌ها و ابزارهایی نیازمند است که به طور خلاصه در زیر به آنها اشاره می‌شود.

#### ۱- تسلط بر زبان مادری

مترجم شفاهی خوب؛ باید زبان مادری خود و ادبیات نوشتاری و گفتاری زبان مبدأ را بشناسد. او مجبور است با مطالعه دائم و هدف‌دار؛ بر ظرافتهای زبانی و معانی زبان مادری خود تسلط یافته و همواره نگاهی کاربردی به موضوع ترجمه همزمان داشته باشد. به این منظور، او باید ارتباط نوشتاری، شنیداری و دیداری مستمری را با زبان مادری خود و تحولات آن برقرار کند. این بدان معنی است که مترجم، هر لحظه خود را در فضای ترجمه احساس کند و تصور کند که همواره در حال انتقال مفاهیم است.

شرایط لازم برای این کار هم با توسعه روز افزون فناوری‌های نوین؛ همیشه و به‌سادگی فراهم است. یعنی اینکه دانشجوی رشته مترجمی با گرایش همزمان؛ بخوبی می‌تواند با روشن کردن رادیو و یا یک شبکه تلویزیونی، فضای لازم برای این تمرین را فراهم کند و فرض را بر این بگذارد که در حال ترجمه کردن است.

سخنرانی یک خطیب، یک تحلیل‌گر مسائل سیاسی، اقتصادی و یا کارشناسانی که در مطبوعات و رسانه‌های گروهی نظرات مختلفی را ارائه می‌دهند؛ می‌تواند محمل خوبی برای این کار باشد و مترجم می‌تواند با ترجمه همزمان گفته‌های این افراد قابلیت‌های زبانی خود را آزموده و به تدریج تقویت نماید و موارد نقص خود را یادداشت و اصلاح کند. نگارنده از این روش تجربه خوب و مفیدی دارد که همواره آنرا به دیگر علاقه‌مندان هم توصیه می‌نماید.

در این قبیل موارد ضبط کردن صدای گوینده و ضبط کردن صدای خود مترجم برای برطرف سازی اشتباهات و یا تکرار دوباره کار می‌تواند تا حدود زیادی مفید واقع شود.

#### ۲- تسلط بر زبان دوم

احاطه بر نکات و ظرافتهای زبان گفتاری و نوشتاری زبان دوم هم از موضوعات اجتناب ناپذیری است که مترجم می‌بایست قویاً آنها را مد نظر قرار دهد. چون به همان میزان ضعف در این موارد، ما شاهد همان میزان کاستی و ناتوانی در انتقال مفاهیم خواهیم بود.

#### ۳- تقویت آگاهیهای عمومی و قوای شنیداری از طریق گوش دادن مکرر اخبار و رسانه‌ها

یک مترجم شفاهی می‌بایست از سطح نسبتاً خوبی از آگاهیهای عمومی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و بخصوص اجتماعی برخوردار باشد و با مطالعه و حفظ ارتباط شنیداری و دیداری دائمی خود با رسانه‌های داخلی و خارجی، قوه درک خود از مفاهیم رسانه‌ای و معانی بیان در زبان مبدأ و مقصد را هم تقویت نماید. مثلاً این احتمال وجود دارد که هر یک از مخاطبان در بخشی از گفتگوهای خود و برای بازتر کردن فضای صحبت و یا برای انتقال بهتر مقصود؛ از ضرب‌المثل‌ها؛ اشعار شعری

معروف و یا نقل قول‌های مشهور استفاده کنند و یا از اعتقادات فرهنگی خود سخن بگویند که بطور قطع آشنایی مترجم با این مسائل او را در انتقال مفاهیم یاری خواهد کرد.

#### ۴- تقویت فن بیان و کاربردهای زبان فارسی

برای این هدف؛ مترجم شفاهی باید در زمان فراغت بر کاربردهای معانی زبان مادری خود اندیشه و تمرین نموده و در زمان قرار گرفتن در شرایط ترجمه از آنها استفاده نماید.

#### ۵- اهمیت به نقش زمان

در ترجمه شفاهی مترجم نباید با به دنبال کلمات گشتن مخاطب خود را معطل نگه دارد و فضای حاکم بر جلسه و یا شنیدار را خسته کننده و کسالت بار کند. لازم است که مترجم همزمان با تغییر آهنگ و کلام خود، هر از گاه نشاط لازم را هم در فضای ترجمه ایجاد کند.

#### ۶- یادداشت برداری و خلاصه نویسی نکات اصلی گوینده و مخاطب

یادداشت برداری در حین ترجمه از نکات مهمی است که یک مترجم ترجمه همزمان نباید از آن غافل شود. از آنجا که در فضای ترجمه همزمان، مترجم نقطه وصل دو طرف محسوب می شود باید همیشه دفترچه‌ای نه چندان بزرگ در اختیار داشته و صحبت‌های طرفین را سریعاً یادداشت و در زمان برگردان از آنها استفاده نماید. این کار به عنوان کمک حافظه وی عمل می کند و به او مجال می دهد کار خود را با امانت بیشتری انجام داده و مفاهیم را درست تر منتقل نماید. یادداشت برداری برای کسانی که موظف هستند بعد از جلسه گزارشی از کار را هم ارائه دهند کمک مفیدی خواهد بود. اگر مترجم شفاهی از این سرعت برخوردار باشد که تمام مطالب را بنویسد این حالت مطلوبترین وضعیت است ولی در صورت عدم امکان نوشتن همه مطالب گوینده کلام؛ نوشتن فعلها به صورت مصدر؛ و مفاهیم کلیدی و هر چه که به انتقال بهینه موضوع یاری رساند بهترین روش محسوب می شود.

یک ضرب المثل انگلیسی می گوید: «یک مداد کم رنگ از صد حافظه قوی بهتر است».

استفاده از نکات کاربردی این ضرب المثل در روند ترجمه نقشی اساسی دارد که به تجربه ثابت شده است.

#### ۷- امانت داری

از آنجا که احتمال دارد در زمان ملاقاتها؛ هر یک از طرفین برای دفاع از مطالب خویش لحن کلام را تقویت نموده و با شدت و هیجان سخن بگویند و یا حتی ناراحتی و نگرانی خود از موضوعی را به مخاطب منتقل کنند، مترجم هم لازم است امانت داری را حفظ کند و با همان ترتیب و با کاربرد کلمات مناسب و بجا، مفهوم را منتقل نماید.

البته باید به این نکته هم اشاره کرد که در زمان ترجمه شفاهی و یا در زمان انجام یک ملاقات رسمی؛ گرفتن ژست‌های فیزیکی از سوی مترجم نه تنها ضروری نیست بلکه اصلاً توصیه نمی شود.

(برای مثال، جلسات رسمی و در موارد اختلافات سیاسی مهم فیما بین، مترجم حق ندارد با انگشت به سوی شنونده کلام اشارات تهدیدآمیز داشته و یا مثلاً با مشت گره کرده در هوا سخن بگوید! چون از مترجم این انتظار وجود ندارد و او هم این حق را ندارد که به یک طرف محاصمه تبدیل شود!)

#### ۸- عدم مداخله

از آنجا که برخی افراد عادت دارند جملات طولانی بکار ببرند لازم است در زمانی که مترجم با گوینده کلام و مخاطب وی در یک جلسه حضور دارند مؤدبانه این نکته یادآوری گردد که هر یک از طرفین جملات خود را کوتاه و موجز بیان کنند تا از معطل شدن مخاطبان در زمان صحبت هر یک از طرفین اجتناب شود. مترجم همزمان معمولاً حق دخالت در فحوای گفته‌های طرفین را ندارد ولی در زمانی که متوجه اشتباهی در گفتار از سوی یکی از طرفین می شود تا آنجا که به مفهوم گفته شده آسیب نرساند می تواند در زمان ترجمه این اشتباهات را رفع و تصحیح نماید.

مترجم شفاهی نباید حالات روحی و شخصیتی خود را در جلسات دیدار رو در رو دخیل کند. مترجم می‌بایست متناسب با فضای ترجمه رفتار مناسب را اتخاذ کند. ولی در مجموع حفظ آرامش روحی و رفتاری و اجتناب از اخمو بودن و یا خندیدن زیاد در زمان برگردان مطالب و به طور کلی رعایت ادب در جلسه توصیه می‌شود.

#### ۱۰- فراگیری مسائل تخصصی و زبانی

• تجربه شخصی نگارنده ثابت کرده است که فرا گرفتن اصطلاحات زبانی در چهار چوب «چند کلمه‌ای» و یا «خطی» او را در بهره‌گیری هر چه بهتر از زمان یاری می‌دهد و باعث می‌شود که در برگردان همزمان عبارتها موفق‌تر عمل نماید. اگر زبان آموز رشته مترجمی در زمان فراگیری، با دیدی انعطاف‌آمیز زبان بیاموزد و دایره وسیعتری از کلمات و عباراتی را که با یک کلمه ساخته می‌شوند بیاموزد این کار بر توانایی‌های وی در انتقال صحیح می‌افزاید و کیفیت ترجمه همزمان را بسیار بالاتر می‌برد.

برای مثال کلمه relation به معنای «رابطه» و «مناسبات» را در نظر بگیرید: همانطور که ما در زبان فارسی می‌توانیم این کلمه را به صورت یک ترکیب اضافی و یا وصفی یا با دیگر کلمات بکار بریم در زبان مقصد هم همین موضوع صادق است. لذا اگر زبان آموز این کلمه را در حالت ترکیب وصفی و یا اضافی آن (به شرح مثالهای زیر) فراگیرد از کار آمدی بیشتری برخوردار خواهد بود.

Relations mutuelles	روابط دو جانبه
Relations historiques	روابط تاریخی
Relations internationales	روابط بین‌الملل
Relations interétatiques	روابط بین دولتی
	مثال دیگر :
Organisation	سازمان
Organisation + mondiale	سازمان جهانی
	سازمان جهانی بهداشت
Organisation + mondiale + de la sante' ( OMS )	

از این مثالها می‌توان نمونه‌های فراوانی را ذکر کرد که در این نوشتار نمی‌گنجد. فراگیری اصطلاحات و ساختارها در قالب «خطی و جمله‌ای» روش بسیار مناسبی برای بهینه‌سازی کار ترجمه است. نگارنده، مجموعه‌ای از این قبیل عبارات را در قالب واژه‌نامه‌ای که ماحصل چندین سال کار پیگیر است جمع‌آوری کرده و قصد انتشار آن را دارد.

• گسترش فرهنگ عمومی و تأسیس نهادها و سازمانهای گوناگون اقتصادی و سیاسی و جوامع متعدد علمی و فرهنگی که از نشانه‌های شاخص جامعه مدنی محسوب می‌شوند باعث شده است که در زبانهای اروپایی استفاده از سرواژه‌ها (واژه‌های جدیدی که با کنار گذاشتن حروف اول کلمات تشکیل دهنده نام یک مؤسسه و یا سازمان درست شده است و در زبان فرانسه به آن sigle می‌گویند) بسیار رواج یابد و استفاده از این علائم جزء لاینفک زندگی اجتماعی جوامع و محیطهای علمی و دانشگاهی گردد. استفاده از این نوع علائم زبانی چند سالی است که در زبان فارسی هم رواج یافته و کاربرد فراوان دارد. (مانند هما، سما، رجا، ناجا، نراجا و غیره).

برای مثال روزی نیست که در اخبار پخش شده در مطبوعات و رسانه‌های جمعی فرانسوی از عبارتهایی همچون TGV، SDF، TVA، PS و امثال اینها استفاده نشود\*. فراگیری این علوم و معانی آنها که تا حدود زیادی به سرعت تبادل واژه‌ها و انتقال مفاهیم افزوده است بر مترجم شفاهی لازم است.

\* معانی و شکل کامل علائم فوق‌الاشاره در انتهای نوشتار آمده است.

- آشنایی با زبان‌شناسی و اصول علمی آن و همچنین علوم نوین مرتبط با زبان‌شناسی همچون معنی‌شناسی و نشانه‌شناسی نیز از جمله مطالبی است که مترجم شفاهی می‌بایست بدان توجه عمیق مبذول دارد. از آنجا که امروزه همه زبانهای زنده مجموعه‌ای متحول را تشکیل می‌دهند که با ترقی علم و فناوری بر پیچیدگی آنها هم اضافه می‌شود و ورود اصطلاحات و واژه‌های کوچک و بزرگ و مفاهیم خاص مورد کاربرد قشرهای گوناگون همچون جوانان (که از زبان خاص خود برای انتقال برخی مفاهیم استفاده می‌کنند) آشنایی خاص با این مقوله را می‌طلبد؛ لذا بر مترجم شفاهی است که این تحولات را هم دنبال کند و با ظرافتهای آنها آشنا باشد.
- توجه به ظرافتهای زبانی و مشخصه‌های فرهنگی اقوام مختلف هم موضوعی است که نمی‌بایست از خاطر مترجم دور باشد. برای مثال برخی از فرانسوی‌ها عادت دارند در زمان ابراز مخالفت و یا ناامیدی از چیزی، از دهان خود صداهایی بیرون بیاورند که در فرهنگ فارسی ناشناخته است و می‌تواند رفتاری ناپسند تلقی شود و اینجاست که مترجم باید این قبیل رفتارها را برای مخاطب خود توضیح دهد تا سوء تفاهمی برای طرفین به وجود نیاید.
- نگارنده بر اساس تجربیات خود، به فراگیران رشته‌های مترجمی زبان توصیه می‌کند که در کنار زبانی که برای آن فعالیت می‌کنند حتماً یک زبان سوم را هم بر حسب نزدیکی واژگانی و یا ساختاری فراگیرند. این کار هم به حوزه واژگانی و گستره اطلاعات عمومی آنها کمک می‌کند و هم از نظر روانی بر خود مترجم و مخاطبان وی تأثیری بسیار مثبت می‌گذارد. از جمله این زبانها که ساختاری نزدیک‌تر به زبان فرانسه دارند می‌توان به انگلیسی، اسپانیایی و ایتالیایی اشاره کرد. چند خوش و بش ساده با مخاطبان به زبانهای مختلف در دیدارها می‌تواند اثری عمیق بر فضای فکری مخاطبان و تصویر ذهنی ایشان از مترجم و کشوری که بدان تعلق دارد بگذارد که نباید این آثار را دست کم گرفت. چون بخش عمده‌ای از نتیجه‌بخشی دیدارهای بین‌المللی به طور کلی با ایجاد روابط مثبت و سازنده در همان لحظات اول دیدارها و گفتگوهای ساده‌ای که شاید کم اهمیت به نظر برسند، شکل می‌گیرند.

#### چند نکته

- ارتباط دیداری در ترجمه معمولاً از اهمیت بالایی برخوردار است. بین مترجم و کسی که سخن می‌گوید باید ارتباط بصری برقرار باشد و حتی الامکان مترجم همزمان او را در حوزه نگاه خود داشته باشد.
- برخی از افراد با اینکه فارسی سخن می‌گویند ولی با این حال از ادبیات کلامی و گویشی خوبی برخوردار نیستند، کلمات و جملات را درست ادا نمی‌کنند و به طور کلی خوب سخن نمی‌گویند. در این قبیل موارد مترجم باید توجه داشته باشد که در مواجهه با این قبیل موارد «اصل کلام» را حفظ و در قالب مطلوب و صحیح بریزد.
- در دیدارهایی که قرار است در آنها از عبارتهای قرآنی، احادیث و یا ضرب‌المثل‌های عربی کاربردی در زبان فارسی استفاده شود مناسب است که به سخنران و گوینده کلام (ترجیحاً از قبل) توصیه شود که معانی و معادل فارسی آنها را هم بگوید تا کار انتقال مفاهیم با امانت همراه باشد.

#### پی‌نوشت

- قطارهای سریع السیر
- مالیات بر ارزش افزوده
- بدون منزل ثابت (اجاره نشین‌ها و کسانی که سرپناه ثابت برای زندگی ندارند)
- حزب سوسیالیست فرانسه
- TGV: train à grande vitesse:
- TVA: taxe à la valeur ajoutée:
- SDF: sans domicile fixe:
- PS: parti socialiste:
- SNCF = société nationale de chemin de fer

هما = هوایمایی ملی ایران

ناجا = نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

سما = سازمان مدارس آزاد (وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی)

نراجا = نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

رجا = راه آهن جمهوری اسلامی ایران



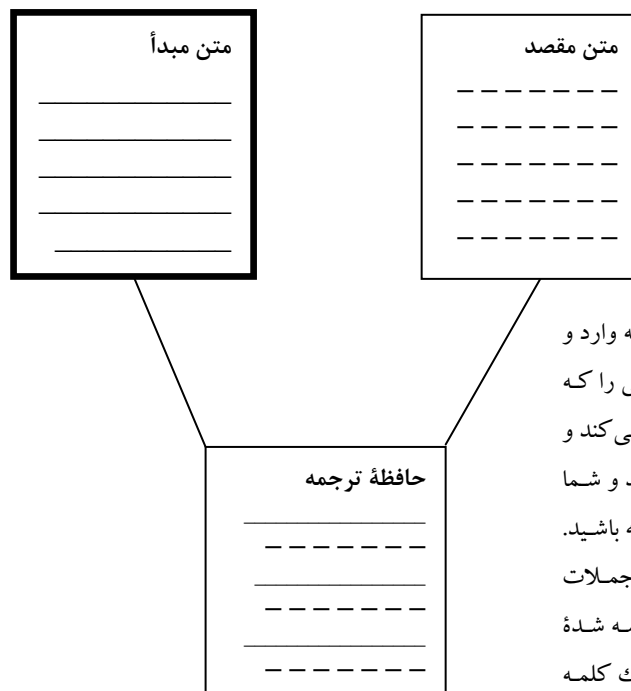
## ترجمه، پایه پای فناوری

محمد مهدی زارع\*

دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، واحد بندرعباس

با پیشرفت علم و فناوری، نیاز به ترجمه متون مختلف نیز روبه فزونی گذاشت؛ ماشینهای ترجمه پا به عرصه وجود گذاشتند و علی رغم اشتباهاتی که در انتخاب معادل داشتند، جای خود را در شرکتهای بزرگ باز کردند چرا که هم سرعت کار ترجمه را بالا می بردند و هم هزینه ترجمه را به طور چشمگیری کاهش می دادند. با پیشرفت صنعت رایانه و نرم افزار متخصصان به فکر برنامه هایی افتادند که بتواند مترجمان را در ترجمه یاری کند، کم کم نرم افزار فرهنگ لغات مختلف به بازار آمد و برنامه های ترجمه نیز طراحی شدند. و بالاخره نوبت به ظهور برنامه هایی با نام TM یا حافظه های ترجمه رسید. امروزه در کشورهای صنعتی مترجمان از این برنامه ها که اصطلاحاً CAT (Computer-Assisted Translation) نامیده می شوند، استفاده های بسیاری می برند و متأسفانه سهم مترجمان ایرانی از این موهبت بسیار ناچیز است. به همین دلیل به فکر معرفی برخی از این برنامه ها و نقاط ضعف و قوتشان افتادیم. در این شماره به معرفی برنامه Trados می پردازیم:

این برنامه ترجمه نمی کند بلکه حافظه ترجمه می سازد تا در ترجمه های بعدی بتوان از آن استفاده کرد. اصول کار این برنامه به این صورت است که پس از نصب برنامه، شما متن اصلی را وارد می کنید. سپس متن مقصد را که همان ترجمه متن است وارد می کنید. برنامه جملات متن مبدا و مقصد را رو در روی هم قرار می دهد و حافظه ترجمه را می سازد.



اکنون که حافظه آماده شد، شما می توانید متن جدید را به برنامه وارد و حافظه مورد نظر را هم به برنامه بدهید. در این مرحله، برنامه جملاتی را که نظیری در حافظه داشته باشند مشخص کرده، ترجمه را جایگزین آن می کند و جملاتی را که تاحدی شبیه باشند با رنگی متمایز مشخص می کند و شما می توانید این جملات را ترجمه کنید تا ترجمه کاملی از متن داشته باشید. استفاده از این برنامه به شما این امکان را می دهد که مجبور نباشید جملات تکراری را ترجمه کنید، و جملاتی را که شباهت نسبی به جمله ترجمه شده قبل دارند نیز مشخص می کند و گاهی تفاوت این دو جمله در یک کلمه است و شما تنها همان کلمه را باید ترجمه کنید.

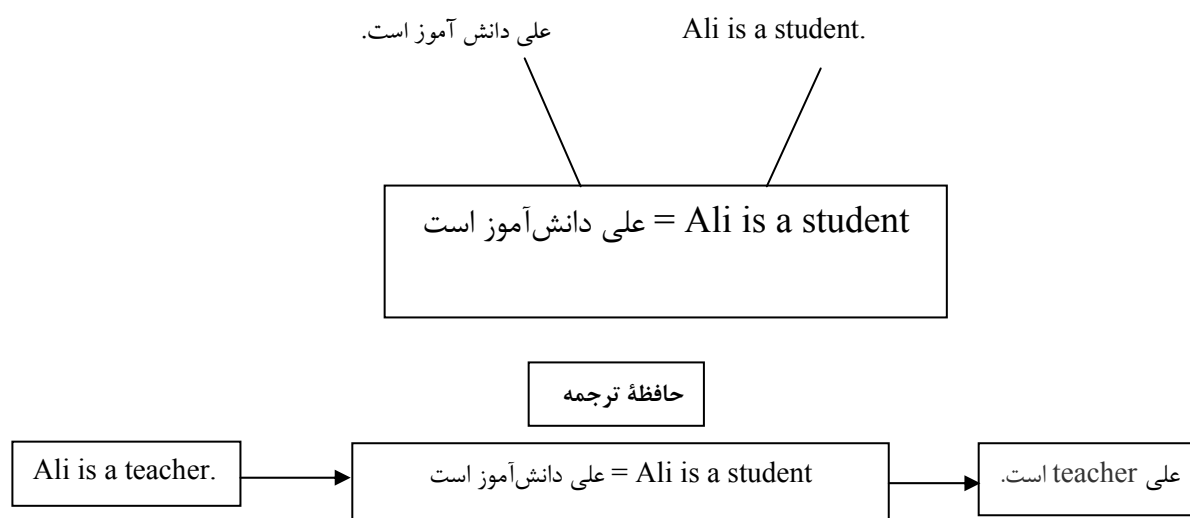
\* mmz4400@gmail.com

نویسنده می باید مراتب سپاس خود را از استادان عزیز خود دکتر رحمان صحراگرد، ریاست بخش زبانهای خارجی و زبانشناسی دانشگاه شیراز، و نیز دکتر علی رحیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان، اعلام دارد.

این برنامه به گونه‌ای طراحی شده است که جایگاهی را در قسمت نوار ابزار برنامه word تعبیه می‌کند. از دیگر مزایای این برنامه، استفاده از آن برای بومی کردن (localization) صفحات وب است. استفاده از این برنامه می‌تواند صفحات وب را بی آنکه عکسها و طرح صفحه جابجا شوند ترجمه کند.

حسن دیگر این برنامه این است که شما می‌توانید از حافظه‌های ساخته شده از سوی شرکت سازنده و دیگر مترجمان که از این برنامه استفاده می‌کنند استفاده کنید. برای این کار پس از اتصال به اینترنت می‌توان به سایت Trados متصل شده و از حافظه‌های موجود در آن سرور استفاده کرد.

ساختن حافظه ترجمه



نحوه کار حافظه ترجمه

هرچه تعداد جملات وارد شده به حافظه زیادتر باشد ترجمه به دست آمده کامل تر خواهد بود. متنهای جدیدی را نیز که ترجمه می‌شود، می‌توان به حافظه برنامه داد.

مشکل عمده این برنامه این است که جملاتی را که باید به برنامه داد تا یک ترجمه خوب بدست آورد باید بسیار زیاد باشد، خصوصاً در متون ادبی از این برنامه نمی‌توان سود چندانی برد اما در متون تخصصی این برنامه بسیار مفید خواهد بود. به نظر می‌رسد تهیه چنین برنامه‌ای در داخل کشور خودمان و با همکاری برنامه‌نویسان رایانه‌ای و دست‌اندرکاران ترجمه و مطالعات ترجمه امکان‌پذیر باشد.

آنچه که در اینجا عنوان شد تنها معرفی خلاصه‌ای این برنامه بود. شما می‌توانید برای اطلاعات بیشتر به وبگاه <http://www.TRADOS.com> و حتی نسخه آزمایشی آن را برای آشنایی بیشتر از این وبگاه دریافت کنید یا پاسخ به پرسشهای احتمالی را از آنها بخواهید.

# نکته‌ها و ناگفته‌های ترجمه



حسن هاشمی میناباد\*

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

(بخش سوم)

## توصیف‌گر مطلق جمله

### □ Nominative absolute, Absolute construction / phrase, Sentence modifier

توصیف‌گر مطلق جمله، بندی است مرکب از یک فاعل و یک توصیف‌گر (Modifier) و معمولاً یک وجه وصفی و متعلقات آن که به مفهوم کل بند اصلی یا جمله ارتباط دارد، اما از نظر دستوری با حروف ربط و عطف و ضمیر موصولی و امثال آنها به جمله یا بند اصلی پیوند نمی‌خورد و هیچ‌یک از اجزای آن را توصیف نمی‌کند. این توصیف‌گر معمولاً با یک کاما (= واوگون) از بقیه جمله جدا می‌شود. توصیف‌گر مطلق جمله ابزار مؤثری است برای افزودن جزئیات و مطالب فرعی به جمله با حداقل واژه‌ها. فاعل این ساختار اسم یا ضمیر فاعلی است. فعل آن در واقع از این نظر ناقص است که ویژگیهای زمان، شخص و شمار را ندارد. در ترجمه به فارسی زمان آن را باید از بند یا جمله‌ای اصلی که این ساختار به توصیف آن می‌پردازد، دریافت. معنا و ارتباط این ساختار را نیز خود یافت تعیین می‌کند. به عبارت دیگر از زمینه گفتگو و معنای بند و جمله اصلی باید دریافت که ساختار فوق چه معنایی دارد و چگونه باید آن را به بخش اصلی ارتباط داد.

به طور کلی توصیف‌گر مطلق جمله، توضیحی درباره کل جمله یا بند ارائه می‌دهد بدون اینکه ارتباطی دستوری با بخش اصلی داشته باشد. این ساختار بیشتر در زبان رسمی به کار می‌رود و به دلایل سبکی غالباً در آغاز یا پایان جمله قرار می‌گیرد.

### مثالها

[ شایان ذکر است که عده‌ای از دستوریان انگلیسی، نمونه جمله‌های به کار رفته در این مثالها را غیر دستوری تلقی می‌کنند و بعضاً آنها را به عنوان ساختارهای معلق\*\* نام می‌برند و کاربرد آنها را نهی می‌کنند.]

*The lecture having finished, Paul left.*

همین‌که سخنرانی پُل تمام شد، رفت. / سخنرانی پُل که تمام شد، رفت.

*The paint being dry, he hung the portrait on the wall.*

رنگ که خشک شد / همین‌که رنگ خشک شد / پس از خشک شدن رنگ، پرتره را از دیوار آویخت.

*He, being absent, no business was transacted.*

چون حضور نداشت، هیچ معامله‌ای صورت نگرفت.

*He was thumping at a book, his voice growing louder and louder.*

\* h\_hashemi\_mi@yahoo.com

\*\* dangling structures

دست روی کتاب می‌کوبید و صدایش بلندتر و بلندتر می‌شد.

*The snow having stopped, we went home.*

پس از بند آمدن برف / برف که بند آمد، به خانه رفتیم.

*The day being windy, I wore an overcoat.*

چون که باد می‌آمد، اورکت پوشیدم.

*His eyebrow raised high in resignation, he began to examine his hands.*

او، که سگرمه‌هایش از سر تسلیم و رضا در هم رفته بود، شروع کرد به ورنانداز کردن دستهایش.

اشاره شد که این ساختار از یک فاعل و معمولاً یک وجه وصفی تشکیل می‌شود. گاهی وجه وصفی در این ساختار غایب است، اما آن را می‌توان به طور تلویحی از متن و بافت استخراج کرد. عده‌ای از دستورنویسان مورد اخیر را بند بی فعل (Verbless Clause) می‌شمارند. رک: حسن هاشمی میناباد، نکته‌هایی درباره ترجمه، فصلنامه مترجم، سال ۷، ش ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص ۹۴.

### □ Academic

اگر کسی معنی *academic* را نداند به فرهنگها مراجعه می‌کند و معانی زیر را (مثلاً از فرهنگ هزاره) می‌یابد: ۱. دانشگاهی ۲. تحصیلی، آموزشی ۳. نظری ۴. فرهنگی، آکادمیک ۵. دانشگاهی، استاد دانشگاه. *academic freedom* یعنی آزادی علمی. تا اینجا مشکلی رخ نمی‌نماید. این صفت بتدریج مفهوم نه‌چندان خوشایندی پیدا کرده است که مترجمان غالباً به آن اعتنایی نمی‌کنند. معانی ناخوشایند استعاری *academic* عبارتند از:

(۱) غیر عملی، اجرائشده، خیالی، رویایی، غیرعقلانه؛

(۲) فارغ از / به دور از واقعیات زندگی؛ و

(۳) نظریه‌زدگی، گرایش صرف به نظریه و بی‌توجهی به عمل.

Academy Award همان جایزه معروف اسکار است.

### □ Almost

*Almost* علاوه بر معنی اصلی خود (تقریباً، به‌سختی، به‌زحمت، به‌ندرت) بر این امر دلالت می‌کند که «نزدیک بود کاری انجام گیرد، اما این کار صورت نپذیرفت».

*I step into the room and almost trip over my father.*

به اتاق قدم گذاشتم و نزدیک بود که روی پدرم بیفتم / به پدرم بخورم / با پدرم برخورد کنم.

در یک کلاس ۴۰ نفری «ترجمه متون ساده» ۵ درصد از دانشجویان در برگردان جمله بالا *almost* را درست ترجمه کرده بودند، ۵ درصد از جواب نادرست «تقریباً» استفاده کرده بودند و بقیه اصلاً توجهی به این واژه نداشتند.

*He slipped and almost fell.*

پایش سر خورد و نزدیک بود بیفتد.

*I almost dropped the cake.*

نزدیک بود کیک را بیندازم.

### □ Be about to, at the point of, on the point of, on the verge of

ساختار *be about to* به اضافه یک مصدر در انگلیسی «در شرف وقوع بودن یا در آستانه اتفاق افتادن عملی» را نشان می‌دهد. این مفهوم را با ساختار *on the verge of* یا *at/on the point of* به اضافه صورت *ing*-دار فعل نیز می‌توان بیان کرد. معادل‌های عمده آن در فارسی عبارتند از:

(۱) در شرفِ -، در آستانهٔ -، در دم -، در کار - به اضافهٔ فعل بودن. عنصر بعد از «در شرفِ -» و امثال آن مصدر یا کلمه‌ای است که بر عمل دلالت می‌کند.

The train was about to leave. قطار در آستانهٔ / در شرفِ حرکت بود.

The sun was about to set. خورشید در کارِ غروب بود.

The suspects admitted being about to commit a crime. این مظنونان اعتراف کردند که در آستانهٔ ارتکاب به جنایتی بودند.

And ... the sun sank low ... and as if about to go out suddenly ...  
عاقبت خورشید ... پایین افتاد و چنان که گویی ناگهان در کار رفتن باشد ...

(J. Conrad 1988: 8 ; ۱۳۸۰: ۳۱؛ صالح حسینی)

(۲) زمانِ مَلْموس با تمام. متناسب با مفهوم جملهٔ انگلیسی می‌توان از حال یا گذشتهٔ مَلْموس استفاده کرد. در این ساختار فعل معین «داشتن» پیش از فعل اصلی می‌آید و هر دو فعل، یعنی هم فعلِ معین و هم فعلِ اصلی، صرف می‌شوند مثلاً داشتم می‌رفتم، دارند می‌روند، از شادی دلش می‌خواست پر بگیرد، دلش آشوب بود می‌خواست بالا بیاورد، از زور خجالت می‌خواستم به زمین بروم.

I was about to laugh, but I saw that the fellow was not the one to make jokes...

خواستم بخندم، دیدم یارو شوخی سرش نمی‌شود و راستی مثل این است که حرفهایش هم پر بی پروا نیست.

(H. Moayyed and P. Sparachman 1997: 34; ۱۳۷۹: ۱: ۴؛ محمد علی جمالزاده)

I was about to cover my privates, but realizing that my ancestor, the prophet Adam, wouldn't even have bothered to cover up in this place ...

خواستم سترعورتی کرده باشم، دیدم جدّم حضرتِ آدم هم در اینجا از سترِ عورت کردن صرف‌نظر می‌کرد.

(H. Moayyed and P. Sparachman 1997: 33; ۱۳۷۹: ۱: ۳؛ محمد علی جمالزاده)

We shall have to put our best foot forward if we are to reach London tonight.

اگر می‌خواهیم امشب به لندن برسیم، باید در اسرع وقت حرکت کنیم.

(محمد تقی فرامرزی ۱۱۴: ۱۳۶۳)

Advice to persons about to marry\_ “Don’t”.

یک توصیه به کسانی که می‌خواهند ازدواج کنند: نکنید!

(رضی خدادادی ۳۹: ۱۳۸۴)

ساختار «تازه + داشتن» هم از جمله معادلهای آن است.

I was about to fall asleep.

تازه داشت پشتِ چشمم گرم می‌شد.

(شاپور اردشیرجی ۴۴۳: ۱۳۵۱)

(۳) نزدیک بود -، کم مانده بود -، عن‌قریب (در مفهوم محاوره‌ای آن)، چیزی نمانده بود - . همگی این ساختارها بر قصدی که جامهٔ عمل نپوشیده و تحقق نیافته است دلالت می‌کنند.

... Haji's about to suffocate ...

می‌گویند یک بار سر نماز، حاجی سر می‌گذارد به سجده. خانم کوچک بالش می‌گذارد روی سر حاجی و روی بالش می‌نشیند، نزدیک بوده حاجی خفه بشود ...

(سیمین دانشور ۹۷: ۱۳۶۲; F. Lewis 1977)

He was at the point of finishing the exercises.

چیزی نمانده بود که تمرینها را تمام کند.

Freeman was about to cry.

فریمن کم مانده بود که گریه کند.

He was about to hit me.

نزدیک بود مرا بزند.

معادلهای دیگر این ساختارها پربسامد نیستند. (در پایین برخی از مثالهای فارسی، جمله انگلیسی معادلی در پیکره نگارنده ندارند).

— قصد کاری را داشتن، سر کاری را داشتن

I am about to be married – and of course in all the misery of a man in pursuit of happiness.

من قصد ازدواج دارم و به همین دلیل گرفتار بدبختی آدمی هستم که در پی خوشبختی است.

(رضی خدادادی ۳۰: ۱۳۸۴)

اگر سر این کار داری، بر خیز و قصد راه کن؛ نی زاد بر گیر و نه همراه آگاه کن.

(خواجه عبدالله انصاری ۲۹: ۱۳۷۰)

— در پیش بودن (= به زودی واقع شدن، عن قریب روی دادن): کار خیری در پیش است، اگر مجلس ترحیمی در پیش بود او خبرش را به شما می‌داد.

— در پیش داشتن (= طرح کاری را ریختن، انجام دادن کاری را برای آینده نزدیک در نظر داشتن): شنیده‌ام امر خیری در پیش دارید.

— حالاست که (= به زودی، عن قریب): شوره از رفتن دختر آتشی شده و دیده حالاست که همه همولایتی‌ها به ریشش بخندند، به‌اش وصله دزدی چسبانده.

— پا به -، دم - . این ساختارها معادل دقیق on the verge of و on the point of هستند، گرچه تفاوت آنها با be about to تنها در ساختار دستوری است. دسته اول گروه اسمی و ساختار دوم گروه فعلی است.

مثالها: پا به بخت، دم بخت، پا به زا (= نزدیک زایمان، در شرف وضع حمل)، پا به ماه (= نزدیک به زایمان)، پا به گور (= نزدیک به مرگ، که چیزی به پایان عمرش نمانده باشد). تعریف‌های اصطلاحات و نیز مثالهای فارسی بی‌منبع از ابوالحسن نجفی ۱۳۷۸ نقل شده است.

— رو به سوی چیزی بودن / رفتن (= پیش رفتن به سوی چیزی، هر دم نزدیک شدن به چیزی): هوا رو به سردی بود، هوا رو به تاریکی می‌رفت، رو به مرگ می‌رفتم، رو به مرگ هستی.

ساختار be about to کاربرد دیگر نیز دارد: (۱) عمل یا توافقی که قرار بود یا قرار است در آینده اتفاق بیفتد، یا سرنوشت محتوم چنین بود و (۲) دستور دادن بزرگ‌تر به کوچک‌تر یا والدین به فرزندان یا دستورالعمل در اطلاعیه‌ها و شیوه مصرف دارو یا کار با دستگاه و وسیله و ابزار.

□ Can, May

فعلِ کمکی can، may بویژه در منتهای علمی گاهی به معنای احتمال نیست، بلکه قطعیت را می‌رساند و اصل و قانونی را بیان می‌کند. این فعلهای کمکی اطلاعاتی در مورد ویژگی یا رفتار کسی یا چیزی به دست می‌دهد و بدین معناست که عمل یا وضعی رخ می‌دهد یا این که به لحاظ نظری و نیز بالقوه امکان‌پذیر است.

Cigarettes can seriously damage your health.

اینجا دیگر نمی‌توان گفت «سیگار می‌تواند / ممکن است جداً به سلامت شما آسیب برساند.» بدیهی و مسلم است که سیگار برای تندرستی زیان‌آور است.

«شخصیتی که در کسی نیست ولی نسبت به آن بی‌قرار شده، می‌تواند او را به وحشت بزرگی بیندازد.»

(علی اصغر حلبی، افسانه‌های ازوپ ۷۰: ۱۳۷۳)

«هر کسی که درکی از قدرت برنامه تحصیلی پنهان دارد می‌داند که محیط فیزیکی مدرسه می‌تواند تأثیری شگرفت بر کیفیت یاددهی و یادگیری داشته باشد.»

در دو مثال بالا عملاً چنین اتفاقی می‌افتد و روی دادن آن حتمی است. بنابراین، نمی‌توان با احتمال و تردید و شک سخن گفت. در مثالهای زیر از مترجمان دیگر و از خود نگارنده بدرستی جمله با قطعیت بیان شده است.

The bottle can only hold a litre.

[این] بطری بیشتر از یک لیتر جا نمی‌گیرد.

(شاپور اردشیرجی ۴۴۱: ۱۳۵۱)

How many elephants can fit into a mini?

چند تا فیل توی یک مینی ماینر جا می‌شوند؟ (مینی ماینر اتومبیلی است کوچکتر از ژان.)

Gold can't be dissolved in hydrochloric acid.

طلا در اسید کلریدریک حل نمی‌شود. (در اینجا دیگر اصلاً نمی‌توانیم بگوییم «طلا ممکن است در اسید کلریدریک حل شود.»)

He was so worried when he read somewhere that smoking *could* cause cancer he gave up reading.

وقتی در جایی خواند سیگار کشیدن سرطان می‌آورد آنقدر ناراحت شد که خواندن را به کلی ترک کرد.

(رضی خدادادی ۱۹۱: ۱۳۸۴)

Money provides the yardstick for measuring the economic value of things. But improper management of money by the central bank can cause inflation or depression.

... اما مدیریت نادرست پول توسط بانک مرکزی باعث تورم یا رکود می‌شود.

If the magma is very fluid, it may flow gently from cracks.

اگر گدازه مایع باشد، آرام آرام از شکافها و ترکها به بیرون جریان می‌یابد.

«Non-violence can mean two things:

1. a general principle of absence from violence ...

پرهیز از خشونت به دو معناست...

(غلامرضا تجویدی ۸۱: ۱۳۸۱)

### □ Evening, even, eve

evening چه زمانی از شبانه‌روز است؟ فرق آن با night چیست؟ evening را غالباً «غروب» و گاهی «شب» ترجمه می‌کنند. آیا این معادلها درست است؟

Evening زمانی از شبانه‌روز است بین پایان بعدازظهر و وقت خواب. وقت خواب از حدود ۱۰ شب، به حساب ما ایرانیها، شروع می‌شود که محدوده night را دربرمی‌گیرد. در انگلیسی بعد از ساعت شش بعدازظهر برای سلام از good evening استفاده می‌کنند و good night غالباً برای خداحافظی آن هم هنگام خواب و حدود ساعت ده شب به بعد به وقت ما به کار می‌رود. بنابراین evening به معانی زیر است: عصر، غروب، مغرب، سرشب، آغاز شب، شب، شام، شامگاه.

#### عصر

Evening paper	روزنامه عصر	
		مغرب، غروب
evening prayer	نماز مغرب	
evening naval twilight	غروب دریایی	
eventide	غروب	
evenfall	غروب	

#### واژه‌های مربوط به بعد از تاریک شدن هوا و تا اواسط شب ما

theatre evening	شب تئاتر	evening classes	کلاسهای شبانه
music evening	شب موسیقی	evening institute	کلاس شبانه
poetry (-reciting) evening	شب شعر		
evening dress	لباس شب		

#### واژه‌های مربوط به دیروقت شب و معمولاً بعد از حدود ده شب ما

wedding night	شب زفاف	night watch	شبگرد، پاس شب
night walker	شبگرد، خوابگرد	night cap	شب کلاه
evening shift	نوبت کاری شب		

#### شام، شامگاه

military evening	شفق شامگاهی	evening prayer	نماز شام، سرود شامگاه
evening parade	مراسم شامگاه، شامگاه، رژه شامگاه		
eventide	شامگاه		



... When he come home from work in the evenings, ...

واشینگتن هم که بودم گاهی اتفاق می‌افتاد که **عصرها** که از کار برمی‌گشت غر می‌زد که سیاه‌ها دارند کارمان را از دستمان درمی‌آورند.

(J. Wilks 1997; 158; ۱۳۵۶:۸۰ احمد جلال‌آل)

I was afraid if I come in the evening , you'd be out.

ترسیدم **عصر** بیایم، از خانه بیرون رفته باشید.

(F. Lewis 1997; 126; ۱۳۶۲:۹۸ سیمین دانشور)

That very evening he asked for my hand formally, at the dinner table.

همان **شب** ازم خواستگاری کرد. رسماً و سر میز شام.

(J. Wilks 1997; 158; ۱۳۵۶:۷۲ احمد جلال‌آل)

... Things really took off after that evening.

اول دعوتم کرد به یک نمایش‌گاه نقاشی ... بعدم با ماشین خودش برمان گرداند خانه ... خوب معلوم است دیگر. از همان **شب** کار روبه راه شد.

(همانها ۷۱; 158)

At dinner that evening , I talked the matter over with my grand mother ...

من هم سر شام همان روز همین مطالب را برای مادربزرگم تعریف کرده بودم که کلافه شد.

(همانها ۸۱\_۷۹; 165)

شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش درآورد و همه **شب** نیارمید از سخنها پریشان گفتن.

On evening in the oasis of Kish, he took me into his apartment and talking all night...

(E. Rehatsek 2004: 390-1)

As night fell, Mr Samadi shut the door of his room...

**سر شب** آقای صمدی در اتاقش را بست. چراغ دستی را برداشت و همراه محمود رفت خانه قنبری.

(T. Roohi 2002: 17; ۱۳۸۱:۱۷ کرمانی)

### □ چندمعنایی و واژه‌های متشابه در متن ترجمه شده

مسئله چندمعنایی و واژه‌های متشابه فقط در متن اصلی نیست که سبب ابهام و سردرگمی خواننده می‌شود. ممکن است این مشکلات در متن اصلی وجود نداشته باشند، ولی در ترجمه پیش بیایند و در برابر مترجم و خواننده قد علم کنند. چندمعنایی حالتی است که در آن واژه‌ای واحد بیش از یک معنا داشته باشد مانند شیر که در معانی زیر به کار می‌رود: (۱) نوعی حیوان وحشی، (۲)

وسيله‌ای برای بازوبسته کردن جریان مایعات یا گازها، (۳) مایع ترشح‌شونده از غده‌های پستان حیوانات پستان‌دار ماده برای تغذیه نوزادانشان، (۴) یک طرف سگه که دارای تصویر است، (۵) و آدم شجاع و نترس. واژه‌های مشابه بر دو نوع‌اند: (الف) واژه‌های هم‌آوا مانند *غدا، قضا، غزا* و (ب) واژه‌های هم‌نویسه مانند *گرد* که با تلفظ‌های زیر به معانی متفاوت به کار می‌روند: *gord, gerd, gard*.

ابهامات ناشی از چندمعنایی و واژه‌های مشابه در ترجمه را می‌توان در مرحله ویرایش و بازخوانی متن ترجمه شده دریافت و آنها را رفع کرد. در این موارد می‌توان از ترفندهای زیر استفاده کرد: (۱) استفاده از مترادف‌های واژه یا ترکیب مشکل‌آفرین، به شرطی که تغییر معنایی و سبکی و کاربردی پیش نیاید، (۲) تغییر ساختار دستوری و استفاده از ساختار نحوی دیگر، باز هم به شرطی که تغییر معنایی و سبکی و کاربردی پیش نیاید.

♦ در متنی مربوط به فهرست‌نویسی و کتابشناسی به راحتی نمی‌توان در همه‌جا از واژه فهرست استفاده کرد، چون این واژه در چنین متنی دست کم سه معادل انگلیسی دارد:

		catalog	(هم به صورت اسم و هم به صورت فعل)
فهرست	}	list	(هم به صورت اسم و هم به صورت فعل)
		Table of contents	

♦ All kidneys کلیه‌ها

(می‌توان گفت: تمام کلیه‌ها، همه کلیه‌ها)

♦ One of these copies is in *naskh* script.

یکی از این نسخ به خط نسخ است (این جمله را می‌توان به این شکل بازنویسی کرد: یکی از این نسخه‌ها/ دست‌نویس‌ها به خط نسخ است).

♦ «سوسک آبی» در یک متن زیست‌شناسی ابهام دارد: آیا رنگ این حیوان آبی است یا این حیوان در آب زندگی می‌کند؟ سوسک آبی در یک متن زیست‌شناسی در برابر *water beetle* آمده بود که تقریباً اکثر دانشجویان آن را معادل *blue beetle* گرفته بودند. در این موارد می‌توان به جای واژه چندمعنایی «آبی»، از واژه «آبی» استفاده کرد. کاربرد «آبی» در متون شیمی ممکن است در مواردی مشکل‌آفرین باشد، زیرا این واژه هم به معنای رنگ است و هم در مقابل ترکیبات و واژه‌هایی که از *aqua-* صورت‌های مختلف آن ساخته شده‌اند به کار می‌رود.

♦ Despite the existence of strict calligraphic cannon

با وجود وجود قواعد و قوانین سخت‌خوشنویسی ← به علی‌رغم/ به رغم وجود...

♦ A single unit

واحد واحدی/ یک واحد واحد ← یک واحد مجزا،

واحدی مستقل/ واحدی جداگانه/ یک واحد اختصاصی

#### □ «به‌عنوان» زاید

هر واژه‌ای از مجموعه‌ای از عناصر معنایی یا مؤلفه‌هایی تشکیل می‌شود که هنگام استفاده یا خواندن یا شنیدن آنها، این مؤلفه‌ها خود به خود به ذهن متبادر می‌شود. واژه *as* در فعلهایی مانند *known, consider, regard* به همان معنای «به‌عنوان» است. اما معادلهای این فعلهای انگلیسی همراه با *as*، در فارسی نیازی به ساختار «به‌عنوان» ندارند. به عبارت دیگر، فعلهایی نظیر *به‌حساب آوردن، به‌شمار رفتن، به‌شمار آوردن، تلقی کردن، پنداشتن، انگاشتن، قلمداد کردن، شمردن، محسوب کردن، فرض کردن* و ... خود مؤلفه معنایی «به‌عنوان» را در خود دارند. بنابراین، هنگام استفاده از این فعلها در مقابل *regard as* یا *known as* و جز آن آوردن ساختار «به‌عنوان» زاید و اضافی است و نوشته را ترجمه‌گون می‌سازد.

I regard it as one of my masterpieces.

ترجمه‌گون: آن را به‌عنوان یکی از شاهکارهایم می‌دانم.

درست: آن را یکی از شاهکارهایم می‌دانم.

Parents were still regarded as being responsible for the control of their children.

ترجمه‌گون: والدین را هنوز به‌عنوان مسئول کنترل فرزندانشان تلقی می‌کردند.

درست: والدین را هنوز مسئول کنترل فرزندانشان تلقی می‌کردند.

### □ قیدِ زمان + for

حرف اضافه درواقع معنا و کاربردش را از متنی که در آن به کار رفته است می‌گیرد. برای ترجمه حروف اضافه ابتدا باید نقش و کاربردش را در جمله تشخیص داد و سپس معنای آن را به گونه‌ای که در زبان مقصد رایج و متداول و طبیعی است انتقال داد. یکی از نقش‌های حرف اضافه for این است که مدت زمان انجام عملی را نشان می‌دهد. در این صورت، یک قید زمان بعد از آن قرار می‌گیرد. مترجمان ناشی و ترجمه‌آموزان غالباً for را به «برای» ترجمه می‌کنند و سپس قید زمان را می‌آورند، در حالی که در زبان فارسی خود عبارت قیدی برای نشان دادن مدت زمان کافی است. از سوی دیگر، از «به‌مدت» هم می‌توان استفاده کرد. ترجمه for centuries به «برای قرن‌ها» در زبان فارسی رایج نیست و باید گفت: «قرن‌ها».

The weather had been bad for several days.

چند روز بود که هوا بد بود ( نه «هوا برای چند روز بد بود» )

For years Mary was unable to find a job.

مری چند سال نتوانست کار پیدا کند.

We talked for a while.

چند لحظه حرف زدیم.

I am going away for a few days.

چند روز نیستم.

I have known him for a long time.

خیلی وقت است که می‌شناسمش / مدت مدیدی است که او را می‌شناسم.

This money does not last for ever.

این پول تا ابد دوام نخواهد داشت.

“For fifteen years, fledgling and bird, I’ve flown this country”, said the eagle, “and I assure you there is no such thing as air crystallizing.

(James Thurber 1972: 298)

یازده سال است، چه آن وقت که جوجه بودم و چه وقتی که پرنده کاملی شدم، در این منطقه پرواز کرده‌ام ... خاطرتان جمع باشد

که یک چنین چیزی در کار نیست که هوا شیشه‌ای بشود.\*

\* لازم به ذکر است، کتابشناسی «نکته‌ها و ناگفته‌های ترجمه» همراه با آخرین بخش این مجموعه خواهد آمد.

## آشنایی با اندیشمندان ترجمه

فاطمه مهدی‌برزی\*

دانش آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبایی

(قسمت اول)



تاریخ ترجمه تاریخی طولانی است که با مفاهیم و نظریه‌های ساده شروع شده و تا پیچیده‌ترین نظریه‌ها رشد کرده است. برای آشنایی بیشتر با رشته مطالعات ترجمه، دانشجویان این رشته می‌بایست از این نظریه‌ها و در نتیجه نقاط ضعف و قوت آنها آگاهی داشته و از موقعیتی که این مفاهیم در آن ایجاد شده، علت گسترش یا محدود شدن آنها به دوره‌های خاص و در نتیجه میزان اهمیت آنها آگاهی داشته باشند. به همین منظور، در مجموعه مقالاتی که با عنوان «اندیشمندان ترجمه» در این مجله به چاپ می‌رسد، دوران ترجمه را از لحاظ زمانی به بخش‌های متفاوت تقسیم می‌کنیم و مشهورترین اندیشمندان و نظریه‌پردازان هر دوره را نام برده و با رویکردهای آنها به طور خلاصه آشنا می‌شویم.

### دوره اول:

#### قبل از میلاد مسیح تا آغاز قرون وسطی

تحقیقات نشان داده است که اولین آثار ترجمه به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد و زمان فراغت مصر برمی‌گردد. محققان دست نوشته‌هایی دو زبانه یافته‌اند که مربوط به دو قرن قبل از میلاد است. یهودیان نیز پس از بازگشت از بین النهرین و احساس نیاز به درک متون مقدس، از وجود مترجمان بهره بردند. تورات (عهد عتیق) حدود ۱۳۰ سال قبل از میلاد مسیح از عبری به یونانی ترجمه شد. حضرت یوسف نیز پس از سالها دوری از برادران قادر به فهم زبان آنها نبود و در نتیجه برای صحبت با برادران خود از مترجمان شفاهی کمک می‌گرفت. در پرسپولیس که پایتخت ایران در زمان پادشاهی داریوش بود نیز دست‌نوشته‌هایی سه‌زبانه به زبانهای فارسی، اکدی و عیلامی یافت شده که مربوط به ۵۱۳ سال قبل از میلاد مسیح است.

درحقیقت در طول تاریخ مترجمان افرادی واسط بین زبانهای مختلف بوده‌اند و حضور آنها باعث تسریع در رشد علم، گسترش دانش بشری و ارتباط آسان‌تر افراد با زبانها و فرهنگهای مختلف در سراسر دنیا گردیده است.

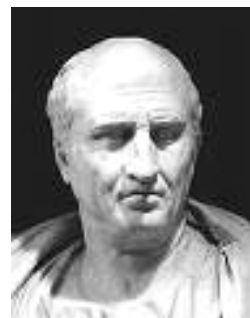
\* f\_mehdiarzi@yahoo.com

دردوران قبل از میلاد مسیح تا آغاز قرون وسطی، اندیشمندان یهودی که معتقد به ترجمه کلمه به کلمه متون مقدس بودند، به نظریه اهمیتی نمی‌دادند، چرا که هیچ تردیدی در ترجمه تحت‌اللفظی تورات نداشتند. آنها برای متون مقدس بیشترین ارزش را قائل می‌شدند، چرا که آن را کلام خدا می‌دانستند.

بنابراین، در این دوره هیچ نظریه‌ای وجود نداشت و اگر هم اندیشمندی یافت می‌شد که نظریه‌ای داشته باشد، همواره تلاش در پنهان سازی آن داشت. نمود بارز این دوران توجه به ترجمه کلمه به کلمه بخصوص در مورد انجیل بود. اما کم‌کم ترجمه متون مقدس از متون دیگر متفاوت گردید، زیرا مترجمان در متون دیگر سعی در ترجمه آزاد داشتند و به هدف نویسنده از نگارش متن توجه می‌کردند. از معروفترین اندیشمندان این دوره می‌توان از سیسرو<sup>۱</sup>، هوراس<sup>۲</sup> و سنت جروم<sup>۳</sup> نام برد.

### مارکوس سیسرو (۴۳-۱۰۶ ق.م.)

وی ترجمه را به دو دسته آزاد (free) و تحت‌اللفظی (literal) تقسیم کرد. به عقیده وی ترجمه تحت‌اللفظی کاری بی ارزش است و مترجم می‌بایست در ترجمه خویش معنا را به خواننده منتقل کند و از ترجمه کلمه به کلمه بپرهیزد. تقسیم‌بندی‌های بعدی ترجمه به ترجمه واژه به واژه (word-for-word) و ترجمه مفهوم به مفهوم (sense-for-sense) توسط سنت جروم ریشه در تقسیم‌بندی سیسرو دارد. سیسرو معتقد بود که نباید متون را سطحی ترجمه کرد و باید برای انتقال و برگردان معنی و مفهوم آن ارزش قائل



شد.

### کوینتوس هوراس (۸-۶۵ ق.م.)

به عقیده وی که یکی از بزرگترین شعرای لاتین و نیز طنزپرداز بزرگ بوده، مترجم شعر می‌بایست از ترجمه کلمه به کلمه بپرهیزد تا بتواند در ترجمه خود موفق باشد. برای وی وفاداری، بیشتر به معنای حفظ معنا بوده تا برگردان مستقیم کلمات نویسنده و بنابراین، مانند سیسرو معتقد به ترجمه معنایی بود تا ترجمه تحت‌اللفظی.

در دوران این دو اندیشمند، مترجمان افرادی شمرده می‌شدند که متون را به صورت تحت‌اللفظی و کورکورانه به زبان مقصد برمی‌گردانند. این دو می‌خواستند مترجمان متون ادبی و خطابه‌ها را از این حقیقت آگاه سازند که نباید از هنجارهای ضمنی ترجمه استفاده



کنند، بلکه باید خود اصولی جدیدتر، آزادتر و خلاقانه‌تر ایجاد و از آن تبعیت کنند.

### سنت جروم (۴۱۹-۳۴۷ م.)

ترجمه وی از انجیل از زبانهای عبری و یونانی به زبان لاتین که به Vulgate شهرت دارد سبب شناخته شدن و بقای نام این اندیشمند گردید. نکته جالب آنکه این ترجمه بیش از هزار سال مورد استفاده قرار گرفت.



<sup>1</sup> Marcus Tullius Cicero سیسرو

<sup>2</sup> Quintus Horatius Flaccus Horace کوینتوس هوراتیوس فلاکوس

<sup>3</sup> Eusebius Sophronius Hieronymus Jerome ائوسیبوس سوفرونیوس هیرونوموس جروم

به عقیده جروم، بجز متون مقدس که قابل تفسیر نیست و می‌بایست به صورت کلمه به کلمه به زبان مقصد برگردانده شود، متون دیگر باید به صورت معنایی ترجمه شود. وی ترجمه را به دو دسته ترجمه واژه به واژه و ترجمه مفهوم به مفهوم تقسیم کرد.

ترجمه واژه به واژه برای وی ترجمه‌ای بی‌اعتبار است که به دلیل فاصله نگرفتن از شکل مبدأ، ترجمه‌ای بی‌ارزش است و باعث پنهان ماندن معنای آن می‌گردد.

ترجمه مفهوم به مفهوم برای وی ترجمه‌ای مطلوب است که در آن معنا و مفهوم متن مبدأ حفظ می‌گردد و به زبان مقصد برگردانده می‌شود. وی مترجم را مانند تسخیرگری می‌داند که به زبان مبدأ حمله می‌برد، متن آن را تسخیر می‌نماید و به زبان مقصد منتقل می‌کند.

## دوره دوم:

### قرون وسطی (۱۵۰۰-۵۰۰ م.)

در این دوره هزارساله رویدادهای بسیاری در زمینه‌های متفاوت از جمله ترجمه پدید آمد. از طرفی، امپراتوری مسلمانان به سرعت رشد کرد، به گونه‌ای که هیچ قدرتی نمی‌توانست مانع از گسترش آن شود و از طرف دیگر، جنگهای متعدد داخلی در اروپا عامل ویرانی، فقر و بیکاری گردید. در این دوره کتابهای ارزشمند بسیاری سوزانده و یا ناپدید شد که متعاقباً مانع رشد علم گشت.

از قرن پنجم تا هفتم هیچ کار اندیشمندانه‌ای در زمینه ترجمه صورت نپذیرفت، مگر تعداد اندکی ترجمه جدید انجیل که تحت تأثیر رویکرد جروم انجام شده بود.

زید بن ثابت که یکی از نزدیکان پیامبر (ص) بود به زبان عبری و عربی آشنایی کامل داشت و به یهودیان مکه کمک می‌کرد تا با پیامبر به زبان عربی مکاتبه داشته باشند. در دوره ظهور اسلام، طلیطله یا تولدو<sup>۱</sup> در اسپانیا مرکز ترجمه و تجمع اندیشمندان ترجمه و زبان‌شناسی از سراسر جهان گشت. بسیاری از اندیشمندان یهودی، مسیحی و مسلمان شروع به تحقیق کردند و در تولدو و قرطبه یا کوردووا<sup>۲</sup> به نگارش کتاب پرداختند. در این دوره بیشتر مترجمان راهبه‌ها و اندیشمندان تحصیلکرده بودند که با زبان رسمی و محاوره‌ای آشنا بودند.

از قرن دهم شعر به زبانهای مختلف ترجمه شد. در قرن یازدهم اروپائیان کم‌کم با آسیایی‌ها و سنت و زبان آنان آشنا شدند و این امر منجر به تغییراتی گسترده شد که نهایتاً زمینه ساز رنسانس و پایان قرون وسطی گردید.

مشاجره بر سر ترجمه آزاد و تحت‌اللفظی منجر به پدیدار شدن نظریه‌های جدید در قرون بعدی شد. در این دوران وفاداری به متن از اولویت برخوردار بود تا آنجا که استفاده از عباراتی مانند «طبق آنچه که شنیده‌ام»، «طبق داستان» و غیره در ترجمه‌ها معمول گردید. نظریه‌ها کم‌کم پدیدار گشتند و مترجمان در پرکردن شکافهای معنایی از ترجمه آزاد استفاده کرده و هم‌چنین به ارائه توضیحات در پانویس رو آوردند.

از اندیشمندان ترجمه در این دوره می‌توان از آلفرد کبیر، آلفریک، موسی بن میمون و جفری چاوسر نام برد.

<sup>1</sup> Toledo

<sup>2</sup> Cordova

آلفرد کبیر<sup>۱</sup> (۸۹۹-۸۴۹ م.)

وی پادشاه ساکسون غربی بود و علاقه‌اش به جمع کردن کتابهای هنری، فلسفی و مذهبی به زبان انگلیسی باعث ترجمه کتابهای مفید زیادی از زبان لاتین به انگلیسی شد. وی تلاش کرد که فرهنگ و تحصیل علوم را در اروپا و بویژه در انگلیس رواج دهد. روش خاص وی در ترجمه آن بود که ابتدا متن لاتین را به نثر انگلیسی و سپس این نثر را به شعر ترجمه می‌کرد. آلفرد کبیر پیرو سنت جروم بود و گاهی متن را واژه به واژه و گاهی آنرا مفهوم به مفهوم ترجمه می‌کرد.

آلفریک<sup>۲</sup> (م ۱۰۱۰-۹۵۶)

وی یکی از نویسندگان انگلوساکسون به شمار می‌آید که کتابهای زیادی برای آموزش راهبه‌ها و هم‌چنین انتشار تعلیمات رهبانی در جوامع دیگر به تحریر درآورد. وی به ترجمه مفهوم به مفهوم جروم معتقد بود و طرفدار استفاده محض از کلمات زبان مادری بود. آلفریک گاهی به جای ترجمه به تفسیر می‌پرداخت و معتقد بود که این رویکرد مانع از آن می‌شود که ترجمه برای خواننده خسته کننده شود.

موسی بن میمون<sup>۳</sup> (۱۲۰۴-۱۱۳۵ م.)

اندیشمند قرن دوازدهم، فیلسوف، حقوقدان و فیزیکدان یهودی که به زبان عبری و عربی آشنایی کامل داشت. گرچه او خود مترجم نبود، نظرات وی در مورد ترجمه الهام بخش افرادی بود که در کار ترجمه دست داشتند. موسی بن میمون معتقد بود که ترجمه کلمه به کلمه به طور کلی باعث ایجاد ترجمه‌ای گیج کننده و نامفهوم می‌شود.

جفری چاوسر<sup>۴</sup> (۱۴۰۰-۱۳۴۰ م.)

نویسنده و مترجم. وی در ترجمه خود از کلمات بومی استفاده می‌کرد که از کلمه مورد نظر در متن اصلی سرچشمه می‌گرفت و هم‌چنین گاهی کلماتی از زبان مبدأ را مستقیماً وارد متن مقصد می‌نمود. چاوسر در ترجمه خود در کنار اسامی خاص، مرجع آن را نیز ذکر می‌کرد. مثلاً اینکه انسان، کوه، دریاچه و غیره و ترجمه تحت‌اللفظی و معنایی را به انشای ادبی عالی ترجیح می‌داد.



## منابع

- فرحزاد، فرزانه، غلامرضا تجویدی و مزدک بلوری. فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. شاتلورت و کاوی. تهران: یلدا قلم. ۱۳۸۵.

Mehdibarzi, F. (2007). *Translation Scholars*. Tehran: Daneshgahian.

Miremadi, A. (2003). *Theories of Translation and Interpretation*. Tehran: SAMT.

Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies: The Theories and Applications*. London and New York: Routledge.

Robinson, D. (1998). "Normative Model" In: M. Baker. ed. *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. London and New York: Routledge, p.p.161-163

<sup>1</sup> Alfred The Great

<sup>2</sup> Aelfric

<sup>3</sup> نگارش نام موسی بن میمون در زبان انگلیسی

<sup>4</sup> Geoffrey Chaucer

# پایان نامه ها

گردآوری: امید احمدی

## این شماره: پایان نامه های کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات\*

(قسمت دوم)

### ♦ *Structural Shifts in Translation of Children's Literature*

By: Monireh Akbari, Advisor: Dr. G. Tajvidi, Reader: Dr. F. Farahzad, 2006

عنوان: تغییرات ساختاری در ترجمه ادبیات کودکان / منیره اکبری

- به راهنمایی دکتر غلامرضا تجویدی، به مشاوره دکتر فرزانه فرحزاد، ۸۶-۱۳۸۵

موضوع تغییر بی شک از مهمترین مسائل در عرصه ترجمه است. محققان بسیاری پدیده «تغییر در ترجمه» را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داده اند. پدیده تغییر انواع مختلفی دارد. در این تحقیق، محقق به بررسی انواع تغییرات ساختاری در ترجمه ادبیات کودکان از انگلیسی به فارسی پرداخته است و تأثیر این تغییرات را در انتقال معنی مورد نظر نویسنده به خواننده، مورد بررسی قرار داده است.

برای این منظور، ده کتاب داستان انگلیسی نوشته شده برای گروه سنی الف و ترجمه آن ها برگزیده شده و با استفاده از روش مقابله جملات متن مبدأ و مقصد، داده های تحقیق جمع آوری گردیده است.

داده های تحقیق از نظر ساختار جمله بررسی شده و تغییرات ساختاری تحت عناوین «حذف و اضافه»، «ترتیب قرار گیری عناصر جمله» و «وجه جمله و زمان جمله» طبقه بندی شده است.

در پایان، محقق پربسامدترین تغییرات ساختاری را که عمدتاً از نوع ترتیب قرار گیری جمله هستند و میزان تأثیر تغییرات ساختاری را در انتقال معنی مورد نظر نویسنده گزارش نموده است.

❦ ❦ ❦ ❦

### ♦ *A Contrastive Analysis of English-Persian Translating Softwares: Efficiency in Translating English Political Terms into Persian*

By: Mohsen Sagharchi, Advisor: Dr. F. Farahzad, Reader: Dr. G. Tajvidi, 2004

عنوان: مقایسه تحلیلی نرم افزارهای ترجمه انگلیسی به فارسی و توانایی آنها در ترجمه متون سیاسی انگلیسی به فارسی / محسن ساغرچی

- به راهنمایی دکتر فرزانه فرحزاد، به مشاوره دکتر غلامرضا تجویدی، ۱۳۸۳

این تحقیق به مقایسه تحلیلی نرم افزارهای ترجمه انگلیسی به فارسی و توانایی آنها در ترجمه متون سیاسی انگلیسی به فارسی می پردازد.

\* متن اصلی پایان نامه های مذکور همگی به زبان انگلیسی است.



ترجمه ماشینی علمی نظری نبوده بلکه به کارگیری کامپیوتر، زبان، لغت نامه و فنون در یک فرایند عملی است. به این ترتیب، ترجمه ماشینی هرگز نمی‌تواند یک ترجمه سلیس و روان باشد. با این فرض که نرم‌افزارهای فعلی ترجمه ماشینی توانایی ترجمه متون انگلیسی به فارسی را ندارند و برای تحقیق در این راستا، ۵ مقاله به زبان انگلیسی از منابع اینترنتی که همزمان متون مذکور توسط مترجمان ماهر که این مقالات را برای دو روزنامه معروف ترجمه کرده بودند جمع آوری گردید، سپس مقالات اصلی (انگلیسی) به دو نرم‌افزار مترجم پارس و پدیده داده شد و متون ترجمه شده توسط هر دو نرم‌افزار با متون ترجمه شده توسط مترجمان حرفه‌ای، مقایسه گردید.

نتیجه بدست آمده نشان داد که در بعضی نمونه‌ها در سطح کلمه معادلها همانند معادل داده شده توسط مترجمان بوده ولی به طور کلی نرم‌افزار پارس و پدیده توانایی ترجمه متون سیاسی را دارا نیستند.



### ◆ Translation of English Noun Pre-Modifiers

By: Fariba Teyebnama, Advisor: Dr. Y. Samareh, Reader: Parviz Birjandi, 2006

عنوان: ترجمه وابسته‌های پیشرو اسم در زبان انگلیسی / فریبا طبیب نما

- به راهنمایی دکتر یدالله ثمره، به مشاوره دکتر پرویز بیرجندی، ۸۶-۱۳۸۵

تحقیق حاضر کوششی است جهت ارائه راهبردهای ترجمه وابسته‌های پیشرو اسم از انگلیسی به فارسی بر پایه نظریه دستور زایشی گشتاری چامسکی. این وابسته‌ها در انگلیسی به هشت گروه تقسیم می‌شوند که به قرار زیر است:

۱- حروف تعریف / ۲- صفات اشاره / ۳- کمیت نمادها / ۴- اعداد / ۵- صفات ملکی / ۶- صفات استفهامی / ۷- گروه‌های صفتی / ۸- متمم‌های اسمی

از آنجایی که این مطالعه بر مبنای دستور گشتاری استوار است، قواعد آن، جملات روساخت و زیرساخت، قوانین ساخت گروهی، نمودار درختی، برخی ویژگی‌های این دستور و قوانین گشتاری برای شناخت و تحلیل سازه‌ها به اختصار شرح داده می‌شود. به تعبیر دستور گشتاری، جملات انگلیسی دارای دو سازه عمده اجباری، یعنی گروه اسمی و گروه فعلی هستند و گروه‌های دیگر، عناصر اختیاری جمله محسوب می‌شوند.

این تحقیق با نشان دادن این موضوع که گروه اسمی بخش عمده‌ای از ساختار جملات انگلیسی را تشکیل می‌دهد در وهله اول؛ تعریف، صورت ظاهری، ساختار، و جایگاه گروه اسمی و نیز وابسته‌های پیشرو اسم به‌عنوان معیار شناسایی اسم در انگلیسی را معرفی نموده، آنگاه برای هر یک از آنها مثال‌هایی از پیکره تحقیق ارائه می‌کند. در مرحله دوم؛ تعریف، صورت ظاهری، ساختار و جایگاه گروه اسمی و وابسته‌های پیشرو اسم در فارسی مطرح شده و بر پایه تحلیل مقابله‌ای، ترجمه‌های معادل وابسته‌های انگلیسی به فارسی در جدولهای مربوط به هر یک نشان داده و طبقه‌بندی شده‌اند.

سپس ترجمه معادل آنها در جملات فارسی ارائه و نهایتاً در مورد هر یک از پیشروهای اسم نتیجه‌گیری و طبقه‌بندی انجام شده است. پیکره این تحقیق دو زبانه بوده و شامل جملاتی از انگلیسی است که وابسته‌های پیشرو را در بر دارد. آخرین بخش تحقیق به مقایسه توالی وابسته‌های پیشرو اسم در جملات انگلیسی و ترجمه آنها به فارسی اختصاص دارد.



### ◆ *Structural Correspondence in Translation of English Compound Nouns into Persian*

By: Seyed Hossein Heydari, Advisor: Dr. G. Tajvidi, Reader: Dr. F. Farahzad, 2006

عنوان: ترجمه پذیری ساختاری اسمهای مرکب (انگلیسی به فارسی) / سید حسین حیدریان

- به راهنمایی دکتر غلامرضا تجویدی، به مشاوره دکتر فرزانه فرحزاد، ۸۵-۱۳۸۴

چه در زبان فارسی و چه انگلیسی، واژه‌های مرکب نقش مهمی را در واژه‌سازی ایفا می‌کنند. ما معمولاً با واژه‌های مرکبی روبرو هستیم که معنی آنها را مستقیماً از معنی اجزاء ترکیب دهنده آنها نمی‌توانیم استنباط کنیم. از سویی، پیدا کردن معنی این واژه‌ها در یک فرهنگ دوزبانه همیشه ممکن نیست. تطابق ساختاری می‌تواند معیار خوبی برای تعیین حوزه‌های ترجمه‌پذیری باشد. این معیار به صورت نسبت مجموع معادل‌های پیشنهادی ساختاری در یک فرهنگ دوزبانه بخصوص به مجموع معادل‌های موجود در مدخل مربوطه در آن فرهنگ تعریف می‌شود.

بررسی واژه‌های مرکب انگلیسی که با سه حرف الفبای A، I و L شروع می‌شوند (در فرهنگ انگلیسی-فارسی معاصر، تألیف محمدرضا باطنی و دستیاران) نشان داد که نسبت تطابق ساختاری در مورد معادل‌های انگلیسی در فارسی عدد ۰,۲۵ است. این تحقیق همچنین نشان داد که نمی‌توان در هیچیک از حوزه‌های تعریف شده واژه‌های مرکب به یک تطابق ساختاری یک به یک دست یافت. بالاترین میزان تطابق ساختاری در میان تمام انواع واژه‌های مرکب، مربوط به نوع واژه‌های مرکب ترکیبی (combining forms) با میزان ۰,۴۳ است.

شیوه نگارش یا رسم‌الخط واژه‌های مرکب چه در فارسی و چه در انگلیسی در هر فرهنگ واژگان متفاوت است. زبان فارسی از نظر شیوه نگارش به گونه خاصی عمل می‌کند. نویسندگان امروزی تر معمولاً - آن‌طور که فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی پیشنهاد کرده است - از فاصله مجازی استفاده می‌کنند. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که امکان استفاده از خط تیره (hyphen) به جای فاصله مجازی، برای ساختن و نوشتن واژه‌های مرکب جدید خصوصاً در برخی از حوزه‌های واژگانی راهکاری تازه و توجیه‌پذیر است.

✽ ✽ ✽ ✽

### ◆ *Explication of Cohesive Devices*

By: Mohammad Nejat Sabet, Advisor: Dr. G. Tajvidi, Reader: Dr. F. Farahzad, 2006

عنوان: تصریح ابزارهای انسجامی / محمد نجات سabet

- به راهنمایی دکتر غلامرضا تجویدی، به مشاوره دکتر فرزانه فرحزاد، ۸۵-۱۳۸۴

این تحقیق با استفاده از یک پیکره زبانی، به بررسی خصوصیت تصریح می‌پردازد که یکی از جهانی‌ها در ترجمه تلقی می‌شود. یافته‌های این تحقیق بر اساس بررسی مقابله‌ای انجام گرفته بر روی یک پیکره زبانی موازی از زبانهای انگلیسی و فارسی است که هدف آن ارزشیابی نیست. در این پایان‌نامه، یک پیکره زبانی حدوداً بیست هزار کلمه‌ای متشکل از متون نوشته به زبان انگلیسی همراه با ترجمه همان متون به زبان فارسی به کار گرفته شد تا بر مبنای آن بسامدهای ابزارهای انسجامی (مرجعها، حروف ربطی) در آنها با یکدیگر مقایسه شود. طبقه‌بندی ابزارهای انسجامی به کار رفته در متون بر اساس مطالعات هلیدی و حسن انجام گرفت. هدف از این تحقیق محک زدن فرضیه تصریح در بستر زبان فارسی بود و اینکه آیا ابزارهای انسجامی متن در فرایند ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی تصریح می‌شوند یا خیر. نتایج بررسی‌ها نشان داد که به طور کلی ابزارهای انسجامی در تمامی متون مقصد تصریح شدند. بر اساس تعریفی که از تصریح ارائه شد یافته‌های این تحقیق، فرضیه بلوم کولکا را تأیید کردند به این معنا که در تمامی متون مقصد تبدیل‌های تصریح کننده یافت شد. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده که با فرضیه تصریح هم‌راستا بودند، می‌توان نتیجه گرفت که تصریح ابزارهای انسجامی خصوصیتی ذاتی در روند ترجمه است.

### ◆ *Translation Strategies: A Gender-Based Approach*

By: Maryam Vetr Shiraz, Advisor: Dr. Hussein Mollanazar, Reader: Dr. F. Farahzad, 2006

عنوان: راهکارهای ترجمه: تحلیل جنسیت‌گرا / مریم وتر شیراز

- به راهنمایی دکتر حسین ملانظر، به مشاوره دکتر فرزانه فرحزاد، ۸۵-۱۳۸۴

هدف تحقیق حاضر شناخت روابط میان ترجمه زنان و مردان به لحاظ ویژگیهای زبانی از طریق (۱) بررسی ویژگیهای زبانی آنان بدون توجه به جنسیت نویسنده متن مبدأ و (۲) تعیین تفاوت آنان در ترجمه یک اثر زنانه بود. ویژگیهای زبانی مورد بررسی عبارت بودند از ساختار جمله، طول جمله، و تراکم واژگانی. در واقع، پایان نامه حاضر با رویکردی جنسیت‌گرا به دنبال تعیین استراتژی زنان و مردان در ترجمه بوده است.

متون مورد بررسی، ترجمه‌های چهار رمان و مجموعه داستان انگلیسی‌اند که هر یک توسط یک مرد و یک زن ایرانی به فارسی برگردانده شده‌اند. از تحلیل متن برای مقایسه ترجمه‌های زنان و مردان و از تی-تست برای مقایسه میانگین عملکرد زنان و مردان و عبارت دیگر سنجش معنادار بودن تفاوتها استفاده شد.

تفاوتهای مشاهده شده میان ترجمه افراد دو گروه مورد مطالعه در مورد بکارگیری انواع جمله؛ یعنی جمله ساده، همپایه (ناوابسته)، و ناهمپایه (وابسته) به طور جداگانه، و در مجموع جمله‌های همپایه و ناهمپایه، حاکی از آن است که تفاوت معناداری به لحاظ پیچیدگی جمله میان ترجمه زنان و مردان وجود ندارد. در خصوص طول جمله و تراکم واژگانی نیز تفاوت معناداری میان زنان و مردان مشاهده نشد. در ترجمه یک اثر زنانه توسط مترجمان زن و مرد نیز ویژگی‌ای که بتوان آن را به جنسیت مترجمان نسبت داد یافت نشد.

### ◆ *The Effect of Back Translation on the Assessment of Front Translation*

By: Behnam Gharacheh, Advisor: Dr. Mohammad Khatib, Reader: Dr. K. Mahmoodzadeh, 2005

عنوان: تأثیر روش ترجمه معکوس در ارزیابی کیفیت ترجمه / بهنام قراچه

- به راهنمایی دکتر محمد خطیب، به مشاوره دکتر کامبیز محمودزاده، ۵۵-۱۳۸۳

الف- موضوع و طرح مسئله: این تحقیق به منظور مشخص کردن تأثیر و اهمیت روش ترجمه معکوس در تعیین کیفیت ترجمه از زبان مبدأ (در اینجا انگلیسی) به زبان مقصد (در اینجا فارسی) می‌باشد. همچنین تأثیر این روش در تعیین توانایی مترجمان نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ب- مبانی نظری، پرسشها و نظریه‌ها: چارچوب نظری به کار گرفته شده در این تحقیق بر این پایه استوار است که با مقایسه متن اصلی و متن ترجمه معکوس می‌توان به نقاط قوت و ضعف مترجم پی برد.

ج- روش تحقیق، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش به کار گرفته شده در این تحقیق روش آماری بوده که برای دستیابی به این منظور از ۳۰ نفر مترجم منتخب از شهرستان‌های تهران و اصفهان خواسته شده که یک متن سیاسی را از زبان فارسی به زبان انگلیسی برگردانند. لازم به توضیح است که متن اصلی به زبان انگلیسی می‌باشد.

د- یافته‌ها و نتیجه‌گیری: آمار و ارقام در تحقیق انجام گرفته نشان داد که مترجمان مورد مطالعه به ترتیب در الگوهای گرامری، استفاده از لغات مناسب و فهم متن مورد ترجمه ضعیف می‌باشند که این نکته در مخدوش شدن هسته اصلی روش ترجمه معکوس بسیار مؤثر بوده و لازم است که مترجمان زیر دست جهت ترجمه معکوس به کار گرفته شوند. به طور کلی، این روش در تعیین عملکرد مترجم بسیار مفید می‌باشد.

## کتابشناسی ترجمه

در باره ترجمه \*

## کتابهای مرجع مورد نیاز مترجمان

حسین حیدری تبریزی\*

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان (گروه مترجمی زبان انگلیسی)

## فارسی به فارسی

نام فرهنگ	نام نویسنده	انتشارات
۱- لغت‌نامه دهخدا + امثال و حکم	علامه دهخدا	لغت‌نامه
۲- فرهنگ فارسی امروز	غلامحسین افشار و همکاران	فرهنگ معاصر ویرایش جدید ۱۳۸۱
۳- کتاب کوچک (۱۲ جلد تاکنون)	احمد شاملو	انتشارات مازیار
۴- فرهنگ فارسی عامیانه ۲ جلد	ابوالحسن نجفی	انتشارات نیلوفر ۱۳۷۸
۵- فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد فارسی	فرج الله خداپرستی	دانشنامه فارس ۱۳۷۶
۶- فرهنگ بزرگ سخن ۸/۲/۱ جلدی	حسن انوری و همکاران	انتشارات سخن ۱۳۸۱

## فارسی به انگلیسی (عمومی)

۱- فرهنگ فشرده فارسی به انگلیسی	دکتر عباس و دکتر منوچهر آریانپور	امیر کبیر ۱۳۵۵
۲- فرهنگ حمیم ویراست جدید	سلیمان حمیم	فرهنگ معاصر
۳- فرهنگ پیشرو آریانپور ۴/۱ جلدی	دکتر منوچهر آریانپور کاشانی	۱۳۸۲
۴- فرهنگ کیمیا	کریم امامی	فرهنگ معاصر ۱۳۸۵

## انگلیسی به فارسی (عمومی)

۱- فرهنگ ۶ جلدی پیشرو آریانپور	دکتر منوچهر آریان پور کاشانی	۱۳۷۶
۲- فرهنگ هزاره ۲/۱ جلدی	دکتر علی محمد حق شناس	فرهنگ معاصر ۱۳۸۰
۳- فرهنگ معاصر (یک جلدی) / فرهنگ پویا (دو جلدی)	دکتر محمد رضا باطنی و دستیاران	فرهنگ معاصر ویراست سوم ۱۳۸۵
۴- فرهنگ انگلیسی-فارسی	محمد رضا جعفری	نشر نو - فاخته ۱۳۷۶

دو زبانه تخصصی مترجمان

۱- واژه‌نامه ویراستاران	محمد رضا محمدی فر	وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۷۷
۲- فرهنگ مترجم	غلامحسین صدری افشار و همکاران	انتشارات نیلوفر ۱۳۷۳

شیوه‌نامه‌ها و راهنماهای نگارش

۱- راهنمای آماده ساختن کتاب	میرشمس‌الدین ادیب سلطانی	ویراست سوم انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۱
۲- غلط نویسیم	ابوالحسن نجفی	نشر دانشگاهی ویراست دهم ۱۳۸۱
۳- شیوه‌نامه ویرایش (۷ جلد)	محمد رضا محمدی فر	وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۸۱
۴- شیوه‌نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی	ماندانا صدیق بهزادی	نشر دانشگاهی / فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۱
۵- دستور خط فارسی		فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۱
۶- تبیین و تدوین قواعد املائی فارسی	رحیم رضازاده ملک	گلاب ۱۳۸۰
۷- واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واژه‌های عمومی - ۱	گروه واژه‌گزینی	فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۶ ویرایش دوم ۱۳۷۸
۸- واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی: واژه‌های عمومی - ۲	گروه واژه‌گزینی	فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۷
۹- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان دفترهای اول تا چهارم	گروه واژه‌گزینی	فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵
۱۰- شیوه‌های لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی در رشته‌های علمی (همراه با نقد کامل لغات ساخته شده در فرهنگستان زبان و ادب فارسی)	امید مجد	نشر امید مجد ۱۳۸۴
۱۱- شیوه‌نامه‌های ایران: راهنمای استناد به منابع اطلاعات فارسی و انگلیسی	سیروس علیدوستی، فخرالسادات محمدی، حمید کشاورز و محمد ابویی اردکان	وزارت فرهنگ، آموزش عالی و فناوری + پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران
۱۲- فرهنگ درست‌نویسی سخن	یوسف عالی عباس آباد	انتشارات سخن ۱۳۸۵

فرهنگهای تخصصی / واژه‌نامه‌ها

۱- فرهنگ غرغریون	جاناناتان گرین	ترجمه محمد علی مختاری اردکانی	نشر ویستار ۱۳۸۰
۲- لغات و اصطلاحات سیاسی	دکتر نوروزی خیابانی	انگلیسی به فارسی	ویراست دوم نشر نی ۱۳۸۴
۳- اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی (۲ جلد)	فارسی به انگلیسی انگلیسی به فارسی	به سرپرستی بهاء‌الدین خرمشاهی	آستان قدس ۱۳۷۲
۴- واژه‌نامه نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی	حسن هاشمی میناباد		نشر فهرستگان ۱۳۷۹
۵- فرهنگ اقتصادی	دکتر منوچهر فرهنگ		چاپ هشتم نشر پیکان ۱۳۷۹

۱۳۷۹	انتشارات فرشاد	ترجمه ملیحه کرباسیان	کوپر جین	۶- فرهنگ مصور نمادهای سنتی
۱۳۷۸	فرهنگ معاصر	دکتر محمد تقی براهنی و دیگران	انگلیسی به فارسی به انگلیسی	۷- واژه‌نامه روانشناسی و زمینه‌های وابسته
۱۳۷۷	دشتستان	فارسی به انگلیسی	مسعود الظفر صمیمی کیا فروز آذر فرهنگی زاده	۸- فرهنگ حقوقی
چاپ ششم امیر کبیر ۱۳۷۶		انگلیسی به فارسی	بهمن کشاورز	۹- فرهنگ حقوقی
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹			دکتر محمد جعفر یاحقی	۱۰- فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی
چاپ سوم قومس ۱۳۷۶		ترجمه دکتر پرویز بیرجندی و دیگران	انگلیسی به فارسی آکسفورد	۱۱- فرهنگ اصطلاحات
چاپ سوم یاسمن ۱۳۷۵		محمد تقی فرامرزی	انگلیسی به فارسی	۱۲- فرهنگ اصطلاحات
انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۵		شاپور اردشیرچی	انگلیسی به فارسی	۱۳- فرهنگ اصطلاحات انگلیسی امریکایی
خانه زبان ۱۳۷۴		دکتر سید علی اکبر میر حسینی	انگلیسی به فارسی به انگلیسی	۱۴- فرهنگ اصطلاحات
نشر آتیه ۱۳۷۹		دکتر سید علی اکبر میر حسینی / آتوسا طوسی	انگلیسی به فارسی	۱۵- فرهنگ جامع اصطلاحات
وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۷۸		علیرضا رضانی / امیر کاردان پور تهرانی	فارسی به انگلیسی	۱۶- فرهنگ اصطلاحات
انتشارات پیکان ۱۳۷۶		سیف غفاری	فارسی به انگلیسی	۱۷- فرهنگ اصطلاحات
انتشارات حق شناس ۱۳۷۷		دکتر اسدالله نوروزی	انگلیسی به فارسی	۱۸- فرهنگ اصطلاحات و تعبيرات کاربردی
مبتکران ۱۳۷۷		دکتر پیمان متین	انگلیسی به فارسی	۱۹- فرهنگ اصطلاحات آمریکایی
رهنا ۱۳۷۷		محمد حسین نورالهی	فارسی به انگلیسی	۲۰- فرهنگ علوم سیاسی و مطبوعاتی
پژوهشگاه ۱۳۷۱			همادخت همایون	۲۱- واژه‌نامه زبانشناسی
تیمور زاده ۱۳۷۴			دکتر مسلم بهادری	۲۲- واژه‌های زبانزد پزشکی
نشر کلمه ۱۳۷۵		امان الله صفوی	انگلیسی به فارسی	۲۳- واژگان علوم انسانی
ویراست دوم نشر مرکز ۱۳۸۴			داریوش آشوری	۲۴- فرهنگ علوم انسانی انگلیسی به فارسی
فرهنگ معاصر ۱۳۸۰		ترجمه رقیه بهزادی	جیمز هال	۲۵- فرهنگ نگاره‌ای نهادها در هنر شرق و غرب

چاپ هفتم امیر کبیر ۱۳۸۰		احمد حسین مدیری	۲۶- فرهنگ کامل نامه نگاری و بازرگانی
انتشارات نیلوفر		صدری افشار و دیگران	۲۷- فرهنگ اصطلاحات فنی
دانشگاه علم و صنعت ایران		دکتر فلاحی مقیمی	۲۸- فرهنگ اصطلاحات فنی و مهندسی
		Mc Graw Hill	۲۹- فرهنگ فنی
چاپ یاد واره			۳۰- فرهنگ پزشکی دورلند
چاپ طوطیا			۳۱- فرهنگ پزشکی دورلند
بنفام ۱۳۸۰	انگلیسی به فارسی	مهندس کاظمی، مجلسی، بهمنی	۳۲- فرهنگ جامع علوم و صنایع شیلاتی
نشر مرکز ۱۳۸۲		دکتر مهدی سمایی	۳۳- فرهنگ لغات زبان مخفی
فرهنگ معاصر ۱۳۸۱		فریبرز مجیدی	۳۴- فرهنگ تلفظ نامهای خاص تاریخی جغرافیایی
مژده زمستان ۱۳۷۴		احمد ناهیدی	۳۵- فرهنگ اصطلاحات بازرگانی و اداری انگلیسی- فارسی
چاپ دوم امیر کبیر ۱۳۸۰		محمد راسترو	۳۶- فرهنگ بازرگانی انگلیسی- فارسی
فرهنگ معاصر ۱۳۸۵		فرج الله خداپرستی	۳۷- فرهنگ معارف فارسی- انگلیسی
فرهنگ معاصر ۱۳۸۳		غلامحسین صدری افشار و همکاران	۳۸- فرهنگ فارسی اعلام
نشر دانشگاهی ۱۳۶۷		امیر جلال الدین اعلم	۳۹- فرهنگ اعلام کتاب مقدس
فرهنگستان علوم و فرزانه مهر ۱۳۸۱	جلد اول: گفتمان شناسی، جامعه اروان/عصب شناسی زبان	دکتر رضا نیلی پور دکتر لطف الله یارمحمدی	۴۰- فرهنگ نامه موضوعی توصیفی علوم انسانی
انتشارات خالدین ۱۳۷۸	ترجمه بهمن گر جیان و شیوا مولونیا	جان سیمسون	۴۱- فرهنگ ضرب المثل آکسفورد (انگلیسی-فارسی)
فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۵		دکتر علی اشرف صادقی و زهرا زندی مقدم	۴۲- فرهنگ املائی خط فارسی

## فصلنامه‌های تخصصی

۱- مترجم - از ۱۳۷۰ شماره اخیر ۴۴ (پاییز/زمستان ۱۳۸۵) سردبیر: دکتر علی خزاعی فر - مشهد
۲- مطالعات ترجمه - از بهار ۸۲ شماره اخیر ۱۵ (پائیز ۸۵) مدیر مسئول: دکتر حسین ملانظر - تهران
۳- فصلنامه زنده رود - شماره ۲۷ تابستان ۸۲ ویژه ترجمه مدیر مسئول: حسام‌الدین نبوی نژاد - اصفهان
۴- فصلنامه ترجمه - جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه (تعطیل شده)
۵- ماهنامه کارنامه - شماره ۴۴ ویژه ترجمه ادبی مرداد ۱۳۸۳ مدیر مسئول: نگار اسکندرفر - تهران
۶- فصلنامه پل فیروزه - شماره ۱۵ بهار ۱۳۸۴ ویژه ترجمه
۷- بخارا - شماره ۴۲ خرداد- تیر ۱۳۸۴ ویژه درگذشت کریم امامی
۸- بخارا - شماره ۵۰ فروردین- اردیبهشت ۱۳۸۵ ویژه بزرگداشت رضا سیدحسینی
۹- نگاه نو - شماره ۶۹ اردیبهشت ۸۵ ویژه نجف دریابندری
۱۰- درباره ترجمه - به همت دانشجویان و فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات از ۱۳۸۴ شماره اخیر ۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۶)
۱۱- نامه فرهنگستان - از بهار ۱۳۷۴ شماره اخیر ۳۰ (تابستان ۱۳۸۵)
۱۲- نشریه دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران
۱۳- فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه آزاد اسلامی اراک
۱۴- مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع) - شماره‌های ویژه ادبیات و زبانهای خارجی
۱۵- خبرنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی
۱۶- جشن کتاب (انتشارات کاروان) - از ۱۳۸۲ تا شماره ۲۰ سال ۱۳۸۵ + دوره جدید شماره ۱ بهار ۱۳۸۶
۱۷- نشریه ادبی بایا - دوره پنجم شماره ۴۲ تابستان ۱۳۸۵ بخش ویژه: آن سوی متن - ترجمه
۱۸- پیام مترجمان رسمی - از دی ماه ۸۵ شماره اخیر ۲ (بهار ۱۳۸۶) مدیر مسئول: امیر صادقی بابان

## انگلیسی به انگلیسی تخصصی / نیمه عمومی

1- <i>Dictionary of Allusions</i> , Marriam – Webster 1999
2- <i>Longman Dictionary of Contemporary English</i> , Longman 1998
3- <i>Short Dictionary of Catch Phrases</i> , Rosalind Fergusson, Routledge 1994
4- <i>Random House Dictionary of Americas Popular Proverbs &amp; Sayings</i> , 2000
5- <i>Slang by Paul Dickson</i> , Simon & Schuster Inc. 1998
6- <i>Dictionary of Allusions</i> , Abbas Ali Reza, Tabriz University 1995
7- <i>Oxford Concise Dictionary of Politics</i> , Iain Mclean 1996
8- <i>NTC's Dic of Acranyms &amp; Abbreviations</i> , 1993
9- <i>Oxford Collocations Dictionary for Students of English</i> , 2002
10- <i>Barron's Dictionary of American Idioms</i> , 1995
11- <i>Oxford Concise Dictionary of Politics</i> , 1996
12- <i>A Dictionary of English Affixes &amp; Combining Forms</i> , Mohamad Badie, 2006 Koshamehr



## فرهنگهای زبان و تمدن

1- <i>Longman Dictionary of English Language &amp; Culture</i> , 1998 (2 <sup>nd</sup> Edition)
2- <i>An A to Z of British Life</i> Adrian Room Oxford, 1996 ( original )
3- <i>The Oxford Dictionary of New Words</i> , 1991
۴- فرهنگ نوواژه‌های آکسفورد - مترجم: عباس امام، انتشارات خالیدین ۱۳۷۸
5- <i>Oxford Guide to British &amp; American Culture</i> , 2005 ( original )

## فرهنگهای اصطلاحات زبانی

1- <i>Longman American Idioms Dictionary</i> , 1999
2- <i>NTC s American Idioms Dictionary</i> , 1991
3- <i>NTC s Dictionary of American Slangs &amp; Colloquial Expressions</i> , 1991
4- <i>Oxford Dictionary of Idiomatic English</i> , 1983
5- <i>Cambridge International Dictionary of Idioms</i> , 1998
6- <i>Random House Dictionary of American s Popular Proverbs &amp; Sayings</i> , 2000

## فرهنگهای فعلهای گروهی

1- <i>NTC s Dictionary of Phrasal Verbs &amp; other Idiomatic Verbal Phrases</i> , 1993
2- <i>Oxford Dictionary of Phrasal Verbs</i> , 1993
3- <i>Longman Dictionary of Phrasal Verbs</i> , 1998
4- <i>Longman Phrasal Verbs Dictionary</i> , 2000

## کتابهایی که ارجاع به آنها توصیه نمی‌شود

۱- آیین ترجمه - حسین هژبرنژاد، انتشارات دو نور ۱۳۷۲. دلیل: پراکنده گویی و مباحثی غیر منطقی درباره ترجمه
۲- بنیاد ترجمه - غازی صانعی، انتشارات صانعی ۱۳۷۷. دلیل: درباره همه چیز جز ترجمه
۳- گامهایی نوین در درک و ترجمه متون انگلیسی - رضا دانشوری نصر آباد، ۱۳۸۰. دلیل: درباره همه چیز جز ترجمه
۴- کتابهای علاءالدین بازارگاردی از جمله آیین ترجمه / ترجمه پیشرفته / فن ترجمه. دلیل: سنتی و تجویزی بودن شیوه ترجمه و سلیقه‌ای بودن معیارها
۵- اصول و مبانی نظری ترجمه - عبدالله برادران و ثریا خوانساری دانشگاه آزاد اسلامی. دلیل: عدم آشنایی کافی نویسندگان با زبان انگلیسی + برداشت از کتابهای دیگر بدون ذکر مأخذ <sup>۱</sup>
۶- فرهنگ ۳ جلدی دانشگاهی یادواره (فارسی به انگلیسی) - تألیف: محمد ساعتچی. دلیل: اشتباهات فاحش + سوء استفاده از نام اساتید دانشگاه برای فروش بیشتر <sup>۲</sup>
۷- فرهنگ توضیحی ترجمه - فروزان دهباشی شریف انتشارات زبان کتاب ۱۳۸۵. دلیل: استفاده از معادلهای نامتعارف و بعضاً نادرست + گنجاندن اصطلاحات غیر ضروری حوزه‌های دیگر (ادبیات، دستور زبان، ...) + نامشخص بودن دلیل چاپ دوزبانه و مقابله‌ای کتاب <sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> برای نمونه رجوع شود به: صلح جو، علی. سرقت آشکار. در فصلنامه مترجم، شماره ۲۳ و ۲۴ (پائیز ۱۳۷۶)، صص ۵۱-۵۵، و نیز خوانساری، ثریا. پاسخ نقد، در فصلنامه مترجم، شماره ۲۶ (بهار و تابستان ۱۳۷۷)، صص ۸۰-۸۱.

<sup>۲</sup> برای نمونه رجوع شود به: زرنیخی، ابوالفضل. فاجعه کتاب‌سازی: نقادی بر فرهنگ دانشگاهی یادواره. در فصلنامه مترجم، شماره ۳۵ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، صص ۹۴-۹۸.

<sup>۳</sup> برخلاف ادعای مؤلف محترم در استفاده از منابع متعدد (ص ۱۵۰ کتاب) کل متن انگلیسی کتاب نوشته Wayne Leman است در وبگاه [http://www.geocities.com/bible\\_translation](http://www.geocities.com/bible_translation). در عین حال، روایی و اعتبار تعاریف و توضیحات این منبع که به هیچ وجه مستدل نشده مورد تردید است.

## بررسی سؤالات آزمونهای ورودی

در باره ترجمه

### سؤالات بخش نظریه‌های ترجمه

### آزمون سراسری کارشناسی ارشد مترجمی سال ۱۳۸۶

تهیه و تدوین: بهروز کرובی\*

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک

#### تعداد سؤالات نظریه‌های ترجمه: ۲۵ سؤال

سؤال شماره ۲۴۱:

According to Toury there are two types of norms in translation: regulative and .....

- 1) constitutive
- 2) constructive
- 3) prescriptive
- 4) conventional

پاسخ صحیح گزینه شماره ۱ است. رجوع شود به: (Baker, 1998: 164)

سؤال شماره ۲۴۲:

Which of the following statements about redundancy is correct?

- 1) Translations are naturally less redundant.
- 2) The translator should preserve redundancy.
- 3) Redundancy is the feature of some natural languages.
- 4) All good translations tend to be shorter than the originals.

پاسخ صحیح گزینه شماره ۲ است. رجوع شود به: (Shuttleworth & Cowie, 1997:141)

توضیح: البته لازم به ذکر است دستورالعمل مندرج در گزینه شماره ۲ «نظر شخصی» ناپیدا می‌باشد.

سؤال شماره ۲۴۳:

The translation of the word “flyweight” to Persian by literally translating its two constituting elements is a case of .....

- 1) adaptation
- 2) back translation
- 3) calque
- 4) literal translation

پاسخ صحیح گزینه شماره ۳ است. توضیح: مگس وزن = flyweight

رجوع شود به:

(Mollanazar, 1997: 23; also Munday, 2001: 56; Hatim & Munday, 2004: 142)

سؤال شماره ۲۴۴:

“Formal equivalence focuses attention on the message itself, in both form and content. One is concerned that the message in the receptor language should match as closely as possible the different elements in the source language.” The above definition was given by .....

- 1) Bassnett
- 2) Koller
- 3) Newmark
- 4) Nida

\* behrouz.karoubi@gmail.com

پاسخ صحیح گزینه شماره ۴ است.

رجوع شود به: (Munday 2001: 41; also Hatim & Munday, 2004: 167)

سؤال شماره ۲۴۵:

The translator whose aim is to create dynamic equivalence .....

- 1) tries to create an equivalent effect.
- 2) is more loyal to the author than the target reader.
- 3) places emphasis on the exact transfer of the message.
- 4) does not make explicit the information implicit in the source text.

پاسخ صحیح گزینه شماره ۱ است.

رجوع شود به: (Munday, 2001: 42; also Hatim & Munday, 2004: 167)

سؤال شماره ۲۴۶:

In Skopos theory, the main assessment criterion is .....

- 1) equivalence
- 2) translational action
- 3) formal acceptability
- 4) functional adequacy

پاسخ صحیح گزینه شماره ۴ است. رجوع شود به: (Munday, 2001: 80)

سؤال شماره ۲۴۷:

Which of the following is an example of a direct MT system?

- 1) Ariane
- 2) METEO
- 3) Susy
- 4) Systran

پاسخ صحیح گزینه شماره ۴ است. رجوع شود به: (Asi in Farahzad (ed.), 2005: 43)

سؤال شماره ۲۴۸:

In van Leuven-Zwart's model, the textual unit is .....

- 1) meaning
- 2) transeme
- 3) invariant core
- 4) tertium comparationis

پاسخ صحیح گزینه شماره ۲ است. رجوع شود به: (Munday, 2001: 64)

سؤال شماره ۲۴۹:

According to Popovic, analysis of shift of expression will .....

- 1) clarify the categories of operativity and iconicity
- 2) place emphasis on the prominence of textual features
- 3) throw light on the general system of translation and its dominant and subordinate elements
- 4) explain the properties of an adequate translation in terms of a general literary translation theory

پاسخ صحیح گزینه شماره ۳ است. رجوع شود به: (Munday, 2001: 63)

سؤال شماره ۲۵۰:

Which of the following is an objective of pure translation studies research?

- 1) To study general rules of translation
- 2) To assist in the application of theories
- 3) To provide the description of the phenomena of translation
- 4) To examine the different orientations within translation studies

پاسخ صحیح گزینه شماره ۳ است.

رجوع شود به: (Munday, 2001: 11; also Hatim & Munday, 2004: 7)

سؤال شماره ۲۵۱:

The idea that translated literature is part of the cultural, literary and historical system of the target language was developed by .....

- 1) Even-Zohar
- 2) Gertzler
- 3) Hatim
- 4) Toury

پاسخ صحیح گزینه شماره ۱ است. رجوع شود به: (Munday, 2001: 109)

سؤال شماره ۲۵۲:

Translation Studies today is .....

- 1) a branch of linguistics
- 2) an independent discipline
- 3) a branch of literary studies
- 4) a branch of comparative literature

پاسخ صحیح گزینه شماره ۲ است. رجوع شود به: (Munday, 2001: 5)

سؤال شماره ۲۵۳:

A literal translation is more likely when .....

- 1) there are collocations
- 2) there is colloquialism
- 3) the text is technical
- 4) the words are context bound

پاسخ صحیح گزینه شماره ۳ است. رجوع شود به: (Newmark, 1988: 80)

سؤال شماره ۲۵۴:

According to Newmark a faithful translation attempts to be completely faithful to .....

- 1) the intentions of the ST reader
- 2) the intentions of the author
- 3) the grammatical structure of the ST
- 4) the contextual meaning of the TT

پاسخ صحیح گزینه شماره ۲ است. رجوع شود به: (Newmark, 1988: 46)

سؤال شماره ۲۵۵:

Which of the following is NOT a device for leaving the information in the SL implicit?

- 1) ellipsis
- 2) paraphrase
- 3) reference
- 4) substitution

پاسخ صحیح گزینه شماره ۲ است. رجوع شود به: (Mollanazar, 1997: 37-38)

سؤال شماره ۲۵۶:

In Dryden's terminology, imitation is .....

- 1) adaptation
- 2) free translation
- 3) literal translation
- 4) line-by-line translation

گزینه‌های شماره ۱ و ۲ هر دو صحیح هستند! به مطلب زیر توجه فرمایید:

“‘imitation’: ‘forsaking’ both words and sense; this corresponds to Cowley’s very free translation and is more or less adaptation.” (Munday, 2001: 25, my emphasis underlined)

سؤال شماره ۲۵۷:

What are the two major types of translation strategies according to Vinay and Darbelnet?

- 1) Direct and oblique
- 2) Literal and free
- 3) Modulation and transposition
- 4) Adaptation and interpretation

پاسخ صحیح گزینه شماره ۱ است.

رجوع شود به: (Munday, 2001: 56; also Hatim & Munday, 2004: 30)

سؤال شماره ۲۵۸:

Lefevre considers translation as a form of .....

- 1) criticism
- 2) historiography
- 3) interpretation
- 4) rewriting

پاسخ صحیح گزینه شماره ۴ است.

رجوع شود به: (Munday, 2001: 128; also Hatim & Munday, 2004: 98)

سؤال شماره ۲۵۹:

According to Nida, the priority in translating religious texts is .....

- 1) the target text
- 2) the target reader
- 3) the source text function
- 4) the source text

پاسخ صحیح گزینه شماره ۴ است. رجوع شود به: (Nida and Taber, 1969: 13)

توضیح: از آنجایی که منبع فوق براحتی در دسترس همگان نمی باشد، عین عبارت در اینجا نقل می شود:

“As already been indicated in the definition of translating, meaning must be given priority, for it is the content of the message which is of prime importance for Bible translating.”

سؤال شماره ۲۶۰:

“Either the translator leaves the writer alone as much as possible and moves the reader toward the writer, or he leaves the reader alone as much as possible and moves the writer toward the reader.” The author of the above famous quotation is .....

- 1) Cicero
- 2) Dryden
- 3) Schleiermacher
- 4) Tytler

پاسخ صحیح گزینه شماره ۳ است. رجوع شود به: (Munday, 2001: 28)

سؤال شماره ۲۶۱:

Which of the following statements about equivalence is correct?

- 1) Translation scholars agree on the nature of equivalence.
- 2) As a quantitative concept, equivalence may be defined.
- 3) Equivalence only makes sense if it is defined at a certain (e.g. lexical) level.
- 4) Equivalence should be discarded altogether because it cannot be defined.

پاسخ صحیح می تواند گزینه شماره ۲ و یا گزینه شماره ۴ باشد.

رجوع شود به: (Shuttleworth & Cowie, 1997: 49-50)

توضیح: اگر از دیدگاه کثفورد به مقوله equivalence نگاه کنیم گزینه ۲ می تواند صحیح باشد؛ و اگر از دیدگاه هرمانز به این

مقوله بنگریم گزینه ۴ می تواند گزینه صحیح باشد!

سؤال شماره ۲۶۲:

Compared to its original, a semantic translation .....

- 1) is inferior
- 2) is superior
- 3) gains cognitive effect
- 4) gains pragmatic effect

(Munday, 2001: 45; also Newmark, 1988: 48) پاسخ صحیح گزینه شماره ۱ است. رجوع شود به:

سؤال شماره ۲۶۳:

Implicit information in the source text may become explicit in the TL when .....

- 1) the culture of the SL community provides a context
- 2) the SL necessitates it
- 3) the culture of the TL community provides a context
- 4) the TL necessitates it

(Mollanazar, 1997: 27) پاسخ صحیح گزینه شماره ۴ است. رجوع شود به:

سؤال شماره ۲۶۴:

Which of the following categories does the Skopos theory fall into?

- 1) social
- 2) cultural
- 3) pragmatic and functional
- 4) linguistic and literary

(Munday, 2001: 79-80) پاسخ صحیح گزینه شماره ۳ است. رجوع شود به:

سؤال شماره ۲۶۵:

Toury believes that translation equivalence is defined by .....

- 1) conventions
- 2) norms
- 3) text-types
- 4) process model

(Munday, 2001: 113) پاسخ صحیح گزینه شماره ۲ است. رجوع شود به:

### فهرست منابع\*

Baker, M. (1998) *The Encyclopedia of Translation Studies*. London: Routledge.  
(سؤال ۱)

Farahzad, F. (2005) *Proceedings of two Translation Studies Conferences*. Tehran: Yalda Ghalam. (سؤال ۱)

Hatim, B. & J. Munday (2004) *Translation: An Advanced Resource Book*. London: Routledge. (سؤال ۶)

Mollanazar, H. (1997) *Principles and Methodology of Translation*. Tehran: Samt. (سؤال ۳)

Munday, J. (2001) *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*. London: Routledge. (سؤال ۱۶)

Newmark, P. (1988) *A Textbook of Translation*. London: Prentice Hall. (سؤال ۳)

Nida, E. & C. Taber (1969) *The theory and Practice of Translation*. Leiden: E. J. Brill. (سؤال ۱)

Shuttleworth, M. & Cowie, M. (1997). *Dictionary of translation studies*. Manchester: St. Jerome. (سؤال ۲)

\* سؤالی که در دو یا سه منبع موجود بوده در هنگام شمارش، دو یا سه بار و برای هر یک از منابع در نظر گرفته شده است.



### برگزاری سومین همایش دانشجویی مطالعات ترجمه در دانشگاه شهید بهشتی

سومین همایش دانشجویی مطالعات ترجمه با موضوع «فرهنگ و جامعه‌شناسی در ترجمه» در روزهای ۸ و ۹ خرداد در دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی تهران برگزار شد. این همایش به همت دانشجویان کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه این دانشگاه، صبح روز سه‌شنبه با سخنرانی خانم دکتر احمدزاده مدیر گروه زبان انگلیسی آغاز به کار کرد. سپس آقای دکتر عنانی سراب دبیر برگزاری همایش نیز در مورد اهمیت و روش تحقیق در مطالعات ترجمه به ایراد سخنرانی پرداخت. در این همایش که تا بعدازظهر چهارشنبه ادامه داشت بیش از ۲۰ مقاله توسط دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های شهید بهشتی، علامه طباطبایی و آزاد اسلامی قرائت شد.

دکتر امیرعلی نجومیان، معاون پژوهشی دانشکده، خانم دکتر فرزانه فرحزاد مدرس ترجمه در دانشگاه، و دکتر حسین ملانظر، مدیر گروه مطالعات ترجمه دانشگاه علامه طباطبایی، از حاضران در این همایش بودند. در پایان نیز آقای دکتر امیر علی نجومیان، ضمن تحسین و ابراز خرسندی از برگزاری چنین همایشی از آقایان مشایخی و شیروانیان که بیشترین سهم را در برگزاری همایش بر عهده داشتند تشکر و قدردانی کرد. عنوان برخی از مقالات ارائه شده در روز اول این همایش به شرح ذیل است:

- Introduction to Researching Socio-cultural Issues in Translation      دکتر رضا عنانی سراب
- Major Socio-cultural Issues of Translation Studies      محمدرضا رستگار مقدم
- Ideology, Power Relation, Domestication and Foreignization in Translation      سرور ساویزا
- Translation of Dialects in Cartoon Movies:  
An Example of Target-culture and Ideology-directed Manipulation      پرینا قمی
- The Impact of Translation on the Reformist Movement in 1376 Iran      مهدی مشایخی
- Nature of Censorship and Nature of Translation      زهرا ثمره

پایان بخش این همایش بحث آزاد با حضور آقایان دکتر ملانظر و دکتر عنانی سراب و تنی چند از دانشجویان بود که طی آن دکتر ملانظر ابراز امیدواری کرد در آینده‌ای نزدیک چهارمین همایش دانشجویی نیز در یکی از دانشگاه‌های تهران برگزار شود.



## برگزاری جلسات سخنرانی دکتر محمد شهباز در دو دانشگاه

برگزاری دو جلسه سخنرانی دکتر محمد شهباز در خصوص ترجمه نوار و فیلم اولی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه در دانشگاه علامه طباطبایی و دومی در تاریخ ۲۲ خرداد ماه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب از رویدادهای مبارک دانشگاهی در بهار امسال بود. لازم به ذکر است سخنرانی اول به دعوت گروه مطالعات ترجمه دانشگاه علامه طباطبایی (دانشکده ادبیات و

زبانهای خارجی) و سخنرانی دوم به دعوت انجمن مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب (دانشکده علوم انسانی) صورت گرفت. معرفی انواع ترجمه فیلم شامل میان‌نوشت (در دوران سینمای صامت)، ترجمه همزمان گفتگوها، دوبله و زیرنوشت (زیرنویس)، راهبردهای ترجمه فیلم و همچنین مراحل ترجمه دوبله و زیرنوشت از موضوعات مطرح شده در سخنرانی اول بود. جلسه دوم با محور موضوعات ترجمه عنوان فیلم و ترجمه زیرنوشت و به همراه نمایش بخشهایی از فیلمهای ترجمه شده و ارائه مباحث نظری و عملی در خصوص ترجمه فیلم صورت گرفت. دکتر شهباز همچنین در این جلسات در خصوص ترجمه مواد غیر کلامی (non-verbal)، و مبحث آشنایی زدایی و غرابت زدایی در ترجمه فیلم مطالبی را ایراد کرد. دکتر شهباز در پایان هر جلسه به پاسخ به سؤالات دانشجویان علاقه‌مند به ترجمه نوار و فیلم پرداخت.

## شماره پانزدهم فصلنامه مطالعات ترجمه منتشر شد.

در این شماره آمده است:

- فواید مقابله ترجمه با متن اصلی
- ادبیات مدرن فارسی و نئوآرینتالیسم
- ملاحظات هرمنوتیکی در ترجمه متون فلسفی و دینی
- ترجمه و فرهنگ جهانشمول: ادبیات زنان خاورمیانه در جهان شمال
- نگاهی به نظریه فرازبان معنایی طبیعی و مسئله ترجمه پذیری
- مروری بر واژگان / مفاهیم ترکی برای ترجمه در دوره‌های پیش از عثمانی تا عثمانی (۱)
- Turkish Terms/Concepts for Translation from the Pre-Ottoman to Ottoman Periods: An Overview (1)
- نگاهی به عملکرد مترجم شفاهی



Why do you have to mumble?  
(A Glance at the Performance of Interpreter)

- راهکارهای دخل و تصرف در ترجمه: خیام و رومی

Strategies of Appropriation: Khayyam and Rumi

لازم به ذکر است ۵ مقاله نخست به زبان فارسی و سه مقاله آخر به زبان انگلیسی نوشته شده است. (چکیده مقالات این فصلنامه به هر دو زبان درج می‌گردد.)



## نخستین شماره فصلنامه علمی - ادبی آستانه در دانشگاه شهید بهشتی منتشر شد

نخستین شماره فصلنامه علمی - ادبی آستانه، نشریه گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی به مدیریت مسئولی دکتر امیرعلی نجومیان و سردبیری مهدی مشایخی (به زبان انگلیسی) منتشر شد. این نشریه که به همت دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد این گروه منتشر می‌شود شامل چهار بخش مطالعات ترجمه، آموزش زبان، ادبیات و بخش اخبار، مصاحبه و نوشته‌های خلاق دانشجویان است. همچنین این فصلنامه پذیرای مطالب و مقالات علاقه‌مندان در نشانی [threshold227@gmail.com](mailto:threshold227@gmail.com) می‌باشد. در این شماره آمده است:

- خوانش ساختار شکن از بوف کور هدایت
- A Deconstructive Reading of Boof-e-kur
- ارزیابی انتقادی ترجمه «عربی» اثر «جیمز جویس»
- Critical Assessment of the Translation of "Araby" by "James Joyce"
- شعر متافزیک: از اتهام تا اعتبار
- Metaphysical Poets De/Recononized

...

## شماره دوم فصلنامه پیام مترجمان رسمی منتشر شد

دومین شماره فصلنامه پیام مترجمان رسمی (به صاحب امتیازی جامعه مترجمان رسمی ایران و مدیر مسئولی امیر صادقی بابلان) ویژه بهار ۱۳۸۶ منتشر شد. در این شماره آمده است:

اولین همایش ترجمه رسمی در ایران / باز هم کاغذ / مترجمی شفاهی / ارومیه یا اورمیه؟ / نقش دانش فرامتنی در ترجمه متون ادبی / ترجمه هنر مظلوم / نقدی بر فرهنگ سخن / ...

## توضیح در خصوص نشانی پست الکترونیکی فصلنامه مطالعات ترجمه

هیئت تحریریه فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ترجمه اعلام کرد به علت مشکلات پیش آمده در سیستم دریافت پست الکترونیکی این نشریه با دامنه [ac.ir](mailto:ac.ir) تغییر یافته است. لذا از دوستانی که مقالات یا پیامهای خود را به نشانی قبلی ارسال داشته‌اند تقاضا می‌شود برای اطمینان از صحت دریافت، مجدداً آنها را به نشانی [hus.mollanazar@gmail.com](mailto:hus.mollanazar@gmail.com) ارسال دارند.

## اولین همایش منطقه‌ای آموزش زبان و ادبیات انگلیسی

اولین همایش منطقه‌ای آموزش زبان و ادبیات انگلیسی در تاریخ ۲۸ بهمن ماه امسال به اهتمام دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن برگزار خواهد شد. یکی از موضوعات مطرح شده در این همایش (همانطور که در پوستر پشت جلد این شماره آمده است) موضوع ادبیات و ترجمه است. آخرین مهلت پذیرش مقاله در این همایش ۱۵ دی ماه ۱۳۸۶ اعلام شده است.

## برگزاری همایش ترجمه با حضور مترجمان برجسته ایران

همایش «ترجمه، گذار میان فرهنگها» از تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه، به مدت دو روز در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. بنا به اطلاع، این همایش به طور کامل از روز ۲۳ اردیبهشت ماه، در چند شهر دیگر کشور و به همت بخش همکاری و فعالیت‌های فرهنگی سفارت فرانسه در ایران و با همکاری کتابخانه ملی و مرکز اسناد ایران، دانشگاه‌های اصفهان، شهرکرد، بنیاد فارس‌شناسی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه برگزار شده است.

در مقدمه برنامه این همایش آمده است «گفت و گوی فرهنگها بدون احترام به زبانهایی که این فرهنگها را تشکیل می‌دهد میسر نمی‌شود. فرهنگ زبانها پایه دستیابی به تمامی شکل‌های شناخت متقابل و درک درست فرهنگ دیگری است...»

در این همایش که با حضور مترجمان و محققان ایرانی و فرانسوی برگزار شد، این مترجمان حضور داشتند: آذرتاش آذرنوش درباره ترجمه قرآن مجید به فارسی، ناصر فکوهی درباره مسئله واژگان جدید و دشوار کلمات علمی در علوم اجتماعی ایران، باربارا کاسن درباره ترجمه ناشدنی ها، استلا باروک (ریاضی دان و معرفت شناس) درباره ترجمه ریاضیات، رضا منصوری درباره ترجمه و توسعه فیزیک، شارل هانری دو فوشه کور (ایران شناس و مترجم اشعار حافظ) درباره ترجمه حافظ، مدیا کاشیگر درباره نگاهی به یک ترجمه ظاهراً ناممکن، لیلی گلستان درباره انتخاب واژه براساس فضا، سبک، کاراکتر در ترجمه ادبی، سید عزت الله عراقی درباره ویژگی های ترجمه یک متن حقوقی، عباس کریمی درباره نقش زبان و حقوق فرانسوی در فرهنگ حقوق ایران، علی تقی زاده و غلامرضا اعوانی درباره سهم زبان و معنی در ترجمه و بارابارا کاسن درباره چند مثال ترجمه ناشدنی در زمینه حقوق. کتابخانه ملی در بزرگراه حقانی شهر تهران قرار دارد.

### همایش تاریخیچه و سنتهای ترجمه در ایران برگزار می شود

#### The History and Traditions of Translation in Iran

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (دانشکده زبان و ادبیات / بخش مترجمی زبان انگلیسی) در نظر دارد همایش دانشجویی دو روزه ای را در بهمن ماه سال جاری برگزار نماید. موضوع سمینار «تاریخیچه و سنتهای ترجمه در ایران» است. از کلیه علاقه مندان به شرکت در این همایش درخواست می شود مقالات خود را (به زبان انگلیسی) به همراه چکیده و نشانی پست الکترونیکی و نیز شماره تلفن خود به آدرس: جنت آباد جنوبی، نرسیده به چهارباغ، بلوار لاله غربی، کوچه حدیث، دانشکده زبان و ادبیات، گروه انگلیسی، زبانهای باستانی و زبانشناسی، خانم زرآبادی و یا به نشانی پست الکترونیکی: [hti2008@gmail.com](mailto:hti2008@gmail.com) ارسال کنند.

لازم به ذکر است مهلت ارسال مقالات تهیه شده تا ۲۰ دی ماه است. برای علاقه مندان به حضور در همایش، امکان ثبت نام در زمان برگزاری، در روزهای ۷ و ۸ اسفندماه (که به جای زمان قبلی ۱۶ و ۱۷ بهمن ماه اعلام شده است) در محل همایش نیز وجود دارد.

محل برگزاری همایش: پونک، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ساختمان علوم انسانی، سالن شهید طباطبایی



Bridge

In the Name of God  
Call for Papers

Feb. 2008

THE HISTORY AND TRADITIONS  
OF TRANSLATION IN IRAN



Moon

Islamic Azad University Science and Research Branch is  
hosting a two-day graduate conference on

**THE HISTORY AND TRADITIONS OF  
TRANSLATION IN IRAN**

Bahman 16- 17, 1386 (Feb. 5- 6, 2008).



Flower

**Themes of the Conference:**

- 1-History, traditions and practices of translation in Iran in different eras
- 2-Interaction between Persian and non-Persian traditions of translation
- 3-Translation movements in Iran
- 4-Translation of religious texts in Iran throughout history

**Submission and Deadline:**  
Papers in English (approximately 2000- 3000 words) must be sent both electronically and in printed form to the organizing committee by Dey 20th , 1386, (January 10th , 2008) at the following addresses. Email : [hti2008@gmail.com](mailto:hti2008@gmail.com)

آدرس: جنت آباد جنوبی نرسیده به چهارباغ بلوار لاله غربی کوچه حدیث دانشکده زبان و ادبیات گروه انگلیسی - زبانهای باستانی و زبانشناسی خانم زرآبادی

A 250-word abstract should also be included, as well as the following information:  
author's name, affiliation, field of study, contact information and email address.

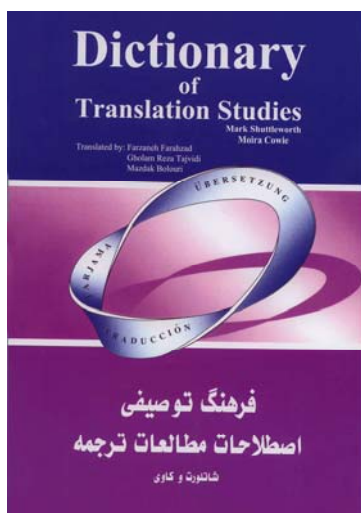
**Organizer:** Dr. Farzaneh Farahzad  
**Organizing Committee:**  
1-Mahboubeh Dehghani  
2-Farah Madani Givi  
3-Salma Rezvanzou

**Registration**  
**Fee:** 30,000 Rls.  
**Place:** Pls. see the Persian address.  
**Time:** Dey 20- 22, 1386, 9:00 - 4:00

<http://hti2008.wordpress.com>

## معرفی کتاب

فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه



*Dictionary of Translation Studies*  
By: Mark Shuttleworth, Moira Cowie

ترجمه: دکتر فرزانه فرح‌زاده، دکتر غلامرضا تجویدی، مزدک بلوری

انتشارات یلدا قلم، ۲۵+۳۵۰ صفحه، بها: ۴۰۰۰ تومان

کتاب حاضر، اولین فرهنگ توصیفی مطالعات ترجمه است که به فارسی منتشر شده است و معادلهای مشخصی را برای بسیاری از اصطلاحات این رشته نوپا ارائه می‌دهد. علاوه بر آن متون مرتبط با توصیف واژگان تخصصی به طور کامل از کتاب اصلی ترجمه شده است. مترجمان اثر در مقدمه کتاب چنین آورده‌اند:

این فرهنگ حاصل تلاشی چندساله است و مترجمان آن کوشیده‌اند تا با دقت و حوصله فراوان هر یک از مدخلهای آن را به فارسی برگردانند و گاه برای ترجمه برخی از مدخلها، به آثار ترجمه پژوهانی که مفهوم مورد نظر را بررسی کرده‌اند و در واقع منبع اصلی نگارش این فرهنگ بوده‌اند مراجعه کرده و مطالب فرهنگ را با اصل آن نیز

مطابقت داده‌اند. [...] در وهله نخست، یافتن معادلهایی مد نظر بوده است که مترجمان و پژوهشگران مطالعات ترجمه بیشتر برای اصطلاحات این رشته انتخاب کرده یا بر ساخته‌اند، مانند:

*polysystem* نظام چندگانه

*target text* متن مقصد

*back translation* ترجمه معکوس

نمونه‌ای از اصطلاحاتی که در این فرهنگ برای آنها واژه‌های جدیدی بر ساخته و معرفی شده‌است به شرح ذیل است:

*abusive translation* ترجمه هنجارشکن

*translateme* بُن ترجمه

*interlinear translation* ترجمه میان خطی

فرهنگ امثال و حکم انگلیسی و فارسی (جلد اول)

تألیف: علی اکبر عابدیان

انتشارات هنر سرای اندیشه، ۱۰۲۴ صفحه، بها: ۱۲۵۰۰۰ ریال

یافتن معادل برای ضرب‌المثلهای انگلیسی همیشه یکی از دغدغه‌های مترجمان بوده است. فرهنگ امثال و حکم انگلیسی و فارسی حاوی معادلهای مشخصی برای ضرب‌المثلهای هر دو زبان است. در جلد اول این کتاب، ارسال‌متهای مرتبط با امثال و حکم انگلیسی و فارسی در ذیل ضرب‌المثلها به کار رفته و مؤلف تلاش نموده است که ارسال‌متهای از سبک‌های مختلف تاریخ ادبیات زبانهای انگلیسی و فارسی گردآوری شود. ترجمه تطبیقی برخی از مثلها از ویژگیهای این فرهنگ است.

مؤلف اثر در مقدمه کتاب چنین آورده است:

امثال و حکم یکی از مراجع و ارکان معتبر ادبیات هر زبان و یکی از کهن‌ترین اشکال

ادبی است. امثال و حکم مبین قریحه، عواطف و رسوم یک ملت و از منابع تاریخ است. عبارات کوتاه امثال و حکمی بازتاب فرهنگ و ارزشهای اجتماعی توده‌ها به شمار رفته و حکایت از تجارب طولانی توده مردم دارد و در هر قالبی اعم از هزل و طنز و انتقاد، واقعیات رفتار اجتماعی، شیوه زیست، و عقاید و رسوم باشندگان یک محدوده زبانی را بیان نموده و کاربر زبان را از به کار بستن تعابیر طویل و احتجاجات نارسا و فرسایشی رهانده و سخن سخت را به پیامی فصیح بدل می‌نماید.



## برگزاری مراسم تجلیل از مجله مترجم

مجله بخارا بیست و نهمین شب از سلسله شبهای بخارا را به جشن آغاز هفدهمین سال انتشار مجله مترجم اختصاص داد.

در شب مجله مترجم عبدالله کوثری، فرزانه فرحزاد، علی صلح جو، دکتر خزاعی فر درباره مسئله ترجمه در ایران، جایگاه ترجمه ادبی در ایران و ... سخنرانی کردند. همچنین میزگردی با حضور سه نسل از مترجمان کشور برگزار شد. متن کامل گزارش را که برگرفته از وب‌نوشت تادانه<sup>\*</sup> نوشته یوسف علیخانی است در زیر می‌خوانید.

به مناسبت هفدهمین سال انتشار مجله مترجم، مجله بخارا بیست و نهمین شب از شبهای خود را با عنوان «شب ترجمه» به این مجله اختصاص داد که ساعت ۵ بعد از ظهر پنجشنبه ۲۳ فروردین ماه در خانه هنرمندان برگزار شد. این مراسم با نمایش فیلمی کوتاه از نخستین مجله مترجم تا آخرین شماره آن آغاز شد و پس از آن سخنان علی دهباشی بود:

... امشب برای مجله بخارا و دوستان فرهنگ و ادبیات شبی فراموش نشدنی است. در زمانی که عمر مفید یک نشریه اگر به پنج سال برسد ستایش و تحسین به همراه دارد. دوست و همکار ما آقای دکتر علی خزاعی فر بار سنگین و طاقت فرسای مجله مترجم را به زمین نگذاشته و به آغاز هفدهمین سال زندگی اش رسانده است.

گفتن اینکه مجله مترجم در آغاز هفدهمین سال انتشارش قرار گرفته آسان است. اما اینکه در جریان هفته‌ها، ماه‌ها و سالهایی که این مجله منتشر می‌شده آقایان چه رنجی را متحمل شدند حکایت پر غصه‌ای است که در این شب جشن تولد مجله مترجم از آن می‌گذریم.

امشب اهل فن در این مجلس حضور دارند و همگی از زمره دست اندرکاران فرهنگ و ادبیات هستند و نیازی به باز گفتن اینکه ترجمه چه زمانی در ایران آغاز شد و چه مسیری را طی کرده و از این قبیل نیست چه مصداق زیره به کرمان بردن است. اما یک نکته وجود دارد و حائز اهمیت است: در تاریخ یکصد و پنجاه ساله اخیر هیچ‌گاه مسئله ترجمه در همه ابعادش از انتقال علوم تا ادبیات و فرهنگ برای ما همچون امروز ضرورت آنی نداشته است و به عبارت دیگر از نان شب برای ما واجب‌تر شده است.

در چنین هنگامه‌ای که قافله علم و تمدن جهانی سرعتش با ساعت و دقیقه معین می‌شود اهمیت ترجمه برای فرهنگ ما و مردمی که در این سرزمین زندگی می‌کنند ابعادی حیاتی پیدا می‌کند.

امشب سه نسل از اهل قلم این سرزمین که زبان فارسی و ام‌دار آثار آنان در عرصه ترجمه است حضور دارند و به‌خوبی می‌دانند در چه دوره خاصی از جریان ترجمه و انتقال فرهنگ و ادبیات جهان به سر می‌بریم.

در چنین شرایطی انتشار یک نشریه تخصصی که به امر ترجمه پردازد تحسین‌آمیز است. مجله‌ای که علیرغم تخصصی بودنش برای دوستان ادبیات در سطوح گوناگون خواندنی و جذاب است و این هنر سردبیر و همکارانش است که موفق شدند مباحث بسیار جدی را میان مخاطبان وسیعتری گسترش بدهند و این نکته یکی از موفقیت‌های مجله مترجم محسوب می‌شود.

دهباشی در معرفی نشریه مترجم گفت: اولین شماره مجله مترجم در بهار ۱۳۷۰ در مشهد انتشار یافت و تاکنون ۴۴ شماره آن منتشر شده است. دکتر خزاعی فر استاد دانشگاه فردوسی هستند، در رشته آموزش زبان انگلیسی فوق لیسانس و در رشته زبان‌شناسی

\* <http://tadaneh1.blogspot.com/2007/04/motarjem-night.html>

از دانشگاه یومیسٹ انگلستان دکتر دریافت کرده‌اند. ایشان همچنین یک دوره فرهنگ‌نویسی را هم گذرانده‌اند و علاوه بر سردبیری مجله مترجم پنج شماره مجله ریدر (Reader) را منتشر کرده‌اند.

عبدالله کوثری به عنوان سخنران دوم این جلسه ضمن قدردانی از مجله بخارا که بانی چنین مراسمی برای این مجله بوده است از تاریخچه مترجم برای حاضران حکایت کرد که خلاصه‌ای از آن را می‌توان چنین بازگفت: «آقای دکتر خزاعی فر پیشنهاد انتشار چنین مجله‌ای را با من مطرح کردند. من هم که بر اساس ذوق و علاقه شخصی خودم ترجمه می‌کردم بعید می‌دانستم که بتوان نشریه‌ای تخصصی را در شهرستان تا مدت زیادی منتشر کرد. اما با حسن ظن دوستان، امروز مجله ترجمه جایگاهی خاص در جامعه و در عرصه ادبیات یافته است. شروع نهضت ترجمه که از نیمه عصر ناصری آغاز شد راه دشواری را طی کرد و مترجمان قریب ۱۵۰-۱۰۰ سال است که بار گرانی را به دوش کشیده و به منزل برده‌اند. کار ترجمه تنها شناساندن ادبیات غرب و فلسفه نبوده، گرچه هر کدام مهم است، ترجمه زبان دیگری را پدید آورد، زبانی که بیش از آنکه نهضت ترجمه در ایران پای گیرد در زبان فارسی نبود. یعنی زبان رمان، زبان داستان کوتاه و زبان نقد که از طریق ترجمه به ما شناسانده شد. و می‌توان گفت مجله مترجم توانست فضای نقد و نقدپذیری را در بین خود اهل ترجمه رواج دهد و اهل ترجمه را با یکدیگر آشنا سازد.»

پس از آن علی صلح‌جو (مدرس و ویرایش و همکار نشریه مترجم) با محور ویرایش در ترجمه سخن گفت و تأکید کرد: نباید متفاوت بودن نثر ترجمه‌ای ما را به بیراهه بکشاند بلکه ویراستار باید با همدلی متن را بخواند تا بتواند به ویرایش آن بپردازد و اصلاً آن را قابل ویرایش ارزیابی کند.

سپس دکتر خزاعی فر، از پیچ و خمهای پیدایش مجله مترجم و چاپ آن طی شانزده سال گذشته حکایت کرد. دکتر خزاعی فر بر این نکته تأکید ورزید که ترجمه علم نیست و دلیل آن هم فردیت مترجم است که در عمل ترجمه دخالت دارد. و سپس با بیان آنکه به گونه‌های مختلف می‌شود ترجمه صحیح ارائه داد و برای آن مبناهای متعددی مطرح است. اما مبنای مجله مترجم زبان فارسی بوده است. بدان معنا که باید ترجمه را در واقع فارسی‌گردانی بدانیم که همین خود قابلیت‌ها و محدوده‌های زبانی را پدید می‌آورد. کار مترجم شکستن قالبها و خلق قالبهای جدید است. متأسفانه ما ترجمه را کاری سهل پنداشته‌ایم و به هر کس به صرف علاقه جواز ترجمه می‌دهیم.

سپس دکتر فرزانه فرحزاد، مدرس ترجمه در دانشگاه به بیان وجود تمایز و تفاوت بین سنجش کیفیت ترجمه و نقد ترجمه پرداخت. وی نقد یک ترجمه را امری جدا از ارزشیابی آن دانست و تصریح کرد: متن ترجمه شده را می‌بایست یک اثر مستقل دانست و حیات جداگانه‌ای برای آن در نظر گرفت. در سنجش و ارزشیابی یک ترجمه به متن آن محدود می‌شویم، اما در نقد می‌توان به فضای بزرگ تری نگاه کرد. بنا به گفته دکتر فرحزاد در حقیقت برای نقد ترجمه به چارچوبهای نظری نیازمندیم و نقد ترجمه به هیچ روی به مقابله و سنجش منجر نمی‌شود تا به قضاوت خوب و بد در باب ترجمه برسیم.

در پایان این مراسم میزگردی با حضور دکتر منوچهر بدیعی، دکتر مجدالدین کیوانی، خانم دکتر حورا یاوری، خانم دکتر فرزانه فرحزاد و دکتر علی خزاعی فر برگزار شد که حاضران پرسشهایی در خصوص ترجمه مطرح کردند. یکی از پرسشها از سوی گلی امامی خطاب به دکتر فرحزاد در خصوص آموزش ترجمه در ایران مطرح شد و نیز از آقای دکتر بدیعی پرسیدند که معیار ترجمه در رمان چیست، کلمه، جمله یا پارگراف؟ که دکتر بدیعی با اشاره به گفته دکتر محمد رضا باطنی گفت بی‌شک جمله است منتها جمله با آن تعریفی که در زبان‌شناسی از آن ارائه می‌دهند و در باب معیار ترجمه در شعر گفت که چون خود به ترجمه شعر اعتقادی ندارد و آن را ممکن نمی‌داند معیاری نیز برای آن قائل نیست.

این مراسم با استقبال گرم دانشجویان زبانهای خارجی و به ویژه دانشجویان مترجمی و نیز حضور گلی امامی، حورا یاوری، احمد پوری، فرزانه طاهری، هاشم بناپور، صفدر تقی زاده، سعید آذین، محمود حسینی زاد، رضا سید حسینی، امیرحسین لاهوتی، منوچهر بدیعی، ... و سردبیران نشریات ادبی، ناشران، ویراستاران کتاب و مطبوعات برگزار شد.

# از وب‌گاه‌های فرهنگی و ادبی

۶۲  
دوره چهارم

\*

«

»

mofa ele

mofa alat

...



۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳



« »

« »

« »

« »

« : »

« » « » « » « » « »

« » « » « »



spinach

pinard  
orange

aubergine

( )

Pomme de  
de

Pomme .

terre  
terre  
Chemin de fer

Compter sur

«  
»  
«  
»

«  
»

/ / «  
» /

© © © ©

[ ]



« »

« »

...

..

( )

...

« » « »

« » « » « » « » « » « » « » « »





## زبان علمی فارسی سخت جان نیست

رضا منصوری

در نشست دوم همایش ترجمه - راههای فرعی - عبور (گذار) رضا منصوری، نویسنده کتابهای علمی درباره «ترجمه و توسعه» (یا ترجمه در فیزیک و ارتباطش با توسعه به معنای عام) به سخنرانی پرداخت.

بخشهایی از سخنان او به شرح زیر است:

«از اوایل انقلاب که گروهی را برای ترجمه فیزیک تشکیل دادیم دیدیم که ترجمه با توسعه اجتماعی بسیار مرتبط است. در علم روشی وجود دارد به نام ریداکشنیسم (Reductionism) که در فارسی به آن فروکاست گرایی می‌گوییم. روشی که ما در ترجمه به کار بردیم خلاف آن یعنی پاد-فروکاست گرایی بود.

ترجمه لااقل از دید کشوری مثل ما که در حال توسعه است دو نوع است: یکی ترجمه برابر است، و دیگری نابرابر. مثلاً چون شعر در ایران صنعت بزرگی است، ممکن است ترجمه شعر از فارسی به زبانهای دیگر ترجمه نابرابر و از زبانهای دیگر به فارسی، برابر محسوب شود.

حال آنکه در زمینه علوم، بدون استثناء با ترجمه نابرابر روبرویم. ترجمه متون علمی در ایران از زبانی که ساخت واژه‌های علمی در آن ۳۰۰ سال قدمت دارد، به زبان فارسی که ۸۰۰ سال در این زمینه راکد بوده، ترجمه نابرابر محسوب می‌شود.

نکته دیگر این بود که ترجمه را به عنوان فعالیتی در زمینه زبان در نظر گرفتیم و می‌خواستیم زبان علمی فارسی را توسعه دهیم.

آخرین نکته پدیده‌ای است که در فارسی معادل سخت‌جانی را برایش به کار می‌برم. مثالی برای سخت‌جانی می‌زنم: هواپیماهای مدرن بیش از چند میلیون قطعه دارند و برای همین هم می‌گوییم روبات‌تر یا سخت‌جان‌ترند و بنابراین ایمن‌تر هم می‌شوند. مشابه این مثال در مسائل فرهنگی وجود دارد؛ یعنی وقتی یک مجموعه پیچیده‌تر است، از نظر تکاملی سخت‌جان‌تر است. حال آنکه زبان علمی ایران سخت‌جان نیست و زبانهای دیگر هستند. ما می‌خواستیم زبان علمی ایران را سخت‌جان‌تر کنیم.

با توجه به همه این نکات، مسئله‌ای را به نام واژه‌گزینی در اول انقلاب آغاز کردیم و این کار را نه صرفاً به عنوان واژه‌گزینی که به منظور توسعه علمی و توسعه کشور انجام دادیم. بعد از حدود ۱۵-۱۲ سال واژه‌های پایه علم فیزیک را به فارسی منتقل کردیم یعنی برایش استاندارد گذاشتیم و نحو زبان علمی فارسی را اصلاح کردیم. در عین حال به اختصارات هم فکر کردیم. ما این را در نظر گرفتیم که زبان و تفکر با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند.

خوشبختانه هم‌اکنون در سطح دکتری تمام دانشجویان فیزیک رساله‌شان را به فارسی می‌نویسند و سخنرانی‌شان هم به فارسی است. البته هنوز برای یک مشکل راه‌حل پیدا نکرده ایم و آن اختصارسازی در زبان علمی فارسی است.»

رضا منصوری نویسنده صدها کتاب و مقاله علمی است. او چند سال معاون پژوهشی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری بوده است و مدیریت چندین پروژه تحقیقاتی و چندین آزمایشگاه در حوزه‌های فیزیک را به عهده دارد. منصوری استاد فیزیک دانشگاه صنعتی شریف است.



## تأکید استادان دانشگاه تهران بر ضرورت صیانت از خط فارسی

اعضای هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران با انتشار بیانیه‌ای دربارهٔ ضرورت صیانت از خط فارسی، بر لزوم توجه به اصل پانزدهم قانون اساسی تأکید کردند. آنان معتقدند کاربران فناوریهای نوین با وجود عشق به خط و فرهنگ ملی، از سر ناچاری به الفبای انگلیسی روی آورده‌اند.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا - ۶ خرداد ۱۳۸۶)، در این بیانیه آمده است: خط فارسی یکی از مؤلفه‌های مهم وحدت و هویت ملی، و پلی است که نسلهای گذشته و حال را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در طول تاریخ بزرگ‌ترین دانشمندان و عارفان و شاعران ایرانی، آثار ارجمند خویش را به کمک این خط به حافظهٔ تاریخ سپرده‌اند... بی‌تردید هرگونه بی‌توجهی و بی‌مهری به خط فارسی و هر نوع افراط و تفریط در حق آن، جفا به فرهنگ ایرانی و اسلامی است و می‌تواند آثار مخاطره‌آمیزی بر هویت ملی و دینی ما داشته باشد.

این بیانیه در ادامه تصریح می‌کند: به همین دلیل است که اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اهمیت خط فارسی به عنوان خط رسمی و مشترک مردم ایران تأکید ورزیده و کاربرد آن را در اسناد و مکاتبات رسمی ضروری دانسته است.

این استادان با بیان این که: استادان بزرگ ادب فارسی و بنیانگذاران گروههای زبان و ادب فارسی نیز همواره به خط شیوای فارسی عشق ورزیده‌اند و لزوم صیانت از آن را یادآور شده‌اند، افزوده‌اند: بنابر آنچه گذشت، حفظ حرمت و اعتبار خط فارسی یکی از وظایف مهم همه اهل فرهنگ، به ویژه استادان و مدرسان و دانشجویان زبان و ادب فارسی است.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: در سالهای اخیر تحولات گسترده و شتابان در عرصه فناوری - به ویژه در رایانه (کامپیوتر) و ارتباطات سیار - باعث شده که متخصصان ما نتوانند در زمینه تطابق بخشیدن خط فارسی با فناوریهای نوین، چنان که باید و شاید چاره‌اندیشی کنند و همچون جوامع دیگر در این زمینه تدبیری بایسته و جامع بیندیشند، و همین تأخیر به نگرانی‌هایی در میان اصحاب فرهنگ و دوستداران خط فارسی دامن زده است. به نظر می‌رسد که این نگرانی‌ها تا حدود زیادی به جا و به حق، و شایسته بررسی و چاره‌اندیشی است.

استادان نخستین دانشکدهٔ ادبیات فارسی کشور تصریح کردند: فقدان چاره‌اندیشی جامع در این زمینه باعث شده است که بسیاری از کاربران فناوریهای نوین، با وجود عشق و علاقه فراوان به خط و فرهنگ ملی، از سر ناچاری به الفبای انگلیسی روی بیاورند و به عنوان مثال میلیونها نفر مشترک تلفنهای همراه در میلیونها پیام کوتاهی که روزانه ارسال می‌کنند، از خط بیگانه استفاده کنند. به نظر می‌رسد که مشکلات موجود در فرستادن پیام به خط فارسی و احیاناً گران‌تر بودن تعرفهٔ خط فارسی، در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است.

این بیانیه با بیان اینکه «به یقین تداوم شرایط کنونی نه در شأن فرهنگ و ملت بزرگ ایران است و نه افتخاری برای مسئولان محترم امر»، اضافه کرده است: ما امضاکنندگان این متن ضمن اعلام نگرانی از شرایط فعلی، از همهٔ استادان و محققان زبان و ادب فارسی و متخصصان دلسوز و متعهد کشور می‌خواهیم با همهٔ توان علمی و عملی خویش، در رفع این مشکل بکوشند.

امضاکنندگان این بیانیه اضافه می‌کنند: بایسته است دست‌اندرکاران محترم وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات این موضوع را کاملاً جدی و اساسی تلقی کنند و شایسته است که مسئولان محترم فرهنگستان زبان فارسی و شورای محترم انقلاب فرهنگی و اصحاب ارجمند رسانه‌های گروهی و همهٔ اهل فرهنگ در این زمینه از هیچ کوشش و رهنمودی مضایقه نفرمایند.

اسامی برخی از استادانی که بیانیه را امضا کرده‌اند بدین شرح است: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر علی شیخ‌الاسلامی، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر جلیل تجلیل، دکتر مظفر بختیار، دکتر علی محمد حق‌شناس، دکتر خسرو فرشیدورد و....

## یادداشتی برای حروفچین محترم

یادداشت زیر به منظور کمک به یکدستی نشریه، برای حروفچین محترم تهیه شده و در لابلای آن به نکاتی در خصوص دستور خط فارسی اشاره شده است. دستور خط فارسی بر اساس نظرات و توصیه‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی در کتابچه‌ای به همین نام قابل دسترسی است و همانگونه که در صفحه‌شناسنامه نشریه آمده است، الگوی نگارش برای نشریه ما به شمار می‌رود. نکات ذکر شده در یادداشت زیر، خصوصاً در خصوص رعایت فاصله‌ها به جهت پرهیز از دوباره‌کاری، می‌تواند مرجعی برای همکاران جوان این نشریه نیز تلقی شود.<sup>۱</sup> یقیناً خوانندگان فهیم مجله توجه می‌فرمایند که برخی از مواردی که در یادداشت زیر به‌عنوان غلط از آنها یاد شده در واقع برای تأکید بر یکدستی مجله است و تجویزی برای چگونه نوشتن محسوب نمی‌شود.

بسمه تعالی

## حروفچین محترم؛

با تشکر از اینکه همکاری با ما را پذیرفته‌اید، لطفاً در موقع تایپ برای نشریه درباره ترجمه به نکات ذیل توجه فرمایید:

- متن‌ها را حتماً در Word XP یا Word 2000 و ترجیحاً با فونت یاقوت (Yagut) یا بی‌زر (B Zar) تایپ کنید.
- قوانین نقطه گذاری را رعایت کنید: فاصله‌ای را کم یا زیاد در نظر نگیرید. هر واژه از واژه بعد از خود به اندازه فشردن یک کلید فاصله (space bar) فاصله دارد (نه بیشتر و نه کمتر). واژه‌های مرکب را دو واژه محسوب نکنید. خصوصاً در نظر داشته باشید که علامتهای «، ، ؟ ، ! ، «» چه در فارسی و چه در انگلیسی به حرف قبل از خود می‌چسبند و از حرف بعد از خود یک فاصله می‌گیرند: مثل مطالب نوشته شده در این صفحه.

- مطابق توصیه فرهنگستان زبان فارسی: تر تقریباً در همه جا و می (علامت مضارع) همیشه جدا نوشته می‌شود. ها (علامت جمع) نیز که اختیاری عنوان شده، در نشریه ما به کلمه قبل از خود می‌چسبند، مگر در واژه‌های متصل به های غیرملفوظ، بیگانه نامأنوس، و پردندانه (موارد خاص دیگری هم هست که بدیهی‌اند یا مهم نیستند).

- در مورد واژه‌های مرکب جدا نوشته شده، ها پس از های غیرملفوظ، تر و نیز می (علامت مضارع) مانند مثالهای زیر از فاصله مجازی استفاده کنید. این فاصله، با فشردن همزمان کلیدهای Shift/Space یا Ctrl/- به وجود می‌آید.

مثالها: صحیح است: پایان‌نامه، رشته‌ها، گفته‌ها، کامل‌تر، می‌گوید، می‌روم

غلط است: پایان نامه، رشته‌ها، گفته‌ها، کاملتر، می‌گوید، می‌روم

و نیز غلط است: پایاننامه، کامل‌تر، میگوید، میروم

- در مورد واژه‌های مرکب، نظر نویسنده را رعایت فرمایید. مثلاً شکل‌های روان‌شناسی و روانشناسی هر دو صحیح هستند. ولی باید نگارش واژه‌ها در سراسر یک مقاله یا نوشته، به شکلی یکسان به کار رفته باشند.

- برای جدانویسی اجزای مختلف یک کلمه نیز از فاصله مجازی به جای فاصله واقعی استفاده کنید:

مثالها: صحیح است: گفته‌ام، شکل‌گیری‌اش

غلط است: گفته‌ام، شکل‌گیری‌اش

- برای کلمات مختوم به های غیرملفوظ، در حالت مضاف، از علامت «ء» استفاده کنید (مثال: واژه، درباره). همچنین گذاشتن علامت همزه (مثال: تأکید، مبدأ، سؤال) و تنوین (مثال: جدأ، مثلاً، کاملاً) را به شکل صحیح آن رعایت کنید. (واژه‌ی، تأکید، سؤال، مبدأ، مبدأ، کاملاً و ... غلط محسوب می‌شوند).

لطفاً حتی در مواردی که نویسنده شکل‌های نگارشی دیگری را برگزیده بود شما آن را به صورت مورد نظر نشریه حروفچینی کنید.

با تشکر

سرمدبیر نشریه

\* فرهنگستان زبان و ادب فارسی. دستور خط فارسی. مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، چاپ ششم:

علی اکبر عابدیان

## درباره ترجمه گروهی تفسیر طبری\*

(به نقل از مقدمه آن)



و این کتاب، تفسیر بزرگ است از روایت محمد بن جریر الطبری، رحمة الله علیه، **ترجمه** کرده به زبان پارسی و دری راه راست، و این کتاب را بیاوردند از بغداد، چهل مصحف بود. این کتاب نبشته به زبان تازی و به اسنادهای دراز بود، و بیاوردند سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسماعیل، رحمة الله علیهم اجمعین. پس دشخوار آمد بر وی خواندن این کتاب و عبارت کردن آن به زبان تازی و چنان خواست که مر این را **ترجمه** کند به زبان پارسی.

پس علماء ماورالنهر را گرد کرد و این از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن به پارسی مر آن کس را که او تازی نداند، از قول خدای عزوجل که گفت: **وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ** (ابراهیم، ۵). گفت من هیچ پیغامبری را نفرستادم مگر به زبان قوم او و آن زبانی کایشان دانستند. و دیگر آن بود کاین زبان پارسی از قدیم باز، دانستند از روزگار آدم تا روزگار اسماعیل پیغامبر<sup>(ع)</sup>، همه پیغامبران و ملوکان زمین به پارسی سخن گفتندی، و اول کس که سخن گفت به زبان تازی اسماعیل پیغامبر بود<sup>(ع)</sup>، و پیغامبر ما صلی الله علیه از عرب بیرون آمد و این قرآن به زبان عرب بر او فرستادند، و اینجا بدین ناحیت زبان پارسی است و ملوکان این جانب ملوک عجم اند.

پس بفرمود ملک مظفر ابوصالح تا علمای ماوراء النهر را گرد کردند، از شهر بخارا، چون فقیه ابوبکر بن احمد بن حامد و چون خلیل بن احمد السجستانی، و از شهر بلخ، ابوجعفر بن محمد بن علی، و از باب الهند، فقیه الحسن بن علی مندوس را و ابوالجهم خالد بن هانی المتفقه را و هم از اینگونه از شهر سمرقند و از شهر سیجاب و فرغانه و از هر شهری که بود در ماوراءالنهر، و همه خطها بدادند بر **ترجمه** این کتاب که این راه راست است.

پس بفرمود امیر سید ملک مظفر ابوصالح این جماعت علما را تا ایشان از میان خویش هر کدام فاضل تر و عالم تر اختیار کنند تا این کتاب را **ترجمه** کنند. پس **ترجمه** کردند و از جمله این مصحف اسنادهای دراز بیفکنند و اقتصار کردند بر متون اخبار و این را بیست مجلد ساختند، از جمله این، چهارده مجلد فرو نهادند هر یکی نیم شعب، تا جمله همه تفسیر قرآن باشد، از پس وفات پیغامبر علیه السلام تا آن که که محمد بن جریر از این جهان بیرون شد و آن اندر سال سیصد و چهل و پنج بود از هجرت پیغامبر علیه السلام، و شش مجلد دیگر فرو نهادند تا این بیست مجلد تمام شد. و تفسیر قرآن و قصه های یاران پیغامبر که بودند از پس او، و قصه های امیران مؤمنان که بودند تا بدین وقت یاد کردیم اندر هفت مجلد، هر مجلدی یک شعب، تخفیف را. و بالله التوفیق و العصمة<sup>۱</sup> (**ترجمه** تفسیر طبری. فراهم آمده در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی، ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری، تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی. تهران، دانشگاه تهران ۱۳۳۹-۱۳۴۴، ج ۷، نقل از جلد اول، ص ۵-۷).

\* نقل از: خرمشاهی، بهاءالدین، ترجمه گروهی قرآن کریم، روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: ۱۳۸۶

## علمه اسیان

### آذرنوش: الگوی تمام ترجمه‌های قرآن ترجمه منصور سامانی است

آذرتاش آذرنوش در سخنرانی خود حول موضوع ترجمه قرآن به فارسی، در نشست‌های سلسله نشستهای همایش «ترجمه، گذار میان فرهنگها» که در کتابخانه ملی برگزار شد، الگوی تمام ترجمه‌های قرآن را ترجمه منصور سامانی دانست. به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی در نشست اول این همایش، آذرتاش آذرنوش، باربارا کاسن و ناصر فکوهی به سخنرانی پرداختند و در پایان نیز نشست پرسش و پاسخی بین آنها و حضار برگزار شد. آذرنوش، محقق و مترجم برجسته کشورمان حول موضوع «ترجمه قرآن به فارسی» گفت: «ابتدا بهتر است به موضوع ترجمه نماز به زبان فارسی پردازیم. جالب است بدانیم در بخارای قرن سوم هجری نماز به فارسی خوانده می‌شد.»



آذرنوش با اشاره به اینکه در آن دوران کسی جرأت ترجمه قرآن به فارسی را دست کم به طور رسمی نداشت، اظهار داشت: «قضیه دینی و عقیدتی بود، بنابراین ترجمه‌ها به صورت شفاهی در خانه انجام می‌شد نه به طور رسمی. این کار در قرن چهارم هجری انجام می‌شد.»

او افزود: «در دوران سامانی حکومت می‌خواست دولت ایرانی مستقلی به وجود بیاورد که زبان کل آن فارسی باشد. این حکومت قصد داشت

استقلال زبانی برای خودش به وجود بیاورد تا از دست خلفای عباسی و حتی ترکها خلاصی یابد.»

به گفته این محقق، در قرن چهارم هجری «منصور»، پادشاه سامانی، می‌خواست قرآن را ترجمه کند که پشتش می‌لرزد. بنابراین به ۱۹ ایالت و به ۱۹ قاضی بزرگ نامه می‌نویسد و این موضوع را مطرح می‌کند و از آنها فتوی می‌خواهد. بدین ترتیب، نخستین ترجمه رسمی قرآن به فارسی به تأیید ۱۹ قاضی و با حمایت دربار و سپاه بیرون می‌آید.

آذرنوش درباره ترجمه‌های بعدی قرآن به زبان فارسی گفت: «بعدها دانشمندان فارسی‌دان و عربی‌دان با نگرانی تمام (به دلیل حساسیت فوق‌العاده موضوع) به ترجمه قرآن پرداختند.»

او توضیح داد: «آنها نصف کار ترجمه قرآن را انجام می‌دادند، یعنی آیه قرآن را می‌نوشتند و کلمه به کلمه زیر آیه، فارسی آن را می‌نوشتند و هیچ وقت ساختار جمله را رعایت نمی‌کردند، فقط معادل‌یابی می‌کردند.»

به گفته آذرنوش، در نهایت کار این ترجمه‌ها به اغراق کشید و در تمام نسخه‌های ترجمه قرآن، ترجمه فارسی را با خط بد می‌نوشتند تا با خط قرآنی از نظر زیبایی مقایسه شود. به عقیده این محقق، الگوی تمام ترجمه‌های قرآن ترجمه منصور سامانی است.

آذرتاش آذرنوش نخستین ایرانی است که در رشته ادبیات عرب دکترا گرفته است. در سالهای اخیر بیشترین وقت خود را صرف تدوین فرهنگ عربی-فارسی و ترجمه آثار عربی به زبان فارسی کرده است. در سال ۱۳۷۹، به عنوان چهره ماندگار از او تجلیل شد. از جمله آثار مهم آذرنوش می‌توان به ترجمه کتاب موسیقی الکبیر فارابی اشاره کرد.